



دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات کودک و خانواده

سال چهارم / شماره پنجم / پاییز و زمستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران

مدرسه علمیه الزهراء (ع) اهواز

مدیرمسئول: سیده طیبه موسوی

سرمدیر: محمد فولادی وندا

مدیراجرایی: سنا خلف حیاوی

اعضای هیئت تحریریه

محمد فولادی وندا (دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)) / قاسم ابراهیمی پور (دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)) / محمد رضا احمدی محمدآبادی (دانشیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)) / حسن نجفی (دکتری مطالعات برنامه درسی دانشگاه علامه طباطبائی) / مبین صالحی (استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه عالی طلوع مهر قم) / سارا طالبی (دانش آموخته سطح چهار فقه خانواده و دکترای علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی) / سیدعباس ساطوریان (استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع))

ویراستار ادبی: منیژه گلستانی

ویراستار ترجمه چکیده انگلیسی: سنا خلف حیاوی

صفحه آرای، چاپ و صحافی: منیژه گلستانی

نشانی: اهواز،: زیتون کارمندی، روبروی فلکه فرودگاه، خیابان وطن

چهارراه اول، پلاک ۱۵- مدرسه علمیه الزهراء (ع)

تلفن تحریریه: ۰۶۱۱۴۴۵۲۵۱۶۴ صندوق پستی: ۶۱۶۴۶۱۳۸۳۳

آدرس سامانه اختصاصی نشریه: khanevadeh-pajoochi.whc.ir

شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۶۳۲۹ شاپا الکترونیکی: ۳۰۶۰۸۳۴۱

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

۱. مشخصات نویسنده/ نویسندگان: نام و نام خانوادگی، رتبه علمی، تحصیلات، رشته، شماره تماس و نشانی الکترونیکی در فایل جداگانه ارسال گردد.
۲. حجم هر مقاله بیش از ۷۵۰۰ کلمه نباشد. مقالات پرحجم جهت تلخیص برگردانده خواهد شد.
۳. چکیده فارسی، عصاره مقاله است و باید حداکثر ۳۰۰ کلمه باشد (بیان مسئله یا موضوع، قلمرو بحث، قلمرو منابع، اشاره به دستاوردها).
۴. واژگان کلیدی فارسی، حداقل ۳ واژه کلیدی که نقش محوری در متن اصلی مقاله دارند.
۵. مقدمه، شامل خلاصه‌ای از بیان مسئله، اهمیت موضوع، اهداف پژوهش، سوال‌های پژوهش و پیشینه پژوهش است.
۶. در ساماندهی بدنه اصلی مقاله لازم است به این موارد پرداخته شود: توصیف و تحلیل ماهیت، ابعاد و زوایای مسئله، نقد و ارزیابی نظریات رقیب به طور مستدل، تبیین نظریه پذیرفته شده، تقسیم مطالب در قالب محورهای مشخص.
۷. نتیجه‌گیری، شامل یافته‌های حاصل از پژوهش با اهداف در نظر گرفته شده از انجام پژوهش، مقاله و مقایسه نتایج پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های مرتبط پیشنهاد تحقیق است.
۸. مقاله ارسالی نباید در هیچ نشریه داخلی چاپ شده باشد.
۹. مقاله ارسالی نباید هم‌زمان به سایر مجلات یا مجموعه‌ها برای چاپ فرستاده شده باشد.
۱۰. ارجاعات، به شیوه درون‌متنی تنظیم و به این شکل نوشته شود: نام خانوادگی نویسنده، تاریخ انتشار و شماره جلد (در صورتی که اثر دارای بیش از یک جلد باشد) و شماره صفحه (مظفر، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۱۹۴). در صورت تکرار منبع، به نام خانوادگی و کلمه «همان» و ذکر شماره جلد و صفحه اکتفا شود (مظفر، همان، ج ۱، ص ۱۹) و در صورت تعدد آثار منتشره در سال واحد از یک مؤلف، جهت نمایاندن ترتیب انتشار از حروف الف، ب، ج و... استفاده شود. و فهرست منابع با رعایت ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده؛ سال انتشار؛ نام کتاب؛ نام مترجم؛ شماره جلد، نوبت چاپ، محل انتشار؛ ناشر.
- (ب) برای مقاله: نام خانودگی، نام نویسنده؛ سال انتشار؛ «عنوان مقاله»؛ عنوان مجموعه (مجله)، شماره مجله.
۱۱. ارسال، پیگیری، ارزیابی، اصلاحات، تایید نهائی و انتشار مقاله، تنها از طریق سامانه khanevadeh-pajoochi.whc.ir انجام می‌پذیرد.

فهرست مقالات

پیوند زناشوئی و گسستن آن در نگاه قرآن / جعفر انواری	۵
نقش والدین در تربیت جنسی فرزندان / محمدصادق فاضل	۳۳
بررسی راه کارهای پیش گیری از انحرافات جنسی در کودکان / مارال مروتی، شادی حسنی	۴۷
تحلیلی از آثار اخلاقی لقمه حرام در اندیشه و رفتار خانواده از منظر روایات / خدیجه نظری	۶۷
دعوت فرزندان به نماز / محمدحسین باقری	۸۷
راه کارهای تشویق دختران نوجوان به حجاب در دین مبین اسلام / زینب عالم زاده انصاری، معصومه رستگارنسب	۱۰۵
تحلیلی از عوامل پیدایش طلاق / مریم یوسفی عزت	۱۲۹

پیوند زناشوئی و گسستن آن در نگاه قرآن

جعفر انواری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۳

چکیده

با توجه به جایگاه بلند نهاد خانواده در جوامع بشری و عنایت ویژه قرآن مجید در این موضوع، بررسی آن در نگاه قرآن امری است بایسته. از این رو در این مقاله موضوعاتی در همین راستا مورد بحث قرار گرفته است؛ از آن جمله نقش ازدواج در بنیان بنای خانواده، همچنین جایگاه غریزه جنسی در ازدواج؛ اینکه آیا توجه به این غریزه امری ناشایست است، یا اینکه به عکس در پاره‌ای موارد توجه به آن در چارچوب شرع امری بایسته است. قرآن دیدگاه دوم را تأیید می‌کند و برای استحکام این بنا برنامه‌هائی ارائه می‌دهد که می‌توان به تأکید قرآن بر رفع هرگونه اختلاف از عرصه خانواده اشاره کرد که از روشن‌ترین این موارد، موضوع نشوز است، که قرآن مراحل حل این مشکل را تبیین کرده است. همچنین موضوع مهریه برای زن مورد تأکید قرآن قرار دارد که شبهات آن مطرح و در بوته نقد نهاده شده است. بحث تعدد زوجات و ازدواج موقت و پاسخ به شبهات آنها از دیگر موضوعات مورد بحث است؛ و در نهایت ترسیم عمل جراحی طلاق (گسستن پیوند زناشوئی) در موارد ضرورت، از جمله موضوعات طرح شده در این مقاله است.

کلید واژه‌ها: نهاد خانواده، ازدواج، همسران، ازدواج موقت، تعدد زوجات، طلاق

۱. دانشیار علوم قرآنی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) anvary@iki.ac.ir



نهاد خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهائی که بنای جامعه براساس آن بنیان نهاده شده، در گذر زمان در میان اقوام ملل و مناطق جغرافیایی دارای گونه‌های گوناگونی بوده است. عینیت‌های عصر حاضر نشان می‌دهد که این نهاد دچار آفت شده است. مدعای مقال ما در این مجال این است که قرآن به عنوان نهایی‌ترین پیام الهی و نسخه نجات بخش بشریت در این راستا رهنمودهائی ارائه کرده است. مسئله محوری در این نوشتار همان پیوند زناشویی و گسست آن در نگاه قرآن است و دیگر مباحث طرح شده جنبه مقدماتی و استطرادی دارد.

پیوند زناشویی در قرآن با دو اصطلاح زواج و نکاح مطرح شده است. «زوجناکها + من بیده عقده النکاح». مرد همسر زن و زن نیز همسر مرد است. این اصطلاح (زوج) اصطلاحی جهانی است. قرآن نیز همین اصطلاح را به کار گرفته است: «اسکن انت وزوجک الجنه». اهل نجد در مورد زن اصطلاح زوجه را به کار می‌بردند. فقها نیز با دو هدف همین راه را پیموده‌اند: یکی اینکه مرد و زن بودن در کلام روشن باشد؛ دیگر اینکه اشتباهی پیش نیاید و جای زن و مرد در کلام با یکدیگر دچار خطا نگردد. کلمه «نکاح» در آمیزش جنسی و در عقد بدون آمیزش نیز کاربرد دارد» (فیومی، ۱۳۸۰، ص ۲۵۹ و ص ۶۲۴).

این مقاله با هدف بررسی پیوند زناشویی و گسستن آن در نگاه قرآن و در پی پاسخ به این سوال است که از منظر قرآن کریم پیوند زناشویی از چه طریقی می‌گسلد و راههای تحکیم آن کدامند؟

ازدواج زیربنای بنیان خانواده

به روایت قرآن، خداوند اراده فرمود تا موجودی با ظرفیت برتر بیافریند؛ حضرت آدم را آفرید. او آمیزه‌ای از همه توان‌ها بود. او شیفته الفت بود؛ خداوند بر او منت نهاد و با آفرینش همسری از جنس خودش وی را به سوی آرامش رهنمون شد. و این همسر را نشانه‌ای از خالق برای خلق به شمار آورد (روم: ۲۱) (طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۱۶، ص ۱۶۶). همچنین ظاهر داستان حضرت آدم نشانگر آن است که بنیان خانواده در قالب زن و



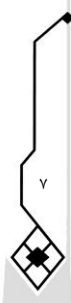
شوهری آغاز شده است (نساء: ۱؛ حجرات: ۱۳)؛ و هابیل و قابیل نیز به زندگی خانوادگی پایبند بوده‌اند. اما شماری از جامعه‌شناسان مانند باخ اوفن از اختلاط جنسی در مراحل اولیه زیست بشر سخن می‌گویند: «در آغاز انسان به شکل گروهی گله‌وار، با اختلاط جنسی (هرج و مرج) زندگی می‌کرد». در آن دوره هیچ مرد و زنی همسر یکدیگر شناخته نمی‌شدند. گروه دیگری از جامعه‌شناسان این سخن را مردود می‌دانند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۴۵۶).

ازدواج در نگاه فقه و اخلاق

ازدواج در فقه به تناسب اوضاع و شرایط گوناگون، احکام مختلفی دارد؛ یعنی در شرایط مختلف احکام خمسه بر آن بار می‌شود. اما در بعد اخلاقی از آنجا که در قوام ارزش اخلاقی افزون بر حسن فعلی، حسن فاعلی نیز لازم است؛ اگر کسی تنها برای ارضای میل جنسی ازدواج کند، کار او فاقد ارزش اخلاقی است. البته ازدواج با هر انگیزه‌ای که باشد دارای یک نوع ارزش اخلاقی خواهد بود. ارزش بالاتر در ازدواج در صورتی است که انگیزه‌ای بالاتر داشته باشد مانند دوری از گناه؛ اما اگر هدفش تنها رضایت خدا باشد، ارزش اخلاقی والائی خواهد داشت. برخی آیات (نور ۳۲) بر ارزش اخلاقی ازدواج دلالت دارد (مصباح، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۶۳-۶۴).

نیاز جنسی، نخستین عامل ازدواج

نخستین عامل در زندگی مشترک مرد و زن و پیوند آن دو، همان غریزه جنسی است. این نیاز متقابل تا حدود زیادی پیوند دائمی یا طولانی آن دو را سبب می‌شود (مصباح، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۷۱). اما سخن در این است که: آیا غریزه جنسی میلی پلید است یا گرایی نیکو؟ برخی از پیروان ادیان، تمایل جنسی را پدیده‌ای پلید و آمیزش را دارای پیامد تباهی می‌پندارند و چه بسا مسیحیان این را از تجرد حضرت عیسی برداشت کرده‌اند. آنان شرط وارستگی و نیل به کمالات روحانی را در پیراستگی از آمیزش جنسی در تمام مدت عمر دانسته‌اند. پاپ از میان مجردان زن‌گریز گزینش می‌شود. اما در نگاه



آموزه‌های اسلامی این نگرش ناصواب است.. گرچه ممکن است از ظاهر برخی آیات، مانند «زین للناس حب الشهوات من النساء و.....» (آل عمران: ۱۴) برداشت نکوهش شود؛ که اولاً این برداشت ناصواب است؛ زیرا آیه شریفه در مقام برشمردن اصناف مردم در پرداختن به امور شهوانی است که برخی از آنان گرایش شدید به امور جنسی دارند؛ که همین مفاسدی را بر آنان و جامعه در پی دارد. البته این بیشتر در مردان نمود دارد. آیه شریفه این‌گونه شهوت‌رانی را نکوهش می‌کند، نه اصل گرایش به همسر و ازدواج با او را (طباطبائی ج ۳، ۱۳۷۰، ص ۱۰۵). ثانیاً این‌سان برداشت از آیه با دیگر آیات، از جمله (سوره نور: ۳۲) در تعارض است.

آیه دیگر در این راستا همان آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ يَبْهِيكَ يَحْيِي مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحْصُورًا» (آل عمران: ۳۹) است که با توصیف حضرت یحیی به عنوان حصور، موهم این است که مجرد بر ازدواج برتری دارد. پس وانهادن غریزه جنسی امری است شایسته.

بررسی و نقد: گرچه قرآن حضرت یحیی را به وصف «حصور» (تارک ازدواج) می‌ستاید؛ اما وانهادن ازدواج به طور کلی نه تنها شایسته نیست؛ بلکه در مواردی امری است بایسته؛ زیرا اولاً ستایش از کاری در شرایع پیشین با ستایش آن در شریعت اسلام تلازمی ندارد (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۴۰۰)؛ ثانیاً ممکن است حضرت یحیی نیز همانند حضرت عیسی بر اثر شرایط خاص زندگی ناچار به مجرد زیستن بوده است. به طور کلی قانون ازدواج، بک قانون فطری است و در هیچ آئینی ممکن نیست حکمی برخلاف این قانون فطری، تشریع گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۰۳)؛ ثالثاً حصور به معنای بدون همسر نیست، بلکه به معنای کسی است که عنان غرایز را در دست دارد (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۲، ص ۲۷۱). نتیجه اینکه نمی‌توان نداشتن همسر را فضیلت دانست؛ زیرا در این صورت همه انبیاء، حتی حضرت رسول ﷺ خلاف افضل یا خلاف فضیلت رفتار کرده‌اند. به بیانی دیگر، حصور به معنای کسی است که با زنان آمیزش ندارد، یا به سبب عتت یا به جهت عفت؛ اما در اینجا دومی مراد است؛ زیرا آیه در مقام ستایش است (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۱۸۵).

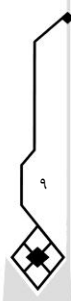
نقد: وانهادن ازدواج را چه سان می توان برخاسته از عفت دانست؟ بلکه ترک ازدواج حضرت یحیی به دلیل شرائط ویژه او بوده که در آن شرائط با مهار غریزه خود، ازدواج را وانهاده است و این خود در خور ستایش است.

راوندی می نویسد: «حضور کسی است که نه تنها با انواع خوراکی ها و نوشیدنی ها شهوت خود را بر نمی انگیزد؛ بلکه با ریاضت، مانند گرفتن روزه، شهوت خود را مهار می کند و دیگر تمایلی به همسر ندارد و قهراً ازدواج برای او استحباب و رجحان ندارد» (راوندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۲، ص ۸۸).

نقد: در آموزه های دینی هرگز به فروکاستن غریزه جنسی سفارش نشده؛ بلکه تنها برای کسی که شرائط ازدواج را ندارد، سفارش به روزه و... برای مهار غریزه مورد دستورات است «مسئله ۲۲: یستحب إكثار الصوم وتوفير الشعر لمن لا يقدر على التزويج مع میله...» (طباطبائی یزدی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۶۴۳). فخر رازی: «اصحاب ما براین باورند که وانهادن ازدواج امری است راجح، و هرچه در شرایع گذشته ثابت شود، در این شریعت نیز ثابت است؛ اولاً به دلیل فَمَهْدَاهُمْ أَفْتِدَهُ (الأنعام ۹۰)، ثانیاً: اصل این است که هر آنچه در آن شرایع ثابت بوده در این شریعت نیز ثابت باشد؛ چون نسخ خلاف اصل است» (رازی، ۱۴۲۳ ق، ج ۴، ص ۴۱).

نقد: اولاً اگر برای برخی انبیاء فضیلتی ثابت شود که دیگر انبیاء واجد آن نباشند، آن فضیلت از مختصات آن پیامبر است، نه جزء شریعت او؛ ثانیاً در آیه اقتداء، خداوند نفرموده «بههم اقتده»؛ بلکه فرموده «بهدهام اقتده»؛ هدایت انبیاء همان تزویج بوده نه ترک آن؛ ثالثاً با توجه به این دو نکته و رجحان ازدواج در شریعت اسلام جائی برای شک باقی نمی گذارد، تا نوبت به اجرای اصل برسد (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۱۴، ص ۱۸۵؛ الاصل دلیل، حیث لادلیل). رابعاً این امر با آموزه های دینی در ترغیب به ازدواج (نساء ۳؛ نور ۳۲ و روایات)؛ ناسازگار است.

روایات: ۱- من اخلاق الانبياء.. وكثرة الطروقه (مجلسی، بی تا، ج ۱۱، ص ۶۶)؛ ۲. قال الرضا (علیه السلام) فی الدیك الابيض خمس خصال من خصال الانبياء: معرفته بأوقات الصلاة والغيرة والسخاء والشجاعة وكثرة الطروقه (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۳، ص ۱۳-۱۸)؛ ۳- وأما



عثمان بن مظعون فانه حلف أن لا ینکح ابدا إلى ان قال : فخرج رسول الله ﷺ ونادی الصلاة جامعة، وصعد المنبر، وحمد الله، وأثنى عليه، ثم قال : ما بال اقوام یحرمون علی انفسهم الطیبات الا انی انام اللیل، وانکح، وافطر بالنهار، فمن رغب عن سنتی فلیس منی، فقام هؤلاء، فقالوا : یا رسول الله ﷺ فقد حلفنا علی ذلك، فأنزل الله عز وجل : (لا یؤاخذکم الله باللغو فی ایمانکم...) (مجلسی، بی تا، ج ۶۲، ص ۱۳-۱۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۳، ص ۱۳-۱۸).

ابن عاشور براین باور است که این عنوان فضیلتی برای حضرت یحیی به شمار نمی آید؛ بلکه راز این ترک ازدواج این است که خداوند به حضرت زکریا اعلام فرمود که دعای تو در تقاضای فرزند مستجاب شد؛ اما تقدیر براین است که نسل تو تداوم نیابد. از این رو همسرت نازا و فرزندت (یحیی) مجرد زیسته است؛ و این گویای کرامت و جایگاه حضرت زکریا نزد خداوند است» (ابن عاشور، ۱۹۴۸م، ج ۳، ص ۲۴۱). این تفسیر با ظاهر و سیاق آیه در ستایش از حضرت یحیی با عنوان «حضوراً» ناسازگار است. جمهور مفسران اهل سنت و شیعه به ستایش حضرت یحیی در این آیه اذعان دارند. از قاضی عیاض نیز نقل شده که حضور به معنای عصمت از گناهان است (طنطاوی، ۱۹۹۷م، ج ۲، ص ۹۷). **نقد:** اولاً، عصمت وصف همه پیامبران است؛ اما وصف حضور تنها از آن حضرت یحیی است. ثانیاً، حضور در فرهنگ لغت شناسان به وانهادن امور جنسی اطلاق می گردد؛ در حالی که گستره عصمت از این وصف گسترده تر است.

عوامل پایداری و استحکام خانواده:

الف: تمایل طبیعی: میل جنسی مانع انقراض نسل: این میل طبیعی در انسان شدید است و به همین جهت انسان در راه اشباع آن با دشواری ها سازگار می شود. همان گونه که محدودیت در اشباع آن نیز برای انسان دشوار است از این رو در پاره ای موارد این محدودیت ها برداشته شده است مانند این که آمیزش با همسر در شب های ماه رمضان حرام بود که این حرمت برداشته شد «احل لكم ليله الصيام.....».

ب: نیاز عاطفی: انسان جویای انس و الفت است (اعراف، ۱۸۹؛ روم، ۲۱)؛ به بیانی



دیگر، نیاز انسان به همسر نیازی فراتر از غریزه است. تنها فلسفه همسری در قرآن، همان آرامش است؛ «لتسکنوا» با لام تعلیل آمده؛ اما در مورد بقای نسل، این لام وجود ندارد (نحل، ۷۲)؛ (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۹۷)؛ (شوری، ۱۱)؛ (همان، ص ۲۶). فلسفه زوجیت در موجودات دیگر تنها بقای نسل است. گرچه آمیزش جنسی آرام بخش است؛ اما در انسان الفت جوئی معلول یک نیاز فراغریزی است، که حتی با فروکاستن غریزه جنسی، این نیاز عاطفی هم چنان فعال خواهد ماند.

ج: کنترل تمایلات جنسی در مسیر همسری. پرهیز از نگاه به نامحرم (نور، ۳۱)؛ کنترل ارتباط پیش از ازدواج (نساء، ۲۵؛ مائده، ۵) و بازداشتن از انحراف (شعراء، ۱۴۴؛ عنکبوت، ۲۰؛ اعراف، ۸۱).

د: محبت و مودت ویژه: (روم، ۲۱)؛ محبت مانع فروپاشی خانواده؛ زیرا مرد بنده شهوت و زن اسیر محبت است.

ه: تشویق به مهرورزی از طریق پاداش اخروی: (طور، ۲۶)

و: تحکیم خانواده از طریق فرزند: (ابراهیم، ۳۹؛ آل عمران، ۳۸؛ نحل، ۷۲)؛ تجلی این دوستی در داستان حضرات یعقوب و یوسف «وابیضت عیناه... یا بنی اذهبوا فتحسبوا...» است. علاقه به فرزند چه بسا از علاقه به پدر و مادر و... بیشتر باشد (عبس، ۳۳): «یوم یفر المرء من اخیه... و بنیه». آمارهای دنیا نشان می دهد طلاق در بی فرزندها بیشتر است.

ز: شایستگی، اطاعت، رازدار بودن: (نساء، ۳۴).

نقش زن در جایگاه همسری

- ۱- تمامیت بخشی هستی مرد: (نساء، ۱)
- ۲- تداوم بخشی نسل انسان (نساء، ۱)
- ۳- برآورنده نیاز روحی (آرامش) (روم، ۲۱)
- ۴- نقش عیب پوشی (بقره، ۱۸۷)؛ (همان، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۴۴)
- ۵- مشاور در امور خانواده (بقره، ۳۳؛ طلاق، ۶)؛ گستره این مشاوره تنها در امور



خانواده است.

۶- فراهم شدن زمینه بهتر عبادت خداوند (بقره، ۲۲۳)؛ (همان، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۱۴).

دو نکته در مورد ازدواج

۱- خواستگاری: به سبب برخی توانایی‌های ذاتی، مردان به خواستگاری زنان می‌روند و زنان با ویژگی‌های خود زمینه تسلیم خود را در برابر مردان اعلام می‌دارند. اصل درخواستگاری از سوی مردان است (بقره، ۲۳۵) (تعریض= کنایه) [البته ممکن است به عکس نیز اتفاق بیفتد؛ مانند جریان حضرات شعیب و موسی علیه السلام (قصص، ۲۷)]

۲- مهریه: هدیه مرد به زن، کسی را حق گماردن زن بر کارهای متفرقه نیست؛ تنها باید نسبت به نیازهای جنسی متعهد باشد. مرد برای جلب نظر زن هدیه‌ای را برای او پیش‌کش می‌کند: (نساء، ۴)؛ (همان، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۶۹).

شبهات در بونه نقد

۱. مهریه نشان علاقه یا بهای خرید زن؟ منتقدان مهریه می‌پندارند که مهریه پولی است که مرد برای خرید زن می‌پردازد. **نقد:** اولاً قرآن از مهریه به عنوان هدیه یاد می‌کند. «نحله» در نکاح، یعنی زن چیزی را به شوهرش تملیک نمی‌کند تا مهریه عوض آن باشد. ثانیاً مرد هیچ‌گونه حق بهره‌برداری اقتصادی از زن را ندارد. پس چگونه مهریه رنگ اقتصادی پیدا می‌کند؟

۲. ناهمخوانی مهریه با تساوی زن و مرد در آفرینش: از آنجاکه مرد و زن در آفرینش همانند هم و نیازمند به یکدیگرند؛ پس وادار سازی مرد به پرداخت مهریه با این تساوی ناسازگار است. **نقد:** باتوجه به اینکه زن و مرد در آفرینش بایکدیگر متفاوت هستند؛ حالات و روحیات آنان هم‌سان نیست؛ پس تساوی آنان در همه جهات پذیرفته نیست، تا قانون مهریه با آن ناهم‌خوان باشد.

۳. مهریه هدیه یا وثیقه؟ از آنجاکه طلاق در اختیار مرد است و زن برای زندگی

مشترک خود تأمینی ندارد، به زن این حق داده شده که افزون بر اعتماد به شخصیت مرد، نوعی وثیقه و اعتبار مالی نیز از مرد خواستار باشد. اگر اختیار تام طلاق از مرد گرفته شود، دیگر به مهریه نیازی نخواهد بود. نقد: اولاً این برداشت با عنوان قرآن «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَتِهِنَّ نَحْلَةً» در مورد مهریه، ناهم خوان است؛ نفرمود «صدقاتهن وثیقه...»؛ ثانیاً چرا حق طلاق به زن داده شده تا نیازی به مهریه باشد؟ آیا اگر زن با شرط ضمن عقد اختیار طلاق را از آن خود کند، دیگر حکم مهریه ملغی می‌گردد؟ ثالثاً چرا معصومان کم بودن مهریه و یا بخشیدن آن را مورد تأکید قرار داده‌اند؟ رابعاً در صدر اسلام در آغاز ازدواج، مهریه پرداخت می‌شد و دیگر وثیقه‌ای در کار نبود تا در مقابل طلاق از زن حراست کند (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱۹، ص ۲۱۳-۲۲۹).

چند همسری

الف: تعدد زوجات

از نظر اسلام ازدواج با چهار زن به صورت دائمی جایز است. تعدد زوجات دارای بعد حقوقی و اخلاقی است، که نیازمند بحث مبسوط است. در این مجال تنها به بررسی دو آیه در این زمینه بسنده می‌شود؛ آیه اول: «فَأَنْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَتٍ وَرَبْعٍ فَإِنْ حَفِظْتُمْ أَلا تَعْدِلُوا فَوَجِدَةٌ؛ پس با زنانی که مایل هستید ازدواج کنید، با دو نفر، سه نفر، و چهار نفر از زنان؛ و هرگاه نگران هستید که در میان شان به عدالت عمل نکنید، پس (فقط) با یک زن ازدواج کنید (نساء، ۳). در این آیه به نکته اخلاقی توصیه شده است، که بر مرد لازم است میان همسرانش به عدالت رفتار کند و اگر احتمال می‌دهد که نتواند عدالت را رعایت کند، به یک زن اکتفا کند. آیه دوم: «وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ»؛ هرگز نمی‌توانید بین همسران عدالت برقرار کنید (نساء، ۱۲۹).

تعارض ظاهری دو آیه: آیه اول جواز تعدد ازدواج را مشروط به عدالت می‌داند. آیه دوم رعایت این عدالت را ناممکن می‌داند. پس جواز تعدد ازدواج مشروط به امر محال شده است؛ در نتیجه تعدد ازدواج امری است ناشدنی.



رفع تعارض دوآیه: برخی برآنند که مجموع دو آیه، دلالت دارند براینکه ازدواج با بیش از یک همسر جایز نیست؛ زیرا آیه نخست، جواز تعدد همسران را متوقف بر رعایت عدالت در میان آنان دانسته است؛ و آیه دوم دلالت دارد براینکه رعایت عدالت در میان همسران امکان ندارد و مرد هرگز نمی‌تواند میان همسران خود به عدالت رفتار کند و نتیجه جمع بین این دو آیه، جایز نبودن ازدواج با بیش از یک همسر خواهد بود. در نقد این سخن باید گفت: بدیهی است جمع بین این دو آیه، به این شکل، چیزی جز به ابتذال کشاندن آیات نیست. چه سان ممکن است از یک سو، خداوند ازدواج با چهار همسر را (به شرط عدالت) مجاز بداند و از سوی دیگر، دستیابی به عدالت را امری ناممکن شمارد. برای حل این تعارض بدوی می‌توان گفت عدالتی که فراتر از توان انسان است، عدالت در رعایت حقوق قانونی همسران نیست؛ زیرا رعایت این عدالت، امری است ممکن؛ بلکه رعایت مساوات مطلق میان همسران (حتی در محبت قلبی و عواطف انسانی) امری ناشدنی است. چه اینکه تساوی در محبت بین همسران فراتر از توان و اختیار انسان است (مصباح، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۶۹).

چند نکته: ۱. اتهام غرب به اسلام، از جمله تبلیغات در قرون وسطا علیه دین اسلام همین بود که مبتکر تعدد زوجات اسلام بوده و همین علت پیشرفت دین شده است (ویل دورانت، ج ۱). گوستاولوبون: در اروپا هیچ یک از رسوم مشرق به قدر تعدد زوجات، بد معرفی نشده و درباره هیچ رسمی هم این قدر نظر اروپا به خطا نرفته است. این امر اصلاً ابتکار اسلام نیست؛ بلکه در اقوام گذشته نیز مطرح بوده است» (مطهری، ۱۳۸۸، ج ۱۹، ص ۲۱۳ - ۲۲۹)؛ ۲. مفاد پاره‌ای از آیات، تنها مجاز بودن چند همسری با رعایت شرائط و تعداد (نساء، آیه ۴)، بدون هیچ گونه تشویق و ترغیب؛ ۳. عدم پیوند مجاز بودن با سوء استفاده؛ ۴. امکان مشروط شدن تعدد، با نظر زن، با شرط ضمن عقد؛ ۵. نتیجه ممنوعیت چند همسری در شرائط فزونی زنان بر مردان، همان ملعبه شدن زنان به دست مردان بدون تعهد آنان در مقابل زنان و فرزندان؛ ۶. کمونیسم جنسی بر عدم محدودیت مطلق (از طرف زن و مرد) پافشاری دارد. پیامد این دیدگاه همان نفی نظام خانواده است که در هیچ دوره‌ای از تاریخ شاهد آن نیستیم. البته ازدواج‌های مشترک و

مخلوط وجود داشته (ویل دورانت)؛ اما بنا بر تجارب تلخ در سال ۱۹۳۸ از طرف برخی کشورهای نیرومند کمونیستی، قانون تک همسری یگانه قانون رسمی شناخته شد.

چند همسری

ب- چند شوهری: گونه‌های آن در جاهلیت: الف: واگذاری زن به مردی دیگر در مدت معین برای بارداری (داشتن نسب و نسلی برتر «نکاح استبضاع») ب: گروهی کمتر از ده نفر با زنی رابطه داشتند. پس از زایمان، زن هر کدام از این مردها را به عنوان پدر انتخاب می‌کرد، او ملزم بود بپذیرد. ج: زنی با زدن پرچم برفراز خانه خود با مردان متعددی رابطه داشت. هنگام زایمان، قیافه‌شناس پدر فرزند را تعیین می‌کرد. اسلام بر تمام اینها خط بطلان کشید.

چند ایراد بر چندشوهری: ۱. مهم‌ترین ایراد همان اشتباه نسب است؛ ۲. چندشوهری نه تنها با طبیعت انحصارطلبی و فرزنددوستی مرد ناسازگار است؛ بلکه با طبیعت زن نیز هم‌خوانی ندارد. روان‌شناسان معتقدند: «زن بیش از مرد خواهان تک همسری است. زن از آن جهت که پرورش‌دهنده فرزند در رحم است، حالات روانی مخصوصی دارد که سخت‌آورا به محبت شوهر به عنوان پدر فرزندش نیازمند می‌سازد. این نیاز زن، تنها در تک‌شوهری برآورده می‌شود» (همان).

ازدواج موقت، گونه‌ای دیگر از پیوند زناشویی

این پیوند مورد پذیرش عالمان شیعه است؛ اما عالمان اهل سنت آن را برنمی‌تابند. از این رو بررسی آیات در این زمینه امری است بایسته: «أحل لكم ما وراء ذلكم أن تبتغوا بأموالكم محصنین غیر مسافحین فما استمتعتم به منهن فآتوهن أجورهن فريضة» (نساء، ۲۴).

منظور از «استمتاع»، خصوص ازدواج موقت است. شواهد داخلی: اول، محفوف بودن جمله به دو امر مالی (ان تبتغوا بأموالکم) و (فآتوهن أجورهن). ذکر مهریه تنها در ازدواج موقت رکن عقد است. البته از کلمه «اجر»، موقت بودن ازدواج برداشت

نمی‌شود؛ زیرا این کلمه در قرآن درباره مهریه ازدواج دائم نیز کاربرد دارد (احزاب، ۵۰؛ نساء، ۲۵). دوم، مراد از «استمتاع» معنای لغوی آن نیست؛ بلکه همان معنای اصطلاحی آن است؛ یعنی «ازدواج موقت». زیرا منطوق این جمله و مفهوم آن در مقام بیان حد و حدود است. یعنی اخذ مهریه از حیث وجود و عدم وابسته به استمتاع است (البته استمتاع لغوی منظور نیست). در عقد موقت به صرف اجرای عقد، (قبل از آمیزش) شوهر موظف به پرداخت تمام مهریه می‌شود. اما در عقد دائم مهریه کامل درگرو آمیزش است و با صرف عقد، تنها نصف مهریه ثابت می‌شود. سوم، بیان حکم با فاء تفریع (فاتوهن) شاهد بر این است که حکم ازدواج موقت تأسیس اسلام است، نه اینکه قبلاً مطرح بوده و اسلام آن را امضا کرده باشد.

شواهد بیرونی: اول، تاکنون دوبار در سوره نساء در مورد مهریه به روشنی بحث شده است (آیه ۴ و ۲۰). اگر جمله «فاتوهن» نیز در مورد ازدواج دائم باشد، پیام جدیدی نخواهد داشت. دوم، اهل سنت نیز اصل مشروعیت ازدواج موقت را قبول دارند (چون در سال‌های چهارم و پنجم در منظر حضرت رسول ۹ انجام می‌گرفت)؛ بلکه تا زمان عمر ادامه داشته است (الهندی، ۱۳۹۹ق، ج ۱۶، ص ۵۱۳)؛ اما بر نسخ آن پافشاری دارند. سوم، وجود روایات و اجماع فقها بر جواز آن (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۳۰۹). البته این شاهد تنها در حوزه تشیع کارآمد است.

نکته: مفسران اهل سنت (با پذیرش اصل مشروعیت ازدواج موقت)، استمتاع را به معنای لغوی «ازدواج دائم» دانسته‌اند.

ابن عاشور می‌نویسد: «جواز ازدواج موقت در اسلام تردید بردار نیست» (ابن عاشور، ۱۹۴۸م، ج ۵، ص ۱۰). حتی برخی نیز دلالت آیه را پذیرفته‌اند (کیاها راسی، ۱۴۰۵ق، ج ۲، ص ۲۳۶)؛ اما از نسخ آن در روایات سخن به میان آورده‌اند. خطیب می‌نویسد: «در اصل مشروعیت ازدواج موقت اختلافی بین شیعه و اهل سنت وجود ندارد؛ اختلاف تنها در نسخ این حکم است (خطیب، بی‌تا، ج ۳، ص ۷۴۲) که اهل سنت طبق روایاتی بر آن پافشاری دارند و به تعبیر ابن عاشور «در این روایات اضطراب شدیدی را شاهدیم» (عاشور، ۱۹۴۸م، ج ۵، ص ۱۰).

نقد: آنان که مدعی نسخ آیه هستند، اثبات آن را نیز برعهده گیرند. آیا روایات در حد تواتر است؟ این خود نیازمند اثبات است؛ و آیا با خبر واحد آیه قرآن قابل نسخ است؟ این نیز جای تأمل است. آلوسی برخلاف شماری از عالمان اهل سنت می نویسد: «این روایت خبر واحد است و ما بر این باوریم که نسخ حکم قرآن با خبر واحد نارواست» (آلوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۱۲۲).

ادله اهل سنت بر تحریم ازدواج موقت

دلیل اول: آیات ارث زوجه را می توان ناسخ آیات ازدواج موقت دانست؛ زیرا زن در عقد موقت از ارث محروم است. پس عنوان «ازواج» تنها در مورد ازدواج دائم کاربرد دارد (خطیب، بی تا، ج ۳، ص ۷۴۱). خطیب چنین نگاشته است: برادران شیعه ما (تعبیر قابل توجه) برای روا دانستن ازدواج موقت، به این آیه استناد جسته اند؛ اما اهل سنت آن دسته که نسخ قرآن با روایت متواتر را جایز می دانند، برای اثبات این نسخ به روایات تمسک جسته اند. دسته دیگر که این گونه نسخ را بر نمی تابند، این آیه را منسوخ آیه ۵ تا ۷ سوره مؤمنون می دانند. پاسخ شیعه این است که «ناسخ هرگز بر منسوخ مقدم نخواهد بود؛ در حالی که سوره مؤمنون مکی است؛ و قهراً نزول آن بر نزول سوره نساء که مدنی است تقدم داشته است. پس اساس این نسخ به چالش کشیده می شود. شیعه در پاسخ استناد اهل سنت به روایات، به روایات جواز ازدواج موقت و عمل به آن در عهد رسول الله ﷺ و عهد ابوبکر و عمر استناد می جوید و اینکه عمر در سال های پایانی خلافت خود آن را تحریم کرده است. روایاتی چند در صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتب بر آن گواهی می دهند. اما اینکه عمر چگونه آن را تحریم کرده، بهترین توجیه همان گفتار فخر رازی است (همان، ص ۷۴۲) که: «ما منکر آن نیستیم که متعه مباح بوده؛ اما می گوئیم منسوخ گردیده است. اگر در عصر پیامبر ﷺ مباح بوده و عمر آن را ممنوع کرده باشد، لازمه اش این است که او و تمام کسانی که با او مبارزه نکردند کافر شده باشند؛ و این عدم مخالفت با عمر مستلزم تکفیر حضرت علی علیه السلام خواهد بود، که این نتیجه مورد پذیرش نیست» (فخر رازی، ۱۴۲۳ق، ج ۵، جزء ۱۰، ص ۵۶).

نقد: سکوت در همه جا حاکی از رضایت نیست؛ در زمان اوج قدرت عمر، کسی را یارای مخالفت با او نبود (جوادی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۳۴۳)؛ یا با مصلحت مسلمانان ناسازگار بود، وگرنه امیرمؤمنان علیه السلام در بسیاری از موارد هم چنان می بایست با خلیفه در ستیز باشد. اصل غصب خلافت از همه این امور مهم تر بود؛ اما تقیه چنین اقتضا می کرد که حضرت پرچم مخالفت را به صورت رسمی برافراشته نکند.

دلیل دوم: آنان ازدواج موقت را برخلاف آیات نکاح، طلاق و عده می دانند؛ مثلاً آیه «الا علی ازواجهم» سخن از همسران دائم به میان آورده است. قهراً ازدواج موقت فاقد توجیه شرعی خواهد بود (رازی، بی تا، ج ۵، جزء ۱۰، ص ۵۱؛ رشیدرضا، ۱۳۷۳، ج ۵، ص ۱۳).

نقد: کلمه زوج به معنای همسراست و هرگز بر دائم یا موقت بودن آن دلالت ندارد؛ چون دلیل هرگز متکفل موضوع خود نیست.

دلیل سوم: روایات تحریم است. روایات تحریم و ناسخ ازدواج موقت، روایاتی نبوی است که حکایت از حرمت آن در عهد نبوی دارد. مانند: «ان رسول الله صلی الله علیه و آله نهی عن متعه النساء» (الهندی، ۱۳۹۹، ج ۱۶، ص ۵۲۵). و روایاتی که تحریم آن را به عمرنسبت می دهند؛ مانند: عن جابر: فلما كان عمر نهانا فانتھینا» (همان، ص ۵۲۰).

نقد: اولاً: عدم نقل این روایات در منابع شیعی، فقدان حجیت آنها را در پی دارد (گرچه نقل روایت از راوی موثق اهل سنت مانند سکونی و نوفلی پذیرفته است)؛ ثانیاً: این روایات به دلیل تعارض و نبود وجه جمع، از درجه اعتبار ساقط اند. روایتی که از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده اند، با دیگر روایت نقل شده از آن حضرت، مانند اینکه اگر عمر ازدواج موقت را ممنوع نمی ساخت، هرگز (جز افراد پست) به زنا مبتلا نمی شد: «لولا ان عمر نهی عن المتعه ما زنی الا شقی (ر.ک: طبری، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۱۵) ناهم خوان است. ثالثاً: نهی عمر از ازدواج موقت: دو گونه بهره بردن (منعه حج و متعه زن) در عهد نبوی جایز بود، که من آنها را حرام کردم و برانجام آن کیفر قرار دادم». در نتیجه این آیه هم چنان از محکmat آیات است که هیچ گونه شائبه نسخی در آن راه نیافته است.

مدیریت خانواده

یکی از موضوعات بسیار حائز اهمیت در خانواده، همان مدیریت خانواده است. چه اینکه خانواده یک واحد کوچک اجتماعی است که نیازمند سرپرست است (حتی در سفر دسته جمعی در حد سه نفر نیز تعیین مدیر امری شایسته است). مرد به عنوان مدیر خانواده معرفی شده است. البته اداره مجموعه، غیر از استبداد است. قرآن با عنوان قوام از مدیریت مرد در خانواده یاد می‌کند (قوام صیغه مبالغه، واو آن به یاء تبدیل نمی‌شود؛ اما در قیوم تبدیل شده است؛ زیرا وجود سه واو در قووم با داشتن ضمه، تبدیل به یاء را در پی داشته. اما در قوام چنین نیست). قوام بودن مرد یعنی اینکه مرد بر زن اشراف دارد و نیازهای او را تأمین می‌کند (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۳۸۲). «الرجال قوامون على النساء» (نساء، ۳۴)؛ گرچه این جمله، خبریه است؛ اما مقصود اصلی همان دستور و فرمان است. خداوند مرد را قوام همسرش قرار داده، چون زن ناموس او و امانتی الهی است که خداوند حفظ و دفاع از وی را و نیز تأمین نفقه‌اش را بر عهده مرد گذارده است. تعبیر قوام گویای اهمیت موضوع است؛ اگر کار جزئی باشد، گفته می‌شود به آن قیام کنید و اگر مهم باشد، گفته می‌شود قوام باشید. مانند «کونوا قوامین بالقسط».

کمال انسانی و مدیریت اجرائی: معیار کمال انسان (زن و مرد) تقواست؛ اما مدیریت خانواده و دیگر امور اجتماعی، مانند ولایت و قضاوت، امور اجرائی‌اند که هرگز دلیل فضیلت نیستند (جوادی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۵۱).

راز قوام بودن مرد در آیه شریفه، این سان بیان شده است: «بما فضل الله بعضهم على بعض و بما انفقوا من اموالهم»؛ هر دو بآیه، بآء سببیت است؛ یعنی خداوند به دو جهت قوامیت را بر عهده مرد نهاده است.

الف: خصوصیت مرد که نیروی تفکرش بر عاطفه‌اش غلبه دارد؛ ولی در زن عکس آن تحقق دارد. هم چنین نیروی جسمی در مرد بیشتر است؛ تا با نیروی تفکر بیندیشد و نقشه طرح کند و با نیروی جسمی از خانواده دفاع کند.

ب: تعهد پرداخت هزینه (نفقه)؛ مرد که چنین تعهدی دارد، حق سرپرستی خانواده را نیز به عهده دارد (گرچه ممکن است برخی زنان در این ویژگی‌ها از مردها برتر باشند؛ اما



ملاک در احکام کلی، افراد است نه کل افراد؛ مانند الرجل اقوی من المرأة... برخی «باء» را به معنای مقابله دانسته‌اند؛ به یعنی اینکه مردان در برابر تفضیلی که برخی از ایشان بر برخی داده شده‌اند و در برابر انفاقی که بر ایشان می‌کنند، وظیفه و مسؤولیت قوامیت بر زنان را دارند. همچنین «ما» در «بما فضل الله و بما انفقوا» یا مصدریه است؛ یعنی به دلیل تفضیلی که داده شده‌اند؛ و یا موصوله است؛ یعنی به دلیل آنچه بدان تفضیل داده شده‌اند (حکیم باشی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۱).

قوامیت مرد هرگز استقلال زنان را در انجام کارهای خود به چالش نمی‌کشد. هم چنان که مرد از این حق برخوردار نیست تا اداره امور خانه را بر زن تحمیل کند.

دو برداشت افراطی و تفریطی از آیه شریفه

برداشت پژوهش‌گران در این زمینه با آشفتگی و تشویش همراه است. برخی در برداشت افراطی به استناد آیه ۳۴ سوره نساء: «الرجال ...» و ۲۲۸ سوره بقره «وللرجال علیهن درجه...» برای مرد سلطه‌ای بی چون و چرا قائلند. مثلاً ابن کثیر بر آن است که شوهر، رئیس، بزرگ، حاکم و تنبیه‌کننده زن است، هرگاه بدخوی گردد» (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۵). فخر رازی در تفسیر آیه ۲۱ سوره روم آفرینش زن را برای بهره‌وری مرد می‌داند و فلسفه آفرینش زن را عبادت نمی‌شمارد، بلکه آن را به خدمت‌گذاری مرد توجیه می‌کند (رازی، ۱۴۲۳ق، ج ۱۳، جزء ۲۵).

نقد: این سخن با آیات شریفه «وما خلقت الجن والانس الا ليعبدون» (ذاریات، ۵۶)، و با آیات همسانی مرد و زن، مانند آیه «قد افلح من زکیها...» در تضاد است. قرآن توان خودسازی و خودسوزی زن و مرد را همسان دانسته است؛ هم چنین درباره نقش مؤثر عمل صالح - چه از ناحیه مرد یا زن - در شکل‌گیری زندگی دلیذر و آرمانی، می‌فرماید: «من عمل صالحا من ذکر». پس اسلام در سیرانسان به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست.

برداشت تفریطی: برخی با تأثیرپذیری از نهضت‌های فمینیستی به انکار زبان تشریع در آیه پرداخته، بر این باورند که هدف آیه به تصویر کشیدن روابط زن و مرد در محیط

عصر نزول است. قوامیت مسئولیتی است که هرکدام از زن و مرد که توان لازم را داشته باشند، آن را بر عهده می‌گیرند (سجادی، ۱۳۹۱، ص ۹۰).

نقد و بررسی

این برداشت با سیاق آیه ناسازگار است؛ زیرا اولاً قرآن با صراحت مرد را قوام زن بر می‌شمرد؛ ثانیاً اگر قرآن در این بیان همان واقعیت زمان جاهلیت را باز می‌گوید، پس چرا در مقام نقد و ردع آن بر نمی‌آید؟ ثالثاً از نگاه تکوینی، برتری مرد بر زن در مدیریت انکار ناپذیر است (همو).

زنان وظیفه‌شناس و زنان غیرمتعهد: زنان در برابر وظائفی که در خانواده به عهده دارند، به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول زنان وظیفه‌شناس: «فالسالحات» (نساء ۳۴) این قسمت از آیه همانند قسمت پیشین تعبیری توصیفی دارد، نه دستوری؛ ضمن آنکه با «فاء» به جمله پیشین ارتباط داده شده. پس منظور اصلی این جمله را با توجه به جمله قبل باید دریافت. یعنی اینکه مردان قوامیت دارند، زنان شایسته در برابر این قوامیت فرمانبر و نگهبانان بر غیب‌اند؛ یعنی نه تنها در حضور شوهر، بلکه در غیاب او، چه از نظر مال و چه از نظر ناموس مرتکب خیانت نمی‌شوند؛ بلکه شخصیت شوهر و اسرار خانواده را حفظ می‌کنند. حافظ اسرار بودن زن به توفیق الهی وصیانت اوست: «بما حفظ الله...» «باء» برای سببیت و «ما» مصدریه است؛ یعنی زنان صالح به سبب برخورداری از توفیق الهی به این اوصاف آراسته‌اند. بدیهی است مردان موظفند در برابر این‌گونه زنان نهایت احترام و حق‌شناسی را انجام دهند.

دسته دوم، زنان غیرمتعهد: زنانی هستند که از وظایف خود سرپیچی می‌کنند (مکارم، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۳۷۱؛ و رک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۵۷).

این فراز از آیه لحن توصیفی دارد، نه دستوری. در المیزان چنین تفسیر شده است: زن باید در برابر شوهر در اموری که مربوط به همسری است، خاضع و نگهبان باشد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق.، ج ۴، ص ۳۴۴). بنا بر این تفسیر آیه تنها به تمکین در برابر



خواسته‌های جنسی مرد، فروکاستن آیه از بلندای محتوای آن است. نشوز، کنش نیست؛ بلکه حالتی است که در مقابل حالت قانت و حافظ غیب بودن است. البته فقیهانی که تمکین را در معنای نشوز آورده‌اند، آن را مصداقی از نشوز دانسته‌اند. اگر نشوز به معنای عدم تمکین باشد، چه بسا پند و اندرز اثرگذار؛ اما دوری جستن از او فاقد اثر است. او که تمکین ندارد، از هجر شوهر شادمان است. از این رو طبری برای پاسخ از این شبهه می‌گوید هجر به این معناست که زن را با بند در خانه ببندید تا به راه آید (طبری، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۶۸). اگر نشوز اختصاصی به عدم تمکین نداشته باشد، نیازی به پاسخ طبری نخواهد بود (حکیم باشی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۳).

نشوز و گونه‌های ناسازگاری

مفهوم‌شناسی: نشوز زن ناسازگاری، برتری جوئی، تمکین نکردن. و نشوز مرد: کینه‌توزی، ستم و اخلال در انس و الفت. نشوز در این آیه (نساء، ۲۴) در مقابل قنوت قرارداد. پیدایش این نشوز از رفتار و گفتار تدریجی به دست می‌آید. لذا موضوع بیم آن مطرح شده است (رک: بلاغی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۹۸). شهید مطهری می‌گوید ظاهراً معنای نشوز تخلف امر نیست؛ زیرا در مورد مرد نیز نشوز گفته شده؛ پس مقصود کج‌تابی کردن است (مطهری، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۳۵).

۱. نشوز شوهر (نساء، ۱۲۸) «وان امرأه خافت من بعلها نشوزاً؛ مقصود از اعراض ترک رابطه و سکوت از خیر و شر بدون حذف حقوق (نفقه) یا بدگوئی و خشونت است. عنصر محوری آیه نشوز شوهر به جهت مسائل زناشوئی است. البته ترک موقت به دلیل اشتغال به کارهای مهم مشمول آیه نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، و همو، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۵۷). در این موارد معمولاً موعظه زن بی‌اثر است؛ و زن فاقد قدرت بازدارندگی است؛ بلکه می‌تواند در محاکم قضائی دادخواهی کند. اگر با نصیحت و تهدید اصلاح نشد، مرد را به طلاق وامی‌دارند، و اگر نپذیرفت، حاکم شرع خود، طلاق می‌دهد.

۲. ناسازگاری طرفینی که در آیه بعد با عنوان شقاق مطرح می‌شود. اگر خوف شقاق برای استیفای حق باشد، باید کارشناس خانوادگی و حکمی واجد شرایط قضا از

طرف خانواده شوهر و کارشناس دیگری از طرف خانواده زن تعیین کردند. اما در صورت تحقق شقاق، دیگر این بحث لغو خواهد بود. ظاهر آیه حکیم است، نه توکیل؛ زیرا وکیل باید طبق رضایت و به قدر اختیار موکل کار انجام دهد. از جهت زن و مرد بودن حکمین، آیه اطلاق هیچ قیدی ندارد؛ هم چنین اجتهاد لازم نیست؛ زیرا شقاق از موضوعات است، نه احکام. هم چنین قید «من اهلها.. و اهلها» غالبی است نه احترازی. پس انتخاب از افراد دیگر نیز رواست. صاحب جواهر^۱ در باره حکمین می نویسد: «حکمین باید اخلاص داشته، قصدشان اصلاح باشد؛ که اگر اخلاص داشته باشند «یوفی الله بینهما»، و عدم حصول این توفیق (طبق مقتضای شرط و جزا در آیه) نشان گر عدم اخلاص حکمین است. نمونه آن را در حکمیت عمرو عاص با ابوموسی اشعری در صفین می توان مشاهده کرد» (نجفی، ۱۳۸۰، ج ۳۱، ص ۲۰۰-۲۰۹).

۳. عدم تمکین (کج تابی) از سوی زن (ناشزه): برخی برآنند که نشوز به معنای ارتفاع و ترفع است و نشوز زن یعنی زن در برابر وظائف الهی، خودبرتری جوئی دارد و تمکین نکردن یکی از نمودهای پیدایش نشوز است. و به همین بیان «فان اطعنکم» نیز معنای عامی دارد؛ گرچه به این معنا وظیفه شرعی زن نیست؛ اما آیه در مقام توصیف است؛ یعنی اگر این گونه زنان صالح شدند (الصالحات...) فلا تبغوا...» (حکیم باشی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۰-۳۵۱).

واکنش مرد در برابر نشوز زن: با نمایان شدن نشانه های ناسازگاری (خوف نشوز) مرد می تواند از حق طلاق خود بهره گیرد و زن را طلاق دهد. اما قرآن یک برنامه عاطفی پیشنهاد می دهد. یعنی به ترتیب سه مرحله برنامه اصلاحی (موعظه، قهر و تأدیب) انجام می گردد. ۱. پند و اندرز «فعظوهن»، ۲. «واهجروهن فی المضاجع» - به مطلق هجران امر نشده، بلکه به جدائی در رختخواب - در کیفیت اجرای این دستور دو احتمال مطرح است: الف) مرد در بستر از همسر روبروگرداند، ب) در دو رختخواب جداگانه در یک اتاق یا دو اتاق بخوابند، تا زن متنبه شود. عمده، معنای «فی» است که آیا مراد از فی المضاجع در خصوص بستر است یا در زمینه و موضوع بستر؟ افراط و تفریط در تفسیر





«واهجروهن» بعضی (ر.ک: قرطبی) آن را از هجر= سخن زشت دانسته و برخی (ر.ک: زمخشری) از هجار= طناب. این گونه تفسیرها از رسوبات دوران جاهلیت است. هجر از هجرت= ترک عاقلانه است. و این ترک به اندازه‌ای باشد که یا اثر گذارد یا بی نتیجه بودنش روشن شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۳۰۹). گرچه مراحل سه گانه با «واو» بریکدیگر عطف شده‌اند؛ اما ظهور در آن دارند که بین آنها ترتیب برقرار است. یعنی با چاره ساز بودن هریک، نوبت به دیگری نمی رسد. طبیعی است که امور بازدارنده از ضعیف آغاز و به شدید می انجامند. پس این ترتیب، نه از «واو» بلکه از سیاق برداشت می شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۵). امر به هجر مولوی الزامی نیست و تنها، راه چاره پیشنهادی است. هم چنین ضرب و جوبی ندارد؛ بلکه راه حلی است برای مشکلی بر سر راه خانواده که بنیاد آن را تهدید کرده، خطر فروریزی آن را با طلاق گوشزد می کند (حکیم باشی، ۱۳۹۱، ص ۳۵۸). «فان اطعنکم فلا تبغوا علیهن سبیلا»؛ اگر در آخرین مرحله، اطاعت حاصل شد، به رخ کشیدن گذشته و طعنه زدن برای مرد نارواست. راهی برای آزار زن وجود ندارد (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۳۴۵؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۸، ص ۵۵۷)

مفهوم شناسی فراز «فاضربوهن»

برخی برآنند که ضرب زن به معنای زدن او نیست؛ بلکه به معنای گذشتن از زن است؛ مانند آیه «اذا ضربتم فی الارض» که به معنای گذر و سفر است؛ پس اصل زدن زن امری ناروا و بی اساس است (حیدری، فایل صوتی)

نقد: عنوان ضرب فی الارض با این ترکیب (با آمدن حرف فی) به معنای سفر است. زمخشری می نویسد «الضرب فی الارض هو السفر» (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۵۸). جمال الدین درویش نیز «اذا ضربتم فی الارض» (نساء، ۱۰۱) را به معنای سافرتم می داند (درویش، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۹۸). اما «فاضربوهن» متعدی بنفسه است و در تفسیر آن در تعداد پرشماری (بالغ بر ۸۰ تفسیر ر.ک: نرم افزار جامع التفاسیر والمکتبه

الشامله) از تفاسیر اهل سنت و شیعه تعبیر حدیث نبوی «فاضربوهن ضرباً غیرمبرح» که نشان‌گر نوع زدن است، بازتاب یافته است و در هیچ‌کدام از آنها سخنی از اینکه فاضربوهن به معنای گذر باشد، مطرح نشده است. پس قیاس فاضربوهن به اذا ضربتم فی الارض، قیاس مع الفارق است.

تنبیه بدنی زن

این طرح در عصر حاضر از سوی برخی اسلام‌ستیزان و دگراندیشان، خلاف حقوق بشر و در تضاد با آزادی زنان شناخته شده است. برخی نیز تلاش دارند تا با تکیه بر این فهم از آیه، روش‌های نادرست را در مورد زن جایز شمارند. در مورد گستره نشوز سه دیدگاه مطرح است: ۱. المنار؛ هرگونه عصیان و سرکشی از سوی زن با انگیزه تکبر را نشوز تلقی می‌کند؛ «نقد: نشوز در مورد مرد نیز کاربرد دارد؛ در حالی که گفته نشده نشوز مرد به خاطر پیروی نکردن از خواسته زن است. ۲. اطاعت شوهر تنها در حدود حقوق اوست و نه بیشتر؛ به تعبیر امام خمینی «... و لا یتحقق النشوز بترك طاعته فیما لیست بواجبة علیها...» (موسوی خمینی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۰۵). در بیان آیه الله خوئی (موسوی خوئی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۸۶) (مسئله ۱۳۹۷) شبیه این عبارت آمده است. ۳. فرمان‌بری از شوهر تنها در بهره‌وری جنسی، نه بیشتر: «التمکین الکامل، وهو...» (نجفی، ۱۳۸۰، ج ۳۱، ص ۲۰۰-۲۰۹).

زدن چگونه و چرا؟

همه مفسران و فقیهان اتفاق نظر دارند که زدن باید غیرمبرح باشد (مبرح = زدن که باعث مشقت و سختی باشد)، آسیب جسمی نرساند و از زدن بر صورت و شکم و زدن بر یک موضع خودداری شود. به تعبیر برخی مفسران اهل سنت «ابزار زدن باید سبک باشد؛ زدن با دست سه مرتبه بر کتف زن یا با چوب مسواک و...» (زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۵-۶، ص ۵۶).



فلسفه تجویز «ضرب» در این موضوع بین فقیهان و مفسران یک نقطه مشترک و یک نقطه تمایز وجود دارد. نقطه مشترک: زدن برای انتقام و عقده گشائی نباشد؛ بلکه برای اصلاح و چاره‌سازی باشد. اما نقطه اختلاف: ضرب به چه عنوان در اصلاح زن اثرگذار است؟ دو برداشت در این زمینه وجود دارد: الف: زدن، کیفر بدنی است و با تأثیر در جسم زن باعث ترس و در نتیجه تسلیم او می‌گردد. ب: زدن نوعی کیفر روانی است، نه جسمی. مرد با زدن نهایت تنفر خود را به زن اعلام می‌کند. نصیحت علامت عشق به همسر؛ روی گردانی علامت کاهش عشق و زدن و اعلام پایان عشق. این نوع زدن تنبیه بدنی نیست؛ لذا در جواهر، زدن با چوب مسواک را به عنوان مرحله اول می‌داند. نقد و بررسی: زدن در قرآن، همان زدن بی‌آزار است و در این موضوع آغاز و انجام آن تفاوتی ندارد. زدن با چوب مسواک نیز گویای این نکته است.

شرط تجویز ضرب: آیا این مراحل در صورت نشوز است، یا برخی در صورت خوف از نشوز؟ دیدگاه‌ها:

۱- تمام مراحل را هنگام خوف می‌توان اجرا کرد نجفی، ۱۳۸۰، ج ۳۱، ص ۲۰۲).
نقد: اولاً آنچه مصداق منکر است خود نشوز است نه بیم آن؛ ثانیاً اجماع فقها بر جواز ضرب در صورت نشوز است نه خوف آن (همان، ص ۲۰۳)؛

۲- مرحله اول و دوم در صورت خوف، و مرحله سوم در صورت تحقق. نقد: چه تفاوتی میان مراحل می‌توان قائل شد؟

۳- هر کدام از راه‌کارها برای حالات متفاوت در صورت خوف از نشوز، نصیحت؛ و در صورت نشوز، بدون اصرار هجران؛ و در صورت پافشاری بر نشوز، نوبت به زدن می‌رسد. نقد: این توجیه با ظاهر آیه به هیچ‌وجه هم‌خوانی ندارد.

۴- دو مرحله اول و دوم قابل اجراست؛ اما زدن در عصر حاضر قابلیت اجرا ندارد (نسخ تمهیدی زمینه‌سازی شده است)؛ زیرا با توصیه‌های شارع در مورد زن ناسازگار است. زدن با چوب مسواک در واقع دلالت آیه را خنثی می‌کند. نقد: این نظریه دچار ناسازگاری درونی است؛ زیرا زدن با مسواک، زدن به حساب نمی‌آید. جای این پرسش

هست که آیا زدن خاص (بامسواک) نسخ شده یا زدن متعارف بین مردم؟ اولی که قطعاً نسخ نشده؛ دومی هم که از اصل تشریع نشده است (صدر، ص ۳۲۰).

تحکیم تدریجی خانواده

اسلام به مسئله تحکیم اساس خانواده توجه فراوان دارد و گام به گام، در آداب و دستورات خود، این هدف والا را دنبال می کند. اسلام قبل از هرچیز، توصیه می کند که جو عاطفی و محبت آمیز بر روابط و محیط خانواده حاکم باشد و تا آنجا که ممکن است، زمینه اختلاف در خانواده به وجود نیاید؛ چرا که محیط خانواده، محیط اختلاف و کشمکش نیست. در مرحله دوم، اگر اختلافی پیش آمد، آنان را به مشورت و مصلحت اندیشی فرا می خواند، تا خود، مشکل خانواده را برطرف کنند و نگذارند اختلاف آنان به بیرون از محیط خانواده کشیده شود. در مرحله سوم، اگر به توافق نرسیدند و خودشان قادر به حل این اختلاف نبودند، به این علت که یکی از آن دو، یا واقعاً و یا به گمان دیگری، به حق خود قانع نیست و لجبازی و تکروی می کند، در این صورت به طرف مقابل توصیه می کند که از خود انعطاف نشان دهد و از حق خودش بگذرد، تا اصل خانواده باقی بماند. و در مرحله چهارم، اگر به توافق نرسیدند، با حکمیت و وساطت دیگران به اختلاف خاتمه دهند؛ که هدف از همه این دستورات، تلاش برای پایدار ماندن خانواده است (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۸۵).

طلاق یا گسست بنیان خانواده

فلسفه تشریع طلاق در این است که بی شک یک نظام حقوقی کامل مانند اسلام نمی تواند بن بست های جدی یک زندگی را نادیده بگیرد. به هر حال در میان صدها ازدواج، ممکن است یک ازدواج نتواند ادامه یابد. آیا به آن زن و مرد باید گفت که ناگزیرند زندگی را ادامه دهند؟ یا باید راهی منطقی برای آنها جستجو کرد؟ مکانیسم طبیعی ازدواج بر این است که زن در منظومه خانوادگی محبوب باشد. اگر به عللی زن از



این مقام خود سقوط کند، پایه‌ی اساسی خانوادگی خراب شده است. اسلام چنین پیوندی را مرده می‌داند. و اینکه زن و شوهر بدانند چیزی جز مرگ آنان را از هم جدا نمی‌کند، همان است که کلیسای کاتولیک قرن‌ها طرفدار آن است؛ اما در عصر حاضر به جز در ایتالیا و اسپانیای کاتولیک در هیچ‌جا بدان عمل نمی‌شود (مطهری، ۱۳۸۳، ص ۲۸۷). به بیانی دیگر، «در آخرین مرحله، اگر کار به جایی برسد که سازش میان همسران به هیچ‌وجه میسر نباشد، خداوند راه طلاق، یعنی جدا شدن زوجین را به عنوان آخرین راه حل باز گذارده است. از نظر شرع، طلاق راهی مبعوض و مرجوح است، که جز در موارد ضرورت نباید به سراغ آن رفت. پس نباید بازیچه دست افراد هوس باز، تنوع طلب و بیگانه از عواطف انسانی باشد، و یا به وسیله‌ای برای متزلزل ساختن بنیان خانواده تبدیل شود. زن و شوهر باید مراقب رفتار خود باشند، تا هیچ‌گاه از احکام الهی سوء استفاده نکنند و حقوق یکدیگر را پایمال نسازند.

طلاق در قرآن

مسئله طلاق در بسیاری از آیات قرآن کریم مطرح شده و از موضوعاتی است که احکام حقوقی و احکام اخلاقی آن، در بالاترین حد درهم آمیخته شده و در کنار تبیین احکام حقوقی، بر رعایت آداب و دستورات اخلاقی آن، تأکید فراوان گردیده است. از آنجاکه ظرفیت این نوشته، محدود است، از بررسی تفصیلی آیات طلاق، صرف نظر کرده و تنها به ذکر شماره آیات می‌پردازیم: (طلاق، ۱ و ۲ و ۶ و ۷؛ احزاب، ۴۹؛ بقره، ۲۳۱). در ارتباط با روابط خانوادگی و زناشویی که محور عواطف مثبت و منفی است، قرآن بر توجه به مسائل اخلاقی و رعایت اصول انسانی، با تعبیر گوناگون و با استفاده از روش‌های مختلف موعظه و تهدید و غیره، تأکید فراوان دارد (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۸۶).



نتیجه‌گیری

از نگاه قرآن، نهاد خانواده دارای جایگاه رفیعی است؛ قرآن آغاز پیدایش بشریت و گسترش آن در گستره گیتی را خانواده می‌داند و برای پاسداری از کین این نهاد، رهنمودهائی ارائه کرده است. نگاه ارزشی به پدیده ازدواج و بیان عوامل پایداری خانواده و نقش مرد و زن در این راستا، و پذیرش گونه‌های مختلف ازدواج و قبول طلاق به عنوان آخرین راه درمان ناسازگاری همسران، از نتایجی است که می‌توان با نگاه به آیات قرآن بدان نائل شد.



منابع

۱. ابن عاشور، محمد، التحرير والتنوير، تونس، الدار التونسية للنشر، ۱۹۴۸م.
۲. ابن كثير، اسماعيل بن عمر، تفسير القرآن العظيم، بيروت، دارالاندلس، بی تا.
۳. ابن اثیر مجدالدين، النهايه، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۳ق.
۴. انواری، جعفر، انگار، تحریف قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰ش.
۵. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظيم، بيروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
۶. بلاغی، محمدجواد، آلاء الرحمن، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۲۰ق.
۷. جمعی از نویسندگان، زن و خانواده در افق وحی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۱ش.
۸. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، ج ۱۴، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ش.
۹. -----، ج ۱۸، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۸ش.
۱۰. -----، ج ۲۱، قم، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ش.
۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۱۲. خطیب، عبد الکریم، التفسیر القرآنی، قاهره، دارالفکر العربی، بی تا.
۱۳. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، قم، جامعه المدرسین بقم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۱۴. خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، قم، نشر مدینه العلم، ۱۴۱۰ق.
۱۵. درویش، جمال الدین، اعراب القرآن و بیانہ، دمشق، الیمامه: دار ابن کثیر؛ حمص، دارالارشاد للشئون الجامعیه، ۱۴۱۵ق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، قم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ق.
۱۷. راوندی، قطب الدین، فقه القرآن، قم، مطبعه الولایه، ۱۴۰۵ق.

۱۸. رضا، محمدرشید، تفسیر القرآن الحکیم (الشهیر بتفسیر المنار)، مصر، دارالمنار، ۱۳۷۳ق.
۱۹. زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۸ق.
۲۰. زمخشری محمود بن عمر، الکشاف، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۷ق.
۲۱. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
۲۲. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، العروه الوثقی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۰ش.
۲۳. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۰ق.
۲۴. طنطاوی بن جوهر، التفسیر الوسیط، قاهره، دارالنهضة مصر للطباعة، ۱۹۹۷م.
۲۵. فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۳ق.
۲۶. کیا هراسی، علی بن محمد، احکام القرآن، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۵ق.
۲۷. متقی، علی بن حسام الدین الهندی، کنز العمال فی سنن و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۹ق.
۲۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
۲۹. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام، تهران، انتشارات استقلال چ ۲، ۱۴۰۹ق.
۳۰. مصباح، محمد تقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۶ش.
۳۱. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۳۸۵ش.
۳۲. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا، ۱۳۸۳ش.
۳۳. -----، یادداشت های استاد مطهری، تهران، صدرا، ۱۳۷۹ش.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ش.
۳۵. نجفی، حسن، جواهر الکلام، نجف، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ق.

نقش والدین در تربیت جنسی فرزندان

محمدصادق فاضل^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۵

چکیده

در دنیای امروز انحراف های اخلاقی زیادی نوجوانان را تهدید می کند. در این میان، یکی از مهم ترین انحرافات، انحراف جنسی است. در میان عوامل مختلف والدین نقش بسزایی در تربیت جنسی فرزندان دارند. از آنجا که یکی از دغدغه های مهم والدین تربیت صحی جنسی فرزندانشان است. این مقاله نقش مهم و اساسی والدین در تربیت جنسی نوجوانان را، چه در دوران قبل از بلوغ و چه در دوران بعد از بلوغ نشان می دهد. برای تربیت صحیح جنسی، والدین باید قبل از دوران بلوغ موارد زیر را رعایت کنند: خودداری از انجام عمل جنسی در برابر فرزندان، خودداری از لخت شدن در برابر کودکان یا لخت کردن آنها، خودداری از دست زدن به عورت کودک، خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم در پس از سن معین، جداسازی بستر کودکان، جلوگیری از بازی های جنسی و بازی نکردن کودک با آلت جنسی خودش. و همچنین والدین برای تربیت صحیح جنسی فرزندانشان بعد از دوران بلوغ باید موارد زیر را رعایت کنند: آگاهی دادن نسبت به تغییرات جسمی بلوغ، آشناسازی نسبت به طبیعی بودن تحولات دوران جوانی، تعدیل روانی، پرورش هویت جنسی نوجوانان و توجه به نیاز جنسی و جهت دهی مطلوب به آنها.

کلیدواژه ها: تربیت، تربیت کودک، تربیت جنسی، انحراف جنسی، بلوغ

۱. استاد سطح عالی حوزه علمیه، قم، m_sfazel@yahoo.com



مقدمه

برای تربیت صحیح نوجوانان و جوانان عوامل بسیاری دخیل هستند. مهم‌ترین این عوامل پدر و مادر هر نوجوان و جوانی است. والدین می‌توانند با تربیت صحیح فرزندان‌شان زمینه رشد و شکوفایی آنان را در آینده فراهم کنند. یکی از موارد تربیتی که باید مورد توجه قرار گیرد که والدین نقش پُررنگی در آن دارند تربیت جنسی فرزندان است و از آنجا که در جامعه امروز با وجود ابزارهای ارتباط جمعی همچون ماهواره و فضاهای مجازی و سایر از این موارد احتمال بروز ناهنجاری‌های فراوانی برای فرزندان وجود دارد؛ لذا ما در این مقاله برآنیم که نقش مهم والدین در جهت‌دهی و تربیت صحیح فرزندان‌شان در مورد مسائل جنسی را مورد بررسی قرار دهیم.

با توجه به اینکه یکی از دغدغه‌های مهم پدر و مادرها در تربیت فرزندان‌شان، آموزش و تربیت صحیح جنسی آنان است و نظریه اینکه در جامعه امروز با وجود وسایل ارتباط جمعی مثل ماهواره و فضاهای مجازی و سایر از این موارد آمارها بیانگر این مطلب است که اغلب نوجوانان دچار بلوغ زودرس می‌شوند و از آنجا که والدین می‌توانند با اطلاعات صحیح و آموزش مناسب نقش مهمی در تربیت جنسی فرزندان‌شان داشته باشند تبیین نقش والدین در تربیت جنسی فرزند ضروری می‌نماید.

براین اساس، مقاله حاضر، به روش توصیفی برای تبیین نقش والدین در تربیت جنسی فرزندان، مقاله را به دو بخش تقسیم می‌کند، در نقش والدین در تربیت جنسی فرزند در دوران قبل از بلوغ را مطرح می‌کند و سپس به همین مسئله در بعد از بلوغ می‌پردازد.

۱. نقش والدین در تربیت جنسی فرزند قبل از دوران بلوغ

منظور از هویت جنسی، پذیرش ویژگی‌های زیستی، شناختی، عاطفی و اجتماعی هر یک از دختر و پسر است که به صورت متفاوت در دو بخش جنس پدیدار می‌گردد از آنجا که عوامل زیستی، روانی، شناختی، عاطفی و اجتماعی، حتی نگرش‌های والدین، گرایش‌های فرهنگی آن‌ها و نوع تربیت و برخورد آن‌ها با پسر و دختر در شکل‌دهی هویت

فرزند مؤثر است لازم است که:

الف) بینش و عملکرد والدین از این امر حکایت کند که هیچ جنسیتی برد دیگری برتری ندارد و هر دوی آن‌ها ارزشمندند و هریک برای تکامل و پیشرفت به دیگری نیازمند است.

ب) نقش جنسیتی هریک از فرزندان دختر و پسر خود را به آن‌ها آموزش دهند تا هویت جنسی‌شان تقویت گردد.

ج) از هرگونه تبعیض نسبت به فرزند دختر یا پسر باید خودداری شود (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵-۱۰۷).

به طور خلاصه می‌توان گفت که نقش‌دهی جنسی به کودکان باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱. اعتدال در محبت به فرزندان، پرهیز از محبت بیش از اندازه به کودک؛
۲. پرهیز از تبعیض و تفاوت رفتاری نسبت به دختر و پسر در خانواده؛
۳. هماهنگی پوشش کودک با جنسیت او؛
۴. ایجاد تنوع و جهت‌دهی به بازی کودکان بر اساس جنسیت آنان؛
۵. پرهیز از تحمیل ویژگی‌ها و رفتارهای یک جنس بر جنس دیگر؛
۶. توجه به رفتارها، نگرش‌ها و موضع‌گیری‌های کودکان و ایجاد نگرش صحیح نسبت به جنس خود و جنس مخالف از دوران خردسالی؛
۷. واگذاری مسئولیت‌های متناسب با جنسیت کودکان، در خانه و بیرون از خانه؛
۸. اظهار رضایت هر کدام از والدین نسبت به هم جنس خود در برابر فرزندان؛
۹. بیان طبیعی بودن تفاوت‌های دو جنس (از نظر روانی، عاطفی، جسمی، فیزیولوژی و ...) و لزوم وجود این تفاوت برای ادامه حیات و در نتیجه ضرورت احترام گذاشتن به این تفاوت‌ها (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۱).

برخلاف این تصور که کودک تا زمان بلوغ از میل جنسی بی‌بهره است و هر رفتاری که در برابر او داشته باشند تأثیری در او نخواهد گذاشت، غریزه جنسی از ابتدای تولد در وجود انسان وجود دارد. البته این غریزه در ابتدای کار هدف و مقصد خاصی ندارد. این





مسئله مورد تأیید اسلام است و روایاتی که در این زمینه وارد شده است مؤید این مطلب است که کودکان هم میل جنسی دارند، لذا باید از تحریک کردن آن‌ها خودداری کرد (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۲). لذا در این جا به مواردی که موجب تحریک جنسی کودکان می‌شود اشاره می‌کنیم:

الف) خودداری از انجام عمل جنسی در برابر فرزندان

در این زمینه احادیثی موجود است که ما به بررسی تعدادی از این احادیث می‌پردازیم. ابتدا حدیثی از نبی مکرم اسلام ﷺ: «و الذی نفسی بیده لو أن رجلاً یغشی امرأته و فی البیت صبئی مستیقظ یراهما و یسمع کلامهما و نفسهما ما افلح ابداً اذا کان غلاماً کان زانیاً او جاریه کانت زانیه» (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۵۰۰). قسم به آن که جانم در دست اوست اگر مردی با همسرش هم آغوش شود و در خانه، کودکی بیدار باشد و آن‌ها را ببیند و صدا و نفس آنان را بشنود، هیچ‌گاه رستگار نمی‌شود، اگر پسر باشد یا دختر، زناکار می‌شود. همچنین امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «لایجامع الرجل امرأته و لاجاریته و فی البیت صبئی فانّ ذلک ممّا یورث الزنا» (همان، ص ۴۹۹ و ۵۰۰). در برابر دیدگان کودکان، با زنان خود نزدیکی نکنید که این کار موجب زناکاری می‌شود.

در این روایات هم‌بستری مرد با همسرش در حالی که کودکی در اتاق هست، به عنوان یکی از عواملی است که ممکن است در کودک، انحراف جنسی ایجاد کند، مطرح شده است دلیل این امر آن است که کنجکاوی کودک، با مشاهده این رفتار والدین تحریک می‌شود، سپس سعی می‌کند با دوستش هم همین رفتار را تقلید کند (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۳).

کوچتکف هم در کتاب خود در این زمینه می‌گوید: مشاهده بوسه و در آغوش کشیدن والدین از سوی کودک ابتدا سبب جلب توجه وی می‌شود و سپس به عکس العمل، تمایل پیدا می‌کند و بعد خودش می‌خواهد شخصاً در این باره چیزی بداند، فقدان حیا در پدر و مادر و انجام دادن رفتارهای معمولی جنسی (مانند بوسیدن، در آغوش گرفتن و ... در برابر دیدگان کودک)، سبب تمایل جنسی پیش از وقت در کودک

شده، مزاحم غالب بر او می‌شود. وقتی که پدر و مادر با کودک در یک رختخواب می‌خوابند، نتیجه‌اش بلوغ پیش‌رس و تمایل جنسی فوق‌العاده زیاد است که تغییرات تکامل روحی بدان مربوط می‌شود (میخائیلونا لاپیک، ۱۳۸۱ ش).

امام رضا علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «وكان عليّ من الحسين عليه السلام اذا اراد أن يغشي أهله أغلق الباب وارفى السور و أخرج الخدم» (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۵، ص ۵۰۰). علی بن حسین علیه السلام هرگاه می‌خواست با همسرش هم‌بستر شود، درها را می‌بست، پرده‌ها را می‌انداخت و خدمتکاران را بیرون می‌کرد.

ب) خودداری از لخت شدن در برابر کودکان، یا لخت کردن آن‌ها

لخت شدن در برابر کودکان، از دو جهت تأثیر نامطلوبی بر آن‌ها دارد، از یک طرف حیای آنان را از بین می‌برد و از طرف دیگر باعث تحریک جنسی کودکان می‌شود، این مسئله در مورد لخت کردن کودکان و دیدن عورت آن‌ها نیز مطرح است (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷). امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرمایند: «بئس البيت الحمام يهتك السترو يبدى العوره و نعم البيت الحمام يُذَكَّر حرّ النار و من الادب أن لا يدخل الرجل واده معه الحمام فينظر الى عورته» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۱۵). بدترین جای خانه حمام است، چرا که باعث پرده‌دری و آشکار شدن عورت است، و از طرف دیگر، حمام جای خوبی است چرا که آتش جهنم را به یاد انسان می‌آورد و ادب حکم می‌کند که مرد پسرش را با خود به حمام نبرد تا چشم فرزندش به عورت پدر نیفتد. در این حدیث امام صادق علیه السلام یک روش دیگری برای پیشگیری از تحریک کودکان را بیان می‌کند که آن خودداری از بردن فرزندان با خود به حمام و لخت شدن در برابر آن‌هاست (فقیهی، ۱۳۹۱، قم، ص ۱۱۸).

ج) خودداری از دست زدن به عورت کودک

از جمله روش‌های پیشگیری از انحراف جنسی کودکان، خودداری از دست زدن به عورت آن‌هاست. امام علی علیه السلام با اشاره به اینکه تحریک‌پذیری جنسی بچه از شش





سالگی به بعد بیشتر است و دستمالی کردن عورت کودک، زمینه‌ی انحراف جنسی را فراهم می‌سازد، می‌فرمایند (همان، ص ۱۱۸): «مباشرة المراه ابنتها اذا بلغت ست السنين شعبه من الزنا» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۳۶)؛ دستمالی کردن زن به آلت دخترش هنگامی که به شش سالگی برسد، نوعی زناست. منظور از شعبه‌ای از زنا در روایاتی از این دست عام است و شامل انواع انحرافات جنسی مانند: استمناء، هم‌جنس بازی و زنا می‌شود. یعنی چنانچه مادر، عورت دخترش را دستمالی کند احتمال رو آوردن آن دختر در نوجوانی، یا جوانی به استمناء و روابط نامشروع وجود دارد؛ لذا این عمل در کودکی زمینه انحراف او را در بزرگسالی فراهم می‌کند به همین دلیل امام علیه السلام شدت قبح این عمل را مانند زنا معرفی کرده است (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹).

د) خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم پس از سن معین

علی‌رغم اینکه در اسلام به محبت کردن، نوازش کردن و بوسیدن بچه‌ها سفارش شده، اما این رفتار، پس از سن معین از سوی افراد نامحرم منع می‌شود. با اینکه در هیچ روایتی ندیده‌ایم که دختر بچه‌ها پیش از سن بلوغ به حجاب و پوشش مخصوص وادار شده باشند یا روایتی که حضور دختر بچه‌ها را در برابر مردان یا پسران منع کرده باشد، اما روابطی مثل بوسیدن و در آغوش گرفتن آن‌ها از سوی نامحرم منع شده است (همان، ص ۱۲۰). امیرالمؤمنین می‌فرماید: «اذا أتت علی الجاریه ستُّ سنین لم یجزأن یقبلها رجل لیس [هی] بمحرم [له]، و لا یضمها إلیه» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۳۱)؛ هنگامی که دختر به شش سالگی رسید جایز نیست که او را مرد نامحرم ببوسد و یا او را فشار دهد. و در روایت دیگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «اذا بَلَغَت الجاریه ستُّ فلا یَبْلُغُها الغلام و الغلام لا یُقْبَلُها و المراه اذا جاز سبع سنین» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۳، ص ۴۳۷)؛ وقتی دختر بچه‌ای به شش سالگی رسید جایز نیست که پسر بچه او را ببوسد و هنگامی که پسر از سن هفت سالگی گذشت جایز نیست که زن (نامحرم) او را ببوسد.

با توجه به زودتر بودن سن بلوغ جنسی دختران، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سن دختران را یک سال پیش از پسران ذکر کرده است زیرا دختران پیش از پسران به این مسائل آگاه

می‌شوند شاید هم خاطره‌ی این عمل بیشتر در ذهن آن‌ها باقی بماند از طرف دیگر پیامبر با چنین دستورهایی راه را برای سوء استفاده افراد دارای بیماری جنسی می‌بندد که به بهانه‌ی بوسه برب برای غیر کودک خردسال غالباً باعث تحریک جنسی می‌شود (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱). امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «لیس القبلة علی الفم الا للزوجه و الولد الصغیر» (کلینی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۸۶). بوسه برب، جز برب همسر و فرزند خردسال جایز نیست.

بنابراین والدین و همه بزرگسالان محرم و نامحرم باید در ابراز محبت خود نسبت به کودکان هشیار باشند و به هیچ طریقی آن‌ها را تحریک نکنند.

ه) جداسازی بستر کودکان

یکی دیگر از وظایف مهم پدر و مادر در تربیت جنسی کودکان جداسازی بستر آن‌ها است و این جدا سازی بستر مربوط به دو مسئله می‌شود یکی جداسازی کودکان از پدر و مادر و جداسازی بستر کودکان با همدیگر است. در این زمینه به چند روایت اشاره می‌کنیم: امام علی علیه السلام: «انه یفرق بین الصبیان فی المضاجع لسنین» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳ ج ۳، ص ۴۳۶)؛ رختخواب بچه‌ها شش ساله باید از هم جدا باشد. از آنجا که با هم خوابیدن ممکن است باعث تماس بدنی آن‌ها با یکدیگر و شاید تحریک حس کنجکاوی آن‌ها شود لذا طبق اصل لزوم علاج واقعه قبل از وقوع، پیش از آگاه شدن کودکان به لذت‌های جنسی باید رختخواب آن‌ها جدا گردد (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳).

و) جلوگیری از بازی‌های جنسی

کودکان به دلیل کنجکاوی برای شناخت دنیای اطراف خود، به جستجو در هر چیزی می‌پردازند. از جمله می‌خواهند بدن را کشف کنند. در این جستجوها است که با اندام تناسلی خود آشنا می‌شوند و سپس کنجکاوانه می‌خواهند بدانند که آیا دیگر کودکان نیز همینگونه هستند یا خیر؟ لذا به بازی‌هایی نظیر: دکتر بازی و مامان بازی



روی می‌آورند که در این بازی‌ها سعی می‌کنند از چگونگی اندام‌های یکدیگر آگاه شوند. این مسئله در کودکانی که شاهد روابط جنسی والدین بوده‌اند و یا اندام تناسلی آنان را دیده‌اند بیشتر و حساس‌تر می‌شود زیرا در این گونه موارد، کودک دوست دارد به تقلید از بزرگسالان بپردازد و رفتارهای آنان را انجام دهد (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۴).

ز) ممانعت از بازی کردن کودک با آلت تناسلی

اگرچه کودکان، قادر به استمناء نیستند ولی بازی کردن با آلت تناسلی، به منظور کسب لذت، از آن‌ها صادر می‌شود و گاه در موارد بسیار شدید ممکن است که مایعی شبیه منی از آلت آن‌ها خارج شود اما این مسئله نادر است و عمدتاً به صورت بازی کردن گاه و گاهی با آلت تناسلی است این اتفاق ممکن است که نخستین بار، فقط به قصد کشف اعضای بدن باشد، اما با تکرار آن، کودک متوجه می‌شود که از این عمل، احساس لذت می‌کند لذا آن را تکرار می‌کند. والدین نباید چنین برداشت کنند که بازی کودک با آلت تناسلی‌اش امری طبیعی است و در این زمینه اقدامی نکنند. بلکه باید احساس وظیفه کنند و با توجه با آثار نامطلوب آن، درصدد پیشگیری از تکرار آن برآیند (همان، ص ۱۲۵ و ۱۲۶).

نقش والدین در تربیت جنسی فرزندان بعد از دوران بلوغ

پس از بررسی نقش والدین در تربیت جنسی فرزندان در قبل از بلوغ، در این بخش از مقاله، راه کارهای که والدین باید فرزندان خود، در پس از بلوغ انجام دهند، تحت عنوان نقش والدین در تربیت جنسی فرزندان در بعد از بلوغ را مطرح می‌کند.

الف. آگاهی دادن نسبت به تغییرات جسمی بلوغ

انسان در آغاز نوجوانی دارای رشد و جهش خاصی است و با تغییرات جسمی، هورمونی و ظهور ویژگی‌های جنسی ثانویه، همراه است. این تغییرات طی یک دوره تقریباً دو ساله رخ می‌دهد و با بلوغ جنسی به اوج خود می‌رسد (child development, ۱۹۹۵. P. ۱۶۱). (bukatkoand and dae hler

در خصوص تربیت جنسی نوجوانان، والدین دو وظیفه‌ی کلی و اساسی دارند. یکی اینکه او را با حقایق صحیح جنسی بیولوژیک آشنا کنند تا او بداند دستگاه‌های جنسی چگونه کار می‌کنند و تأمین بهداشت آن‌ها چگونه امکان‌پذیر است. دیگر اینکه یاد بدهند، نوجوان چگونه میل جنسی خود را با توجه با ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه خود ارضا کند و در نتیجه از انحراف و پیدایش اضطراب و عوارض روانی دیگر، در امان باشد. در این زمان وظایف والدین نسبت به گذشته، پیچیده‌تر و سنگین‌تر می‌شوند زیرا در گذشته کودکان به محض پیدا شدن نشانه‌های رشد و بزرگ شدن جنه و احساس توانمندی بیشتر وارد مرحله کار و فعالیت اجتماعی می‌شدند. دخترها هم در سنین بسیار پایین (گاهی در یازده سالگی و یا پایین‌تر) ازدواج می‌کردند و در سیزده و چهارده سالگی دارای فرزند می‌شدند و بیشتر پسرها چه بسا پیش از بیست سالگی ازدواج می‌کردند باید توجه داشت که بچه‌های دیروز (یا امروز) به مرحله‌ی دیگری از زندگی رسیده‌اند و برخورد با آنان با گذشته باید متفاوت باشد چه بسا والدینی که تصور می‌کنند فرزندان آنان هنوز کودک‌اند و از این روال مشاهده تغییرات فرزندانشان دچار حیرت و تعجب و گاهی هم گرفتار خشم و عصبانیت می‌شوند. گویا غافلگیر شده‌اند و انتظار چنین تغییراتی را ندارند، به ویژه اینکه تغییرات بلوغ، خیلی سریع و پیش از آن که والدین آمادگی لازم را برای برخورد صحیح با آن‌ها پیدا کنند، رخ می‌دهد لذا والدین باید پیش از آنکه کودکان آن‌ها وارد این مرحله جدید بشوند، نسبت به ویژگی‌های آنان اطلاعات لازم و کافی پیدا کنند تا بتوانند فرزندانشان را به شیوه‌ای صحیح تربیت کنند (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۱ و ۱۳۲).

ب. آشناسازی نسبت به طبیعی بودن تحولات نوجوانی

همواره اولین تغییرات در زندگی انسان، با نوعی ترس از ناشناخته‌ها و ابهام و سرگشتگی همراه است. اولین روزی که قاعدگی در دختری آغاز می‌شود و اولین دفعه‌ای که پسر محتلم می‌شود، برای دختر و پسر، با ترس و اضطراب همراه است. این ترس و اضطراب وقتی بیشتر می‌شود که هیچ آمادگی قبلی‌ای در مورد آن نداشته باشند و از



طبیعی بودن آن، بی‌اطلاع باشند. و برعکس آن نیز صادق است؛ یعنی این اضطراب و ترس وقتی به حداقل خود می‌رسد که کودک و نوجوان را از پیش برای این تغییرات آماده کرده باشند.

بنابراین مادران موظف‌اند که پیش از اولین قاعدگی، در جوّی دوستانه برای او توضیح دهند که یکی از نشانه‌های طبیعی رشد یک دختر، شروع قاعدگی است که او را برای مرحله مهم‌تری از زندگی (یعنی مادر شدن) آماده می‌کند سپس از راه ایجاد غرور نسبت به مادر شدن و برانگیختن حس مادر (که از کودکی درون دختر بچه‌ها وجود دارد) او را بیش از پیش به طبیعی بودن و اهمیت این تحول بزرگ در زندگی دختران آگاه کنند. همچنین پدران باید با پسران خود در مورد احتلام و آماده شدن آن‌ها برای بارورسازی، پدر شدن و تحمل مسئولیت و خانواده آماده کنند و برای آن‌ها توضیح دهند که این، امری طبیعی است که دلیلی برای شرمندگی از آن وجود ندارد (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲ و ۱۳۳).

ج. تعدیل حالت‌های روانی

تغییراتی که در سیستم عصبی و هورمونی نوجوان ایجاد می‌شود و رشدی که در قوای شناختی او رخ می‌دهد باعث ایجاد تغییراتی در خلق و خو و تمایلات نوجوانان است. این تغییرات، گاهی خانواده را به وحشت می‌اندازد و باعث می‌شود که با نوجوان خود رفتاری نامناسب داشته باشند و با دست خود، عامل گریز او را از خانه و خانواده فراهم سازند. از نقطه نظر روانی یکی از بارزترین ویژگی‌های نوجوانان استقلال طلبی آن‌هاست. نوجوانان، گاهی برای اثبات کردن استقلال طلبی خود، به لجاجت با خانواده می‌پردازند. اگرچه این رفتارهای ضد و نقیض در دوران بلوغ تقریباً طبیعی است اما شخصیتی در حال شکل گرفتن است و این شکل‌گیری به گذشت زمان نیاز دارد. ولی با راهنمایی درست عاطفی می‌توان به تعدیل این حالت‌ها پرداخت و زمینه‌ی تسهیل سیر طبیعی مطلوب را فراهم ساخت (همان، ص ۱۳۴-۱۳۵).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی در مورد نوجوانی می‌فرماید: «الشَّبَابُ شَعْبَةٌ مِنَ الْجَنُونِ»

(شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ج ۴، ص ۳۷۷). مرحله آغازین جوانی (نوجوانی) شاخه‌ای از جنون است.

در تعدیل حالت‌های روانی دختران، والدین باید مواظب باشند که دختر چطور لباس می‌پوشد، چگونه صحبت می‌کند، چطور می‌نشیند و چگونه با دوستانش رفت و آمد دارد. آیا خیلی ساده، رابطه دوستی برقرار می‌کند و سپس دوستی خود را قطع می‌کند و یا خیلی بادقت و احتیاط رفتار می‌کند به طوری که درس و مشق را فراموش می‌کند و خود را می‌آراید به امید اینکه با کسی ملاقات کند، والدین، با کمک به نوجوان خود در برنامه‌ریزی صحیح و راهنمایی به سوی رفتارهای متعادل او را از رفتارها و موضع‌گیری‌های افراطی و تفریطی باز دارد (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۶).

د. پرورش هویت جنسی نوجوان

از نیازهای مهم دوران نوجوانی، پرورش هویت است. او می‌خواهد با ماهیت انسانی و جنس خود آشنا شود، به دنبال یافتن پاسخ این سؤال است که: من کیستم؟ و به کجا می‌روم؟ او می‌خواهد ارزش‌ها و معیارهایش را بداند و آن‌ها را پایه‌ریزی کند. آموزش و تربیت در نوجوانی می‌تواند هویت جنسی مطلوب را در نوجوان پدید آورد و از اختلاف در رفتارهای نابه‌هنجار در آنان پیشگیری نماید از جمله راه‌های تسهیل در هویت‌یابی جنسیتی، این است که دختر و پسر نوجوان از تشبیه خود به جنس مخالف خودداری کنند و به هیچ وجه، به خود اجازه ندهند که چنین رفتارهایی را داشته باشند؛ چون از نظر اسلام این عمل حرام شمرده می‌شود و مبادرت به این نوع عملکردها، محرومیت دختر و پسر از رحمت‌های طبیعی خداوند را به دنبال دارد (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷-۱۳۸). در این زمینه امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِهِينَ مِنَ الرِّجَالِ بِالنِّسَاءِ وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِهَاتِ مِنَ النِّسَاءِ بِالرِّجَالِ» (شیخ صدوق، ۱۳۶۳، ص ۵۸۷). خداوند لعنت کند مردانی را که خود را شبیه زنان می‌کنند و زنانی که خود را شبیه مردان می‌سازند.

روش دیگر برای تسهیل هویت‌یابی جنسیتی در نوجوانان همانند سازی آن‌ها با والد هم جنس است. اگرچه همانند سازی، پیش از سنبل بلوغ و تقریباً از سه سالگی انجام





می‌شود اما به علت دگرگونی‌های دوران بلوغ به این همانند سازی در این دوره، کمی مختل می‌شود و دوباره به شکل دیگری انجام می‌گیرد؛ لذا والدین هم جنس نوجوان در این دوره نقش مهمی دارند (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹).

ه. توجه به نیاز جنسی و جهت‌دهی مطلوب به آن‌ها

انسان تقریباً با مجموعه‌ی ثابتی از نیازها متولد می‌شود و در طول زندگی، با او خواهند بود. بنابراین نیازهای کودکان، نوجوانان و بزرگسالان، تقریباً برابر است؛ تفاوت اصلی، در شدت و ضعف ظهور این نیازهاست. نیاز جنسی در نوجوانی فکر نوجوانان را زیاد به خود مشغول می‌سازد زیرا آن‌ها احساس نیاز، به همراه توانایی برای عمل جنسی را دارا شده‌اند و تحریکات فراوانی، انگیزه و خواسته‌های جنسی را در آنان تشدید می‌کند. این نیاز چه بسا بحرانی را برای آنان پدید می‌آورد که زمینه‌ی مهم‌ترین نگرانی‌های والدین را فراهم می‌سازد. از این رو لازم است که با آن، برخورد صحیح صورت گیرد (فقیهی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۰ و ۱۴۱)؛ در پایان به طور مجمل عواملی را که منجر به توجه به نیاز جنسی و جهت‌دهی مطلوب به آن می‌شود را به طور خلاصه بیان می‌کنم:

پذیرش تمایل جنسی در نوجوانان؛ تبیین هدف‌های تمایل جنسی؛ توجه به پیامدهای نامطلوب بی‌بند و باری جنسی؛ سوق دادن انرژی جنسی، به امور معنوی و مطلوب؛ تشویق به ادامه تحصیل و علم‌آموزی؛ آموزش شیوه‌های کنترل تحریکات جنسی (همان، ص ۱۴۱-۱۵۱).

نتیجه‌گیری

در دنیای پرتلاطم امروز که تهاجم فرهنگی بسیار شدید است، مهم‌ترین گروهی تحت تأثیر این عوامل واقع می‌شوند کودکان و نوجوانان می‌باشند و در میان عوامل مختلف، والدین نقش مهمی در تربیت فرزندان‌شان خواهند داشت. از جمله تربیت جنسی که اهمیت بسیاری در رشد جسمی و جنسی فرزندان دارد.

برای تربیت صحیح جنسی والدین باید قبل از دوران بلوغ موارد زیر را رعایت کنند:

خودداری از انجام عمل جنسی در برابر فرزندان، خودداری از لخت شدن در برابر کودکان یا لخت کردن آنها، خودداری از دست زدن به عورت کودک، خودداری از بوسیدن و در آغوش گرفتن کودکان نامحرم در پس از سن معین، جداسازی بستر کودکان، جلوگیری از بازی های جنسی و بازی نکردن کودک با آلت جنسی خودش.

همچنین والدین برای تربیت صحیح جنسی فرزندان شان بعد از دوران بلوغ باید موارد زیر را رعایت کنند: آگاهی دادن نسبت به تغییرات جسمی بلوغ، آشناسازی نسبت به طبیعی بودن تحولات دوران جوانی، تعدیل روانی، پرورش هویت جنسی نوجوانان و توجه به نیاز جنسی و جهت دهی مطلوب به آنها.

با اتمام به آنچه در این مقاله بیان شد، به این نتیجه می رسیم که والدین می توانند با آموزش صحیح به فرزندان شان آنان را در شناخت هویت جنسی کمک کنند تا دچار انحراف جنسی نشوند.



منابع

۱. حرّ العاملی، محمد بن الحسن، تحقیق مؤسسه آل بیت قم، مؤسسه آل بیت لاهیا المراه، ۱۴۰۹ق.
۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه، ۱۳۶۳.
۳. فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی، سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۱.
۴. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، اصول کافی دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۱.
۵. میخائیلونا لاپیک، والنتینا و واسیلی دمیتیری یویچ کاکتکوف، روانشناسی و تربیت جنسی کودکان و نوجوانان، ترجمه محمد تقی زاده، افسون، تهران، ۱۳۸۱ش.
۷. child devel opment, bukatkoand and dae hler ۱۹۹۵. P. ۱۶۱

بررسی راه کارهای پیش گیری از انحرافات جنسی در کودکان

مارال مروتی^۱

شادی حسنی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۸

چکیده

انسان موجودی است که دارای جنبه های مختلف است که اگر به هرکدام از این جنبه ها توجه نشود، به زندگی انسان و رشد و تعالی او ضرر وارد می گردد. یکی از این جنبه ها، دوران کودکی است که سرشار از کنجکاوی ها و سؤالات گوناگون است و چنانچه والدین نسبت به آن بی توجه باشند، سبب ناهنجاری هایی می شود که یکی از آنها ناهنجاری جنسی است. لذا این سؤال مطرح است که راه کارهای پیش گیری از این آسیب چیست؟ والدین چگونه می توانند مانع از رخداد ناگوار گردند؟ در این مقاله سعی شده است با استفاده از منابع کتابخانه ای و با روش توصیفی به تبیین این موضوع پرداخته شود. از جمله این راه کارها می توان به: پوشش مناسب والدین در منزل، مراقبت در نحوه معاشرت والدین، خواب به موقع کودکان، نوع درآغوش کشیدن و بوسیدن کودک، استحمام صحیح، نقش رسانه و وسایل ارتباط جمعی، نظارت بر معاشرت فرزند با دیگر افراد، اطلاع رسانی دوران بلوغ، نظارت بر اوقات فراغت و.... اشاره کرد.

کلیدواژه ها: کودک، انحرافات جنسی، پیش گیری، راه کار، والدین.



۱. مدرسه علمیه صدیقه طاهره (س)، نوشهر، ایران / shadihassani۸۶۴@gmail.com

۲. دکترای تخصصی مدرسه علمیه صدیقه طاهره (س)، نوشهر، ایران / hassanishadi۱۳۷@gmail.co



مقدمه

کودکان به ویژه در دوران طفولیت، حساس ترین، بی دفاع ترین و آسیب پذیرترین افراد محسوب می شوند. از این رو مهم ترین مسئله درباره آنان، پرورش در محیطی امن از نظر جسمی، روانی و عاطفی است. در این میان با توجه به شیوع ناهنجاری ها و عوامل گسترده ای که انحرافات جنسی را روز به روز فراگیرتر می سازد، اجرای صحیح شیوه های تربیت جنسی است که ایجاب می کند کودکان در محیطی سالم و مبتنی بر نظارت و تربیت دینی پرورش یابند، تا از یک سو غریزه جنسی آنان در یک مسیر درست هدایت شود و از دیگر سو در مقابل انواع ناهنجاری ها، مانند استمناء، استشهائ، سوء استفاده جنسی و... که منتهی به انحراف و آسیب های جنسی می شوند، مصونیت یابند.

با این حال به رغم تأکیدی که در این زمینه صورت می پذیرد، گاه مهم ترین اصل، یعنی هماهنگی برنامه های تربیتی با مقررات طبیعی، نادیده گرفته می شود و غریزه جنسی که مهم ترین امر فطری و غریزی کودک است، دست خوش مشکلات و کج روی هایی قرار می گیرد و از رشد مناسب و مسیر طبیعی خود خارج می شود و سلامت روحی و روانی کودک در معرض خطر قرار می گیرد.

هدف این پژوهش بیان و بررسی راه کارهای پیش گیری از انحرافات جنسی در کودکان است. در این رابطه کتاب هایی نگاشته شده، و هرکدام به جنبه ای از موضوع اشاره کرده است؛ مانند: کتاب تربیت (امینی، ۱۳۸۱) و

- جوان، ازدواج و مسایل جنسی (خالقی، ۱۳۷۶). اما در این مقاله موارد پیش گیری از آسیب های جنسی به صورت اختصاصی بیان شده است.

سؤالاتی که در اینجا مطرح است اینکه: والدین چه اقداماتی را باید برای پیش گیری از انحرافات جنسی کودکان انجام دهند؟ به غیر از والدین، چه عوامل دیگری در پیش گیری این امر مؤثر هستند؟

مفهوم شناسی

انحراف. معجم مقاییس اللغة در مورد واژه انحراف می نویسد: انحراف یعنی عدول از

حد و اندازه چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۲)؛ که آیه ۴۶ سوره نساء نیز به آن اشاره دارد.

راغب اصفهانی نیز در مفردات چنین بیان می دارد: حرف الشیء، یعنی لبه و جانب چیزی؛ و انحراف عن کذا و تحرف و احترف، یعنی منحرف شد و از آن عدول کرد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۴۷۱).

انحراف جنسی. در مورد انحراف جنسی تعریفی دقیق و مورد پذیرش همگان در دست نیست و جامعه شناسان، زیست شناسان، علمای علم اخلاق و روان شناسان با یکدیگر توافق کامل و کلی ندارند. از نظر جامعه شناسان، چنانچه روش های لذت یا ارضای جنسی مورد قبول و منطبق بر هنجارهای جامعه نباشد، انحراف جنسی تلقی می شود. زیست شناسان در روابط جنسی فقط به تولید مثل و بقای نوع توجه دارند و هرآمیزی که در راه نیل به این هدف نباشد، از نظر آنها انحراف جنسی محسوب می شود. از نظر اخلاقی نیز به هر نوع ارضای جنسی که مورد نکوهش قرار گیرد و بلافاصله احساس ندامت به فرد دست دهد، انحراف جنسی گفته می شود و کسی که برخلاف تکلیف رفتار کند و مرتکب خلاف اخلاق شود، دچار ندامت و پشیمانی می گردد و از عذاب وجدان رنج می برد و خود را خوشبخت و سعادتمند نمی یابد (ستوده، ۱۳۷۸، ص ۱۲).

روان شناسان انحراف جنسی را عبارت از آن دانسته اند که فرد از حالت تعادل روانی و رفتاری خارج شود؛ که این امر خود ناشی از به هم خوردن وحدت درون است، که جامعه شناسان آن را نوعی رفتار تبه کارانه و خلاف موازین اجتماعی مورد قبول دانسته اند که وجودش را برای دوام نظام اجتماعی و عدالت، زیان بخش می دانند (قائمی، ۱۳۷۲، ص ۱۴).

با ژرف نگری در می یابیم که این تعاریف، دقیق و جامع نیستند و اختلاف هایی نیز در میان آنها وجود دارد.

دین مبین اسلام هرگونه کام یابی جنسی اعم از آمیزش و لذت بردن سمعی یا لمسی را ویژه همسران می داند و غیر از آن را مایه گناه و آلودگی جامعه برهنگی زنان که





پیامدهایی هم چون آرایش و عشوه‌گری را به همراه دارد، جوانان را در یک حالت تحریک همیشگی قرار می‌دهد و سبب هیجان‌های بیمارگونه عصبی و گاه سرچشمه امراض روحی می‌گردد (دهقان، ۱۳۸۰، ص ۳۹).

انواع انحراف‌های جنسی

انجمن روان‌پزشکان آمریکا ناهنجاری‌های جنسی را در موارد زیر منحصر کرده است: «عورت‌نمایی، یادگارپرستی، مالش دستی، بچه‌بازی، آزارخواهی جنسی، آزارگری جنسی، یادگارپرستی همراه با مبدل‌پوشی جنسی، تماشاگری جنسی» (حسین‌خانی، ۱۳۷۸، ص ۲۴). در این تعریف مواردی چون زنا و آمیزش با محارم بیان نشده، که نشان می‌دهد از دیدگاه آنان این موارد را در محدوده انحرافات جنسی نمی‌دانند و انحراف به‌شمار نمی‌آورند.

از دیدگاه اسلام انحرافات جنسی افزون بر آنچه گفته شد، موارد زیر را نیز در بر می‌گیرد: همجنس‌گرایی، دیگرآزاری، لذت‌بردن از آزار دادن شریک جنسی؛ خودآزاری؛ لذت‌بردن از ایجاد درد در خود به وسیله خود یا دیگران؛ سادومازوخیسم؛ لذت‌بردن از آزار دادن دیگران و آزار دیدن از دیگران؛ بت‌پرستی جنسی؛ کامیابی جنسی با دیدن عضو یا شیئی‌ای از جنس مخالف؛ حیوان‌بازی؛ تماس جنسی با حیوانات؛ مرده‌پرستی؛ تحریک جنسی با دیدن مرده، محتضر، بیمار، مجروح و یا با حضور در قبرستان؛ عریان‌نمایی جنسی؛ کسب لذت از عریان کردن خود در برابر دیگران؛ نظربازی؛ لذت بردن فرد از دیدن اعضای بدن دیگران، زنا با محارم (ستوده، ۱۳۷۸، ص ۱۳). برخی دیگر از رفتارهای جنسی نیز ناپسند شمرده شده‌اند؛ مانند استمنا، استشه‌ها، زنا، روسپی‌گری و تشابه به جنس مخالف.

راه‌کارهای پیش‌گیری

قبل از هرچیز باید توجه داشته باشیم که فرزندان ما بسیار کنجکاو هستند و این کنجکاوی در کنار بی‌دقتی‌های والدین می‌تواند منشأ ناهنجاری جنسی باشد. از

همین رو در روایاتی که از ائمه اطهار علیهم السلام صادر شده و نیز در متون روان شناسی دینی، بر نحوه معاشرت والدین بسیار تأکید شده است. اصل «الگوپذیری» و «میل به هم سان سازی» در انسان ها مخصوصاً کودک و نوجوان، یک اصل پذیرفته شده است. بچه ها از همه رفتارها و حرکات والدین تأثیر می گیرند و ناخودآگاه و بدون استدلال، آن را می پذیرند و سعی می کنند خود را به آن چه دیده و شنیده اند، شبیه سازند. در این بخش به برخی از مواردی که موجب پیش گیری از بلوغ زودرس و تحریک جنسی فرزندان می شود، اشاره شده است:

دوران بارداری

از آنجایی که تربیت فرزندان امری مهم و اساسی است؛ بهتر است پدر و مادر قبل از تولد فرزندان، بسیاری از مهارت ها را فرا بگیرند. چه بسا رعایت بعضی از مسائل در دوران جنینی در انحرافات جنسی کودکان تأثیرگذار باشد؛ هم چون تغذیه مادر، اعمال و رفتار مادر در دوران جنینی و هم چنین توجه بیشتر به مسائل عبادی و یکی از راه کارها می تواند برگزاری کلاس های آموزشی والدین قبل از تولد، توسط بعضی ارگان های خاص باشد.

پوشش مناسب والدین در منزل

وقتی مادر در مقابل فرزند نوجوانش لباس های تنگ و چسبان محرک می پوشد و یا با بدنی نیمه عریان رفت و آمد می کند و یا پدر خانواده با لباس های نامناسب در محیط خانه ظاهر می شود و فرزندان نیز نظاره گر هستند؛ قهراً نوجوان این رفتارها را تجربه خواهد کرد و به دلیل کنجکاوی و غریزه نهفته جنسی شان، تحریک شده و آرام آرام به لذت جویی شهوانی کشیده می شود.

در برخی از خانواده ها دیده شده است که خواهر و برادر نوجوان، پوشش مناسبی در مقابل یکدیگر ندارند و معتقدند که همه اعضای خانواده باهم محرم اند. متأسفانه این تفکر در بسیاری از خانواده ها وجود دارد و والدین می پندارند که نمایان بودن بدن شان





در فرزندان هیچ تأثیری ندارد چون آنها محرم هستند و هنوز نمی‌فهمند. بنابراین پوشش نامناسب فرزندان دختر و پسر را نیز با همین استدلال توجیه می‌کنند. در صورتی که این پندارها درست نیست؛ چرا که میل جنسی، محرم و نامحرم نمی‌شناسد (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۹۷).

این تنها یک توصیه اخلاقی و دینی نیست؛ بلکه روان‌شناسان غیرمسلمان نیز برای این نکته صحنه گذاشته و آن را مسئله‌ای اثبات شده می‌دانند. به عنوان نمونه یکی از دانشمندان می‌نویسد: «ما برای حفظ سلامت روانی فرزندانمان باید در نمایاندن بدن عریان خود به آنان اکراه داشته باشیم، و حتی المقدور از آن اجتناب کنیم. گاهی اوقات ممکن است فرزند ما دزدانه و یا در خفا، مثلاً هنگامی که مشغول استحمام و یا مشغول تعویض لباس‌های خود هستیم، به ما نگاه کند» (گینوت، ۱۳۵۶، ص ۱۷۷).

پیامبر اسلام ﷺ خطاب به مردی که رانش نمایان بود، فرمود: «ران خود را بپوشان؛ زیرا عورت است» (نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۱۰۸). وقتی پیامبر ﷺ خطاب به یک مرد چنین تذکری را فرموده، ناگفته پیداست که این حساسیت نسبت به زنان و دختران بیش‌تر است. از همین رو پیامبر ﷺ در جایی دیگر فرمود: «تمام بدن زن، عورت است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۰۰، ص ۲۵۰).

بنابراین محرمیت، محدودیت را کم می‌کند اما میل جنسی را کاهش نمی‌دهد. پس دختر می‌تواند در مقابل پدر، برادر، عمو، دایی و ... راحت باشد؛ اما حدود پوشش بسیار مهم است. این امر، توهین به محارم نیست؛ بلکه جلوگیری از تحریکات و لغزش‌هاست. وقتی فردی دختر زیبایی در خانه داشته باشد که نحوه پوشش و خودآرایی را رعایت نکند، ممکن است حریم‌ها زیر پا گذاشته شود.

در رابطه با پوشش این نکته نیز ضروری است که حتی لباس‌های فرزندان را هم در حضور افراد دیگر مانند خواهر و یا یکی از والدین انجام نشود و بهتر است جهت تعویض لباس فرزند به خصوص دختر در این زمینه از پدر کمک گرفته نشود.

در مورد آرایش نیز باید توجه داشته باشیم که نوع و حد آرایش مادران، کنجکاوای فرزندان را به دنبال خواهد داشت. بنابراین اگر خانمی قصد آرایش برای شوهر را دارد،

بایستی این عمل مستحبی منحصر به مواقع خاصی نباشد تا این امر برا فرزند عادی جلوه کند و از طرفی بهتر است که انجام آرایش در حضور کودک صورت نگیرد تا حس کنجکاوی او تحریک نشود که (مگر قرار است چه اتفاقی بیافتد؟!)(میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

مراقبت در نحوه معاشرت والدین

چه بسا یک ارتباط نابجای والدین، زحمات چند ساله آنها را در امر تربیت فرزند به هدر دهد. از آنجا که چشم و گوش کودکان بسیار تیز و زیرکانه است، والدین باید مراعات عفت کلام را داشته و از شوخی ها، لطیفه ها و حرف های جنسی در حضور کودکان پرهیز کنند.

آنچه مسلم است اینکه پدر و مادر می بایست در نوع معاشرت با یکدیگر، بسیار دقت کنند تا مبادا کودکان به چنین عواقبی دچار شوند. اکثر کودکان در توجیه انحرافات خود می گویند که این کارها به تقلید از پدر و مادر خود انجام داده اند. و این نکته نیز والدین نیز نباید با فرزندان شوخی های جنسی و غیر اخلاقی داشته باشند و یا اینکه از لمس اندام های خاص اعضای بدن فرزندان خود اجتناب کنند (خالقی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۹).

خواهیدن والدین در کنار یکدیگر نیز از دیگر مشکلات خانوادگی است. از دیدگاه دینی و روان شناسی، روابط والدین در حضور فرزندان موجب گمراهی و فساد آنان در آینده خواهد شد. بنابراین باید خواهیدن والدین در کنار یکدیگر، به دور از چشم فرزندان باشد. این امر در رفتار ائمه معصومین علیهم السلام نیز رعایت می شده است. امام سجاد علیه السلام وقتی می خواست با همسرش تنها باشد، درها را می بست، پرده ها را می انداخت و خدمت کاران را بیرون می کرد (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۳۳).

نباید گفته شود که کودکان متوجه نیستند و یا در خوابند و نمی فهمند. در اهمیت این امر همین بس که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «به خدا سوگند اگر مردی با همسرش هم بستر شود در حالی که کودکی در آن اتاق بیدار باشد و آنها را ببیند و صدای شان را بشنود، آن کودک ابدًا رستگار نمی شود» (همان). منظور این است که چنین فردی در





آینده رشد علمی خوبی نخواهد داشت؛ از جنبه جسمی افت کرده و از نظر چهره، زشت می‌شود؛ خصوصیات اخلاقی او تغییر می‌کند و مانند دیگر انسان‌ها، به مسائل اخلاقی و پاکی‌ها پای‌بند نیست. همه اینها یعنی این فرد، رستگار و سعادتمند نخواهد شد.

بنابراین پدر و مادرها، باید اتاقی جداگانه داشته باشند و به فرزندان خود بیاموزند که هنگام ورود به اتاق آنان، در بزنند و اجازه بگیرند. قرآن شریف در توصیه‌ای صریح می‌فرماید: «بچه‌های نابالغ در سه وقت حق ندارند بدون اجازه وارد اتاق خواب شما شوند؛ اول، ساعت قبل از نماز صبح؛ دوم بعد از ظهرها، هنگامی لباس‌تان را درآورده‌اید؛ و سوم، بعد از نماز عشا؛ و موقع خفتن. این سه وقت به منزله اوقات حساس است و کسی حق ندارد بدون اجازه وارد خوابگاه شما شود» (نور/۵۸).

امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه می‌فرماید: «هرکس به سن بلوغ رسید، نزد مادر، خاله، خواهر و دیگر خانم‌ها، بدون اجازه وارد نشود» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۱۵۸).

یک دانشمند غربی در این خصوص می‌نویسد: «در ساختمان اغلب خانه‌های امروزی، رعایت اصول مسائل جنسی پیش‌بینی نشده است... بسیار کم و به ندرت می‌توان خانه یا آپارتمانی را یافت که در آن، اصل داشتن اتاق دنج و مستقل خواب برای والدین رعایت شده باشد. اغلب، دیوار اتاق خواب، باریک و بچه‌ها در دور و حوالی آن هستند. این حقیقت تلخ و ناگواری است که بر اثر عدم رعایت این نکات و نداشتن خانه‌هایی که اتاق خواب والدین در گوشه آرام و دنجی قرار گرفته باشد، والدین ناچارند صدای نفس و حرکات و مهرورزی‌های طبیعی خود را خفه کنند» (گینوت، ۱۳۵۶، ص ۱۷۸).

خواب به موقع کودکان

پدر و مادرها باید توجه کنند، هنگامی فرزند خود را به بستر خواب بفرستند که کاملاً خسته باشد و در بستر به بی‌خوابی مبتلا نشود؛ چراکه افکار پریشان در این زمان بیش‌تر به سراغ کودک و نوجوان می‌آید و از طرفی ممکن است متوجه معاشرت والدین گردد؛ که در این صورت در آستانه بلوغ زودرس قرار گرفته و به مشکلات رفتاری مبتلا خواهد شد.

همچنین بایستی به جدا بودن بستر خواب فرزندان از یکدیگر (چه دختر و چه پسر) توجه داشته باشیم (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲).

در اسلام به ما توصیه شده است که رخت خواب فرزندان را از زمان کودکی جدا کرده و از خواباندن آنها در کنار خود خودداری کنیم؛ ولو هم جنس ما باشند. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «وقتی بچه ها به سن هفت سالگی رسیدند، رخت خواب آنها را جدا کنید» (امینی، ۱۳۸۱، ص ۲۶۵).

امام صادق علیه السلام در مورد جدا بودن والدین از فرزندان در هنگام خواب، فرموده است: «زن ها و فرزندان ده ساله باید رخت خوابشان از یکدیگر جدا باشد» (عاملی، ۱۰۴۹ق، ج ۲۱، ص ۴۶۱).

در روان شناسی به اثبات رسیده است که کودکان در سنین قبل از ۵ سالگی لذت های جنسی را درک و تجربه می کنند. از این رو خوابیدن یک کودک در بستر والدین یا خواهر و برادرش، موجب تماس بدنی و دریافت حرارت بدن آنان شده و لذت می برد؛ و در آینده بچه ها برای به دست آوردن این تجربه لذت بخش، به کودکان دیگر رجوع می کنند و دوست دارند هم جنس بازی و زنا را تجربه کنند (کدیور، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

نوع در آغوش کشیدن و بوسیدن کودک

برای در آغوش کشیدن، توصیه شده که تماس بدنی والدین با فرزندان از روی پوشش باشد؛ چرا که در غیر این صورت، فرزندان نوع خاصی از لذت را حس می کنند و میل کنجکاوی آنان موجب می شود که به دنبال تداوم لذت تماس بدنی بوده و آن را با هم سالان تجربه کنند. البته کنجکاوی کودک ناشی از یک نوع سادگی بچه گانه است؛ اما ممکن است مورد سوء استفاده قرار گیرد. لذا مراقب روابط بچه ها با یکدیگر باشیم (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۳).

یکی دیگر از راه های اظهار محبت به فرزندان، بوسیدن آنان است که بسیار مورد تأیید و سفارش است. این عمل نیز مانند دیگر رفتارهای محبت آمیز، بایستی از افراط و تفریط به دور باشد و به گونه ای رفتار شود که کودک را تحریک نکند. از همین رو





مراقبت‌های لازم اجتناب‌ناپذیر است. به همین دلیل توصیه شده است که مردان نامحرم، از بوسیدن دخترش سال به بالا و زنان نامحرم از بوسیدن پسران هفت سال به بالا، خودداری کنند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۳۰).

اگر توصیه‌های دینی این قبیل دستورات را به ما می‌دهد، نباید از آنها به سخت‌گیری و بی‌مهری به فرزندان تعبیر شود؛ بلکه این احکام به سبب شرایط جسمی و روحی کودکان و عوارض آن است. شارع مقدس نمی‌خواهد زمینه سقوط اخلاقی فرد و خانواده مهیا شود. در واقع، پیش‌گیری بردرمان مقدم بوده و از اهمیت بیش‌تری برخوردار است (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴).

استحمام صحیح

والدین باید در خصوص استحمام فرزندان نیز دقت کنند. توصیه شده است که مادر به همراه پسر، و پدر به همراه دختر خود، از حدود سن چهار سالگی به بعد، حمام نرود. همچنین فرزندان هم‌جنس خود را باهم به حمام نفرستیم، چراکه ممکن است به علت کنجکاوی، رفتارهای نامناسبی از خود بروز دهند که به بیداری غریزه جنسی آنها بیانجامد. با این وصف، روشن است که فرزند دختر و پسر را هرگز نباید باهم به حمام فرستاد. این همان خط قرمزی است که باید از آن اجتناب کرد (همان، ص ۱۰۴).

این مسئله در رابطه با طهارت فرزندان بعد از اجابت مزاج نیز وجود دارد. به عنوان نمونه، مادراندام خصوصی فرزند پسر خود را حتی المقدور لمس نکند و یا اینکه بحث طهارت فرزند دختر برعهده پدر گذاشته نشود.

نقش رسانه و وسایل ارتباط جمعی

اینترنت

همه می‌دانیم که امروزه رسانه‌ها در پیشرفت جوامع بشری نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند؛ مثلاً **پدیده اینترنت**، فصل جدیدی را در سهولت و سرعت بخشیدن به انواع فعالیت‌های علمی، فرهنگی، سیاسی و ... به روی انسان‌ها گشوده است و استفاده از آن برای برخی افراد، به دلیل موقعیت‌های شغلی، اجتناب‌ناپذیر است. در کنار مزیت‌های

فراوان اینترنت، نباید از جنبه های تخریبی و خانمان سوز آن غافل بود؛ چراکه امروزه این رسانه، مرزهای جغرافیایی و در برخی مواقع، فرهنگ و سنت های متضاد با فرهنگ خودی را از میان برداشته و فرهنگ و سنت ها متضاد با فرهنگ خودی را منتقل می کند. گونه های متفاوت ارتباط با نهادهای حقیقی و حقوقی، انسان را از حضور در بیرون از منزل بی نیاز کرده است. بیش از هر چیز، سایت های جذاب سرگرمی و تفریحی، وقت بسیاری از جوانان را اشغال کرده اند و برخی دیگر از این سایت ها، تنها با هدف پرداختن به مسائل ضد اخلاقی و انحرافی ایجاد شده اند. بنابراین امروزه مسئولیت والدین و نهادهای مسئول، بیش از پیش سنگین و خطیر است.

هیچ عقل سلیم و انسان فرهیخته ای مزایا و فواید این رسانه فراگیر و کاربردهای مثبت آن را انکار نمی کند؛ اما در کنار همه اینها، باید بر نحوه استفاده از این وسیله، نظارت و دقت داشته باشیم. این امر قبل از هر چیز، مستلزم آگاهی والدین از مسائل روز و آشنایی با پدیده اینترنت است، تا علاوه بر دادن آگاهی های لازم به فرزند خود، او را در استفاده از خدمات مثبت اینترنتی، یاری دهند. بنابراین حداقل کاری که والدین می توانند انجام دهند، کنترل و نظارت نامحسوس بر نحوه استفاده فرزندشان از این وسیله است؛ مانند تنها نگذاشتن فرزند با دوستان در منزل و یا کافی نت ها. چرا که یکی از زیان های اینترنت، آشنایی بچه ها با اموری است که مناسب حال و سن و سال آنها نیست.

نوجوان ما با برقراری ارتباط با دنیای جدید از طریق سایت های غیر اخلاقی و دوست یابی و اتاق های چت رم، با مسائلی چون ارتباط نامشروع، هم جنس بازی، پوچ گرایی، منفعت طلبی افراطی، تجاوز به حقوق دیگران، قتل، خشونت و ... روبرو می شود که با فرهنگ ایرانی و اسلامی ما متفاوت و مغایر است (همان، ص ۱۰۶).

فیلم و عکس

در مورد دیدن **فیلم و عکس** نیز باید همین گونه رفتار شود. دیدن برخی از فیلم ها که از صحنه های عشقی و آلوده به مسائل شهوانی برخوردار است، ولو با مجوز مسئولان



باشد! برای هیچ فردی مناسب نیست، چه رسد به فرزندان ما. برخی از آثار فیلم‌ها که در روحيات کودکان ما اثرگذار است، عبارتند از: یادگیری الفاظ رکیک، آشنایی با روابط عاشقانه، ایجاد ترس و وحشت، آموزش خشونت‌های رفتاری و پرخاش‌گری، گرایش به پوشش‌های مختلف، یادگیری برخی از شیوه‌های اعمال خلاف، مانند: دزدی، قتل، فرار، آدم‌ربایی، فریب، مردم‌آزاری، قمار، درگیری‌ها و

موسیقی

در مورد **موسیقی**، و استفاده از موسیقی نیز باید توجه داشت که از شعر، ریتم و آهنگ مناسبی برخوردار باشد. موسیقی مبتذل که خواننده، آهنگ و یا شعر آن مناسب مجالس لهو و لعب باشد، زمینه‌ساز آشفستگی روحی، تحریک و انحراف جنسی خواهد بود. از عوارض موسیقی مطربی و غنایی می‌توان به این موارد اشاره کرد: خفت، سبکی و سستی به همراه غم و شادی افراطی که مجموعاً موجب ضربات روحی و تحریکات جنسی در آدمی می‌گردد.

علاوه بر هشدارهایی که پیشوایان دینی درباره استفاده از موسیقی داده‌اند؛ امروزه نیز دانشمندان بر این مطلب واقف‌اند که ضررهای روحی و جسمی موسیقی غنائی، بسیار قابل توجه است؛ برخی از آنها عبارتند از: تضعیف اراده و اعصاب، افسردگی، اتلاف وقت، کوتاهی عمر، بی تفاوتی به ناموس، ضعف قوای بینایی و شنوایی، روی آوردن به فحشا و خودکشی و

بنابراین نباید به صرف هنری دانستن موسیقی، جوانان خود را در این حیطه آزاد گذاشته و حتی آنها را تشویق کنیم.

ممکن است برخی گمان کنند که موسیقی به تعقل و تفکر و فعالیت‌های علمی ضرر نمی‌رساند و بلکه در این راه موجب تقویت می‌شود؛ در پاسخ باید گفت، نه تنها دانشمندان علوم تحقیقی از موسیقی برای پیش برد کارهای خود استفاده نکرده‌اند؛ بلکه آن را به دلیل مخالف بودن با فعالیت‌های علمی مغز، از تعقل و اندیشه جدا ساخته‌اند. علاوه بر این، پیشوایان دینی ما که به تمام سطوح شخصیت انسان آگاه

هستند، موسیقی غنایی را تجویز نمی کنند (شاگردکانی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹).

بازی رایانه ای

بازی های کامپیوتری جنسی به بازی هایی گفته می شود که محتوای صریح جنسی دارند و ممکن است شامل تصاویر، ویدیوها یا تعاملات جنسی باشند. این نوع بازی ها به دلایل مختلفی از جمله دسترسی آسان به اینترنت و تنوع بالای بازی ها، به طور فزاینده ای در دسترس قرار دارند.

در تحقیقی که بنیاد ملی بازی های رایانه ای درباره کاراکترهای معروف نقش اول زن بازی ها انجام داده است، اشاره شده که بدون استثناء بر روی جنبه های جنسی این کاراکترها تأکید شده است و لباس های تنگ و نیمه عریان، ژست ها و رفتارهای تحریک آمیز این کاراکترها به طور برجسته نمایان هستند.

(<https://www.mashreghnews.ir>).

نظارت بر معاشرت فرزند با دیگر افراد

دوستی و ارتباط با دیگران لازمه حیات اجتماعی انسان است. در ارتباطات اجتماعی، افکار، اخلاق، استعدادها و رفتار انسان ها تغییر و تحول می یابد. گاهی فرزند ما در مدرسه، هم بازی و هم کلاسی دارد، ولی با آنها رفاقت و صمیمیت ندارد؛ چون در رابطه دوستانه، مشارکت و اثرپذیری رفتاری دیده می شود. ما نیز ممکن است با بسیاری از افراد که در اطراف مان هستند، مانند رئیس اداره، کارمندان، مغازه دار محل و.... برخورد داشته باشیم؛ ولی الزاماً با آنها دوست نباشیم؛ یعنی در حقیقت ما با آنها آشنایی داریم، نه رفاقت.

بنابراین به عنوان یک اصل کلی می توان گفت که یکی از مهم ترین و حیاتی ترین نیازهای جوانان، دوست یابی و انتخاب دوست خوب و مناسب است؛ به طوری که اگر در این زمینه دقت و احتیاط لازم به عمل نیاید، بقیه تلاش های تربیتی نیز مثرتر نخواهد بود (فرهادیان، ۱۳۸۲، ص ۱۱۷).





در روایات ما بسیار بر اهمیت دوست و انتخاب درست آن تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «المرء علی دین خلیله؛ انسان بر دین دوست خود است» (ری شهری، ۱۴۲۲، ص ۲۹۰).

دوست خوب تکیه گاه و سرمایه و پشتوانه مطمئنی در شرایط گوناگون زندگی افراد است. امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «من لا صدیق له لا ذخر له؛ کسی که دوست نداشته باشد، سرمایه ای ندارد» (همان، ص ۲۹۰).

در اهمیت دوست خوب و تأثیر آن بر اخلاق و میزان دین داری، همین بس که امام علی علیه السلام می فرماید: «هرگاه وضعیت شخصی بر شما نامعلوم شد و دین و آیین او را شناختید، به دوستانش بنگرید؛ اگر اهل دین و آیین الهی اند، بدانید که او نیز پیرو آیین خداست» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۴، ص ۱۹۷).

اطلاع رسانی دوران بلوغ

از وظایف دیگر والدین، آگاهی دادن به فرزند خود در مورد مسائل دوران بلوغ است. پدر و مادر باید نوجوان خود را از حساسیت های جسمی و روحی که در انتظارش است، آگاه کنند و او را به وظایف خود آشنا سازند، تا فرزند بتواند با سلامت نفس از این بحران روحی و جسمی زندگی عبور کند. پرخاش گری، تشویش و اضطراب، تشنه محبت و مورد احترام دیگران بودن، میل به شناخت خود (هویت یابی)، غرور، استقلال و باورداشتن خویش و مسئولیت پذیری، از مشخصه های دوران بلوغ است، که خانواده ها باید در پاسخ و هدایت این نیازها با فرزندان خود هم کاری کنند. در واقع باید نوجوان را درک کرد و موقعیت سنی او را شناخت (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱).

از نظر اسلام، این قسمت از زندگی انسان، بسیار اهمیت دارد. در این دوران است که بنای اساسی شخصیت فردی و اجتماعی جوان پایه ریزی می شود. روش تربیتی اسلام بر این امر تأکید دارد که جوان باید این دوران را با معرفت و پاکی سپری کند. در این دوران، جوان واقعاً نمی داند که چه چیزی در او اتفاق می افتد و چه باید بکند. تغییرات روحی - بدنی و تأثیرات روانی آن چنان سریع و همه جانبه است که او را دچار تشویش و

نگرانی می کند و او در برخورد و ارتباط با اطرافیان و خانواده اش با مشکل مواجه می شود. در این زمان است که او شدیداً نیاز به محبت دارد و در پی یافتن یک نقطه اتکای روانی و روحی است، و دوست دارد دیگران به شخصیت او احترام بگذارند و به او توجه کنند. به همین دلیل است که پیامبر اسلام ﷺ ضمن بیان مراحل تربیت، به هفت سال سوم زندگی یعنی ۱۴ تا ۲۱ سالگی که همان دوران بلوغ و جوانی است (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۴۷۶) اشاره کرده و به والدین و مربیان سفارش می فرماید که در این سنین به جوان به عنوان یک شخصیت بزرگ سال بنگرید، به او اعتماد کرده و در کارها با وی مشورت کنید؛ در زندگی خانوادگی نظر او را دخالت داده و به او مسئولیت بدهید تا شخصیت او شکوفا گردد. جوان در این مرحله، خود را هم ردیف با سایر اعضای بزرگ تر خانواده می پندارد و انتظار دارد از احترام متقابل برخوردار باشد. لذا پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من به تمام شما توصیه می کنم که با جوانان به نیکی رفتار کنید و به شخصیت آنان احترام بگذارید» (ری شهری، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۳۴۹).

نظارت بر اوقات فراغت

اوقات فراغت، به ساعات و روزهایی گفته می شود که فرد آنها را براساس میل خود با برنامه هایی هم چون استراحت، تفریح، سرگرمی، افزایش معلومات و توسعه مهارت ها یا شرکت داوطلبانه در امور اجتماعی می گذراند. البته واضح است که فراغت با بی کاری متفاوت است. بی کاری ایامی است که فرد شغل خود را به طور موقت یا دائمی از دست می دهد؛ ولی فراغت یعنی فرد اوقاتی را فارغ از کار، به دل خواه خویش می گذراند.

ضرب المثل معروف (وقت طلاست) حاکی از اهمیت بسیار زیاد زمان و استفاده بهتر از آن است. فرانسیس دوگه در اهمیت اوقات فراغت گفته است: «به من بگوئید اوقات فراغت را چگونه می گذرانید تا بگویم شما که هستید و فرزندانان را چگونه تربیت می کنید» (دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، ص ۳۸).

آموزه های دینی به ما می گوید که در کنار فعالیت های اصلی روزانه، فرصتی را برای





اوقات فراغت، تفریح و لذت‌های حلال در نظر بگیرید. امام رضا علیه السلام فرموده است: «کوشش کنید اوقات روزانه شما چهار قسمت باشد: ساعتی برای عبادت و خلوت با خدا، ساعتی برای کار و تأمین معاش، ساعتی برای خانواده و مصاحبت با افراد مورد اعتماد و ساعتی برای تفریحات و لذت‌های حلال» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۷۵، ص ۳۴۶).

پژوهش‌های انجام شده حاکی از این است که بسیاری از انحرافات قشر جوان و نوجوان نتیجه فقدان برنامه‌ریزی صحیح جهت گذراندن اوقات فراغت بوده است. اهمیت اوقات فراغت و لزوم بهره‌گیری بهینه از آن، زمانی دوچندان می‌شود که می‌بینیم دشمن با تهاجم فرهنگی و با در اختیار داشتن پیش‌رفته‌ترین تکنولوژی‌ها، فساد و ابتذال را در میان فرزندان ما رواج می‌دهد. از همین رو اگر والدین و مسئولان، برای اوقات فراغت نوجوانان و جوانان، برنامه‌ریزی مناسبی نکنند، انرژی بسیاری را از دست داده‌ایم و در برخی از موارد، آب به آسیاب دشمن ریخته‌ایم (میرزایی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۲۴).

از جمله مزیت‌ها و فواید استفاده درست از اوقات فراغت، تأمین بهداشت روانی، استراحت و تجدید قوا، رشد خلاقیت، توسعه مهارت‌ها، شکوفایی استعدادها و رشد اجتماعی است که می‌تواند به صورت فعالیت‌های ورزشی، هنری، ارتباط با رسانه‌ها، کتاب‌خوانی، مسافرت و تفریحات سالم بروز یابد.

یکی از بهترین کارهایی که والدین عزیز می‌توانند انجام دهند، آموزش حرفه‌ها و مهارت‌های شخصی پدر و مادر است. این امر علاوه بر اینکه اوقات فراغت فرزندان را پر می‌کند، می‌تواند برای آینده آنان یک فرصت شغلی محسوب شود؛ اما باید سعی شود تا این کلاس‌ها تفکیک جنسیتی داشته باشند.

هم‌چنین شرکت در برنامه‌ها و پایگاه‌های تابستانی که توسط نیروهای بسیج و مساجد برگزار می‌شود، می‌تواند بخشی از اوقات جوانان را در تابستان پر کند (همان، ص ۱۲۶).

این نکته را نیز باید توجه داشت که در بازی‌ها، فرزندان با هم جنس خودشان بوده و هرگز تنها رها نشوند و بر بازی کودکان نظارت کافی وجود داشته باشد.

بازی های مفید

انجام بازی های جسمی، فکری و هوشی که به رشد جسمانی و ذهنی کودکان و نوجوانان کمک می کند، می تواند در پر کردن اوقات فراغت مناسب باشد. برخی از بازی ها برای کودکان بسیار مفید و به جاست؛ به عنوان مثال روان شناسان معتقدند دخترهایی که در کودکی بیش تر عروسک بازی می کنند و به بازی های دخترانه علاقه نشان می دهند، در آینده به هنگام بچه دار شدن، مادرهای خوبی می شوند. اما همین امر برای پسران برعکس بوده و باید توجه شود تا برای پسران عروسک های دخترانه خریداری نشود.

بازی های مفید ویژه کودکان و نوجوانان را می توان به چند دسته تقسیم بندی کرد: بازی های فعال، بازی های تقلیدی، بازی های سنتی و محلی، بازی های الکترونیکی، انواع ورزش (همان، ص ۱۲۶).

نحوه کتاب خوانی

در مورد ارزش کتاب و کتاب خوانی همین بس که گفته اند: «بزرگترین اختراع بشر کتاب است». کتاب غذای روح آدمی است و همان گونه که جسم ما نیازمند غذاست، روح انسان نیز به تغذیه نیاز دارد.

بهترین کتاب، قرآن، این کتاب الهی است که منشور زندگی و جامع علوم الهی، اخلاق، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، تاریخی و... است که برای همه انسان ها قابل استفاده و درس آموز است. هرکس در هر سطحی از اطلاعات و معارف که باشد، از آن بی نیاز نیست و دریایی است که هرکس به قدر تشنگی از آن می چشد. همچنین نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علیه السلام و حکمت ها و معارفی که از هل بیت علیهم السلام به ما رسیده، در تغذیه روحی ما مفید است.

همچنین کتاب هایی که حاوی حکایات، قصه ها و رمان های تاریخی هستند، می توانند برای قشر جوان و حتی کودک ما بسیار شیرین، درس آموز و سازنده باشند. البته باید توجه داشت کتابی را که فرزند ما مطالعه می کند، خود بیش تر مطالعه کرده باشیم و آن را متناسب با روحیات و موقعیت فرزند خود بدانیم (همان، ص ۱۲۸).



رژیم غذایی مناسب

حتی‌الامکان برنامه غذایی فرزندان خود را طوری طراحی کنیم که مصرف خوردنی‌های محرک و مقوی شهوت، به حداقل برسد. برخی از ادویه‌جات، میوه‌ها و حبوبات، مثل: فلفل سیاه، زنجبیل، دارچین، زعفران، کاکائو، قهوه، کنجد و... می‌تواند باعث تقویت و تحریک قوه جنسی افراد شود که والدین باید به این مسئله توجه داشته باشند (بابایی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب بیان شده می‌توان موارد ذیل را جهت پیش‌گیری از انحرافات جنسی مطرح کرد:

- پوشش مناسب والدین در منزل، مراقبت در نحوه معاشرت والدین، خواب به موقع کودکان، نوع درآغوش کشیدن و بوسیدن کودک، استحمام صحیح، نقش رسانه و وسایل ارتباط جمعی، نظارت بر معاشرت فرزند با دیگر افراد، اطلاع رسانی دوران بلوغ، نظارت بر اوقات فراغت، بازی‌های مفید، نحوه کتاب خوانی، رژیم غذایی مناسب.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه (۱۳۹۰)، ترجمه محمد دشتی، قم، الهادی، چاپ چهارم، بی جا.
۳. ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقائیس اللغه، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۴. امینی، ابراهیم، (۱۳۸۱)، تربیت، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
۵. بابایی، خسرو، (۱۳۸۳)، نسخه دکتر، خوددرمانی با گیاهان دارویی، چاپ چهارم، تهران، حافظ نوین.
۶. حسین خانی، هادی، (۱۳۸۷)، هفت روش پیش گیری از انحرافات جنسی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۷. خالقی، روح الله، (۱۳۷۶)، جوان، ازدواج و مسائل جنسی، چاپ یازدهم، تهران، طنین.
۸. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، (۱۳۸۳)، معاونت اعزام و تبلیغ، ره توشه راهیان نور ویژه جوانان، چاپ اول، قم، بوستان کتاب.
۹. دهقان، احمد، (۱۳۸۰)، پرسش ها و پاسخ های روز، قم، لاهیجی.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۵)، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه سید غلامرضا خسرو حسینی، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۱. ستوده، هدایت الله، (۱۳۷۸)، آسیب شناسی اجتماعی، جامعه شناسی انحرافات، تهران، آوای نور.
۱۲. شاکر اردکانی، سید اسماعیل، (۱۳۸۱)، چهل نکته درباره موسیقی، چاپ اول، قم، ذاکر المهدی (عج).
۱۳. عاملی، حر، (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۴. فرهادیان، رضا، (۱۳۸۲)، والدین و مربیان مسئول، چاپ دوم، قم، بوستان کتاب.
۱۵. قائمی، فاطمه، (۱۳۸۴)، حجاب دختران، حجاب اسلامی و بهداشت خانواده، قم، گلستان ادب.

۱۶. کدیور، پرویز، (۱۳۸۲)، روان‌شناسی تربیتی، چاپ هفتم، تهران، سمت.
۱۷. گینوت، جییم، (۱۳۵۶)، پیوندهای کودک و خانواده، ترجمه تقی‌زاده میلانی، چاپ اول، تهران، نشر اندیشه.
۱۸. مجلسی، محمدتقی، (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۹. محمدی ری‌شهری، محمد، (۱۴۲۲ق)، منتخب میزان الحکمه، چاپ اول، قم، دارالحدیث.
۲۰. میرزایی، داوود؛ شاهرخی، علی؛ قطبی، هادی، (۱۳۹۰)، آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان، قم، مینایی.
۲۱. نیشابوری، حاکم، (بی‌تا)، مستدرک علی‌الصالحین، حلب، مکتبه الاسلامیه.
۲۲. <https://www.mashreghnews.ir>

تحلیلی از آثار اخلاقی لقمه حرام در اندیشه و رفتار خانواده از منظر روایات

خدیدجه نظری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵

چکیده

در دین مبین اسلام لقمه حلال همواره به عنوان عاملی مهم در سلامت و سعادت فرد و خانواده مورد تأکید بوده و همواره رعایت آن توصیه می شود؛ اما در این بین، مسئله لقمه حرام، به عنوان مانعی جدی در مسیر دست یابی به سعادت و سلامت، مطرح و پرسش هایی را در این زمینه ایجاد می کند. این پژوهش با هدف بررسی پیامدهای اخلاقی لقمه حرام و تأثیر آن بر اندیشه و رفتار خانواده از منظر مقام معظم رهبری انجام شده است. برای دست یابی به این هدف، از روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه ای و فیش برداری به عنوان ابزار جمع آوری اطلاعات استفاده شد. یافته های این تحقیق نشان داد که لقمه حرام تأثیرات اخلاقی منفی قابل توجهی بر دو بعد اندیشه و رفتار خانواده دارد. در بعد اندیشه، مواردی هم چون غفلت زدگی، استبداد رأی و فرورفتن در جهل مرکب؛ و در بعد رفتار، عدم تعادل در رفتار، عدم صداقت در گفتار و از دست دادن آرامش به دلیل فراهم نشدن شرایط قبولی اعمال عبادی، به عنوان پیامدهای منفی تأثیر لقمه حرام بر خانواده مطرح است.

کلیدواژه ها: پیامدهای لقمه حرام، اندیشه و رفتار خانواده، آموزه های روایاتی.



۱. سطح ۳ تفسیر و علوم قرآنی، مدرسه عالی فاطمه معصومه (س)، بندرعباس khadijeh31365@gmail.com



مقدمه

بدون تردید، لقمه حلال در اسلام به عنوان پایه‌ای برای سلامت و سعادت فرد و خانواده، مورد تأکید قرار گرفته است. اما در مقابل، لقمه حرام به عنوان یک چالش جدی، تأثیرات منفی قابل توجهی بر ابعاد وجودی خانواده، از جمله اندیشه، رفتار و گفتار، برجای می‌گذارد. این وضعیت مطلوب نیست؛ زیرا لقمه حرام می‌تواند باعث غفلت، استبداد رأی، جهل مرکب و عدم تعادل در رفتار و گفتار افراد خانواده شود. اما متأسفانه با وجود اهمیت این موضوع، تحقیقات جامع و منظمی در زمینه تأثیرات اخلاقی لقمه حرام بر خانواده، به ویژه از منظر روایات، انجام نشده است. این مسئله شکاف علمی قابل توجهی را در حوزه تأثیرات تغذیه بر اخلاق خانواده ایجاد کرده است. از این رو، تحقیق حاضر در صدد پاسخ به این سؤال محوری است که: «تأثیرات اخلاقی لقمه حرام بر اندیشه و رفتار خانواده از منظر روایات چیست»؟

استفاده از اطلاعات مستند و روایات معتبر، به ما کمک می‌کند تا ارتباط علت و معلولی بین لقمه حرام و پیامدهای اخلاقی آن را بهتر درک کنیم. اهداف این تحقیق شامل بررسی تأثیرات لقمه حرام بر ابعاد مختلف اندیشه، رفتار و گفتار خانواده، شناسایی عوامل تأثیرگذار و ارائه راه کارهایی برای کاهش پیامدهای منفی آن است. اهمیت این مسئله از آن جهت است که لقمه حرام می‌تواند بر تربیت فرزندان و سلامت روابط خانوادگی تأثیر بگذارد. از سوی دیگر خلأ علمی در این زمینه نشان می‌دهد که تحقیقات بیشتری برای درک عمیق تر این موضوع لازم است. محل نزاع و اختلاف در اینجا، تأثیرات لقمه حرام بر ابعاد مختلف زندگی خانواده است که نیازمند بررسی دقیق و مستند است.

در این تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی با ابزار فیش برداری از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است. هدف اصلی، تبیین تأثیرات اخلاقی لقمه حرام بر خانواده، بر اساس روایات است. فرضیه‌های تحقیق شامل تأثیر منفی لقمه حرام بر اندیشه و رفتار خانواده و همچنین ارتباط مستقیم آن با کیفیت روابط خانوادگی و تربیت فرزندان است. پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه مطالعاتی در زمینه تأثیرات تغذیه بر سلامت

جسمی انجام شده؛ اما تحقیقات جامعی در زمینه تأثیرات اخلاقی لقمه حرام بر خانواده، به ویژه از منظر روایات، وجود ندارد. تحلیل نتایج این تحقیق می‌تواند به درک بهتر تأثیرات لقمه حرام بر خانواده و ارائه راه‌کارهایی برای بهبود اخلاق و روابط خانوادگی کمک کند. در نهایت، این تحقیق با تأکید بر جنبه‌های اخلاقی و تأثیرات آن بر خانواده، چشم‌اندازی را برای تحقیقات آینده در این زمینه ترسیم می‌کند. پیشنهادهای عملی شامل تقویت فرهنگ تغذیه حلال در خانواده‌ها و ارائه برنامه‌های آموزشی در این زمینه است.

مفهوم‌شناسی

۱- تغذیه حرام

تغذیه در لغت به معنای غذا دادن، خوراک دادن، غذا جذب کردن (عمید، ۱۳۶۲، ص ۳۲۷). حرام در لغت به معنای ناروا، امری که به جا آوردنش گناه باشد؛ و آنچه که خوردنش منع شده، ضد حلال (عمید، ۱۳۶۲، ص ۴۲۰)؛ در اصطلاح به رابطه بین مواد غذایی که بدن دریافت می‌کند و نحوه استفاده از آن مواد در جهت تأمین سلامتی بدن را تغذیه می‌گویند (حسینی، ۱۳۷۸، ص ۹).

۲- اندیشه

اندیشه در لغت به معنای فکر، گمان، ترس، بیم (عمید، ۱۳۶۲، ص ۱۶۴)؛ در اصطلاح به معنای به کار بردن خرد در رسیدن به حقایق و کاوش فکری، آمده است (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ج ۷، چ ۱، ص ۳۹۴).

۳- رفتار

رفتار در لغت به معنای روش، سلوک، راه رفتن، طرز حرکت، طرز عمل، و قاعده آمده است (عمید، ۱۳۸۱، ذیل واژه)؛ رفتار در اصطلاح، شیوه معمول عمل و زندگی است. رفتار، واکنش فرد در زندگی عادی و در اوضاع خاص اجتماعی است (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۳)؛ در لغت به معنای روش، رفتن، طرز حرکت، طرز عمل (عمید، ۱۳۶۲، ص ۵۴۵).





الف) پیامدهای اخلاقی لقمه حرام در اندیشه افراد خانواده

گناهان موجب زنگاری قلب و سیاهی می شود. وقتی دل انسان بسته شود و راه ادراکی قفل گردد، چنین افرادی در خانواده، مطالب را وارونه می فهمد و برعکس عمل می کند؛ لذا گرفتار فکر و اندیشه پلید و عمل زشت می شود و در تربیت فرزندان نیز مرتکب اشتباهات فاحش و دچار نقص هایی جبران ناپذیر می شود.

تغذیه حرام سرچشمه همه یا بسیاری از گناهان است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به کمال فرمود: «إِنَّ اللِّسَانَ يَنْزَحُ مِنَ الْقَلْبِ وَالْقَلْبُ يَقُومُ بِالْغِذَاءِ فَانْظُرْ فِيمَا تُغْذِي قَلْبَكَ وَجِسْمَكَ» ای کمیل، زبانت هرچه می گوید بر اثر قلبت است؛ یعنی هر خاطره ای در ذهن است، آن خاطره را به زبان می آوری؛ چیزهایی که از قلبت صادر می شود، به خاطر غذایی است که می خوری؛ غذا در روح اثر دارد و روح در بیان اثر دارد. اینها همه به هم وصل است (نوری، ۱۴۰۸، ج ۵، ص ۲۱۸).

پیامدهای اخلاقی لقمه حرام در اندیشه افراد خانواده به طور مستقیم بر کیفیت روابط و تربیت فرزندان تأثیر می گذارد. هنگامی که والدین از تغذیه حرام استفاده کنند، سلامت روحی و معنوی آنها به خطر می افتد و این وضعیت درک و فهم آنان را مختل می کند. بر اساس فرمایش حضرت علی علیه السلام، ارتباطی مستقیم بین تغذیه و سلامت قلب وجود دارد که در نهایت بر رفتار و گفتار افراد خانواده اثرگذار است. این فرایند منجر به ایجاد افکار غیر سالم و زشت در والدین می شود، که موجب اشتباهات جدی در تربیت فرزندان خواهد شد. بنابراین لقمه حرام می تواند ریشه مشکلات اخلاقی در خانواده ها باشد و به تدریج باعث زنگار قلب و قفل شدن ادراک در آنها گردد. در نتیجه، این مسئله نیازمند بررسی و تبیین دقیق تری برای فهم عمیق تر آثار آن بر خانواده ها و تربیت فرزندان است.

در ادامه، پیامدهای اخلاقی که لقمه حرام می تواند در اندیشه افراد خانواده داشته باشد و در بعد اندیشه و رفتار آنان بروز پیدا کرده و تمام ابعاد فردی او را تحت تأثیر قرار دهد، بررسی و تبیین می گردد:

۱. جنون

یکی از پیامدهای اخلاقی لقمه حرام و تأثیر آن در بُعد اندیشه و گرایش افراد، جنون است. اثرات تغذیه حرام در اندیشه افراد آنان را دچار جنون و دیوانگی می‌کند و از آنجایی که علاوه بر اثرات جسمانی، اثرات روحی و روانی نیز به دنبال خواهد داشت و یکی از آن اثرات روحی، قساوت و سنگ‌دلی فرد است که در اثر آن، دچار جنون می‌شود و در تعاملات اجتماعی ممکن است دست به قتل یا خودکشی و یا خوی درندگی و سبعیت در او بیداد کند.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به اینکه «چرا خداوند خوردن خون را حرام کرده است؟» می‌فرماید:

«وَأَمَّا الدَّمُ فَإِنَّهُ يُوْرِثُ أَكْلُهُ الْمَاءَ الْأَضْفَرَ وَبَيَّخِرُ الْفَمَ وَيَنْتِنُ الرِّيحَ وَيَسِيئُ الْخُلُقَ وَ يُوْرِثُ الْكَلْبَ وَالْقَسْوَةَ لِلْقَلْبِ وَقِلَّةَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةَ حَتَّى لَا يُؤْمَنَ أَنْ يَقْتُلَ وَلَدَهُ وَوَالِدِيهِ؛ خداوند خوردن خون را حرام کرده، به خاطر آنکه سبب جنون و سنگ‌دلی و کمبود مهربانی می‌شود؛ تا آنجا که ممکن است فرزند و یا پدر و مادرش را به قتل برساند!» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۱۰۳).

لقمه حرام به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر سلامت روانی و اخلاقی افراد، می‌تواند منجر به پیامدهایی مانند جنون و قساوت قلب شود. روایت امام صادق علیه السلام در مورد حرمت مصرف خون، به طور غیرمستقیم به این ارتباط اشاره دارد. این روایت نشان می‌دهد که تغذیه حرام می‌تواند بر اندیشه و رفتار افراد تأثیر منفی بگذارد و باعث ایجاد اختلالات روانی و رفتارهای خشونت‌آمیز شود. اثرات روحی و روانی لقمه حرام، شامل قساوت قلب، کمبود مهربانی و ایجاد خوی درندگی است که می‌تواند تعاملات اجتماعی را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین درک این ارتباط بین تغذیه و اخلاق، می‌تواند به شناسایی و رفع مشکلات اخلاقی و روانی ناشی از لقمه حرام در خانواده‌ها و جوامع کمک کند.

لقمه حرام، به عنوان یک عامل تغذیه‌ای منفی، تأثیرات گسترده‌ای بر سلامت جسمی و روانی افراد دارد. این تأثیرات روان‌شناختی می‌تواند منجر به تضعیف





حساسیت اخلاقی و قساوت قلب شود که در نهایت، تصمیم‌گیری‌های اخلاقی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بیانات مقام معظم رهبری در مورد سقط جنین در غرب، به طور غیرمستقیم به این ارتباط اشاره دارد. در جوامعی که لقمه حرام رایج است، افراد ممکن است نسبت به مسائل اخلاقی بی تفاوت شوند و اقداماتی مانند سقط جنین را بدون در نظر گرفتن عواقب اخلاقی انجام دهند. بنابراین لقمه حرام می‌تواند بر ساختار فکری و اخلاقی افراد و بر تصمیمات مهم زندگی آنها تأثیرگذار باشد. درک این ارتباط می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی در تربیت اخلاقی و آگاهی‌دهی به خانواده‌ها مورد توجه قرار گیرد.

قرآن کریم بعضی از تغذیه‌های حرام را معرفی کرده و فرموده: *إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنَازِيرِ...*؛ خداوند مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا سر بریده اند، بر شما تحریم کرده است (سوره بقره، آیه ۱۷۳).

جنون و دیوانگی به عنوان یکی از پیامدهای اخلاقی لقمه حرام، نشان‌دهنده تأثیر عمیق تغذیه حرام بر روح و روان افراد است. بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و امام صادق علیه السلام مؤید این نکته است که مصرف لقمه حرام نه تنها سلامت جسمانی را به خطر می‌اندازد؛ بلکه بر بینش، گرایش و دیدگاه افراد تأثیر منفی می‌گذارد. قساوت قلب و افزایش گرایش به خشونت در افراد، به ویژه در تعامل با دیگران، می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی، از جمله سقط جنین و رفتارهای خشونت‌آمیز باشد. تربیت فرزندان در چنین محیطی به شدت تحت تأثیر این آثار منفی قرار می‌گیرد و زمینه‌های انحرافات اخلاقی و رفتاری را فراهم می‌آورد. بنابراین توجه به تغذیه حلال و سالم می‌تواند نقش بسزایی در حفظ سلامت روح و روان و تربیت صحیح نسل‌های آینده ایفا کند.

۲. استبداد رأی و عدم نصیحت‌پذیری

از جمله پیامدهای اخلاقی لقمه حرام و اثراتی که ناشی از تغذیه حرام در اندیشه و افکار افراد خانواده دارد، به طوری که نتیجه افکار و اندیشه در رفتار آنان ظهور و بروز پیدا

می‌کند، عدم نصیحت‌پذیری و استبداد رأی افراد خانواده است؛ زیرا حرام‌خواری، بر عقاید و اعمال آدمی تأثیری بسیار زیان‌بار دارد و راه سعادت و خیر و فلاح را بر او می‌بندد و چنان او را سرگرم دنیا و سرسپرده شیطان می‌کند که حتی حاضر نمی‌شود به سخنان حق که از سوی بهترین افراد ایراد می‌گردد، گوش فرا دهد. چنانکه در بیانات مقام معظم رهبری به مصداق‌های چنین افرادی اشاره شده و فرموده‌اند:

در دوران قدیم، سلاطینی بودند که با استبداد رأی حکومت می‌کردند؛ بدون اینکه قانونی برایشان وجود داشته باشد. قانون را هم خودشان وضع می‌کردند و اراده آنها کارگزار و حاکم مطلق در بین مردم بود (بیانات رهبری، ۱۳۶۹، خطبه‌های نماز جمعه تهران). و نیز آنانکه به دستور یزید به جنگ با امام حسین علیه السلام برخاستند، به حرام‌خواری آلوده بودند. این حرام‌خواری، چشم و دل و اندیشه آنان را در هم نور دیده و نقش حقیقت و صداقت را از ذهن‌شان زدوده بود و دچار استبداد رأی شده و حتی نصیحت امام معصوم علیه السلام را گوش فرا ندادند. امام حسین علیه السلام در روز عاشورا کوشید تا با نصیحت و موعظه، لشکر عبیدالله بن زیاد را از زشت‌کاری‌شان آگاه کند و از ادامه راهی که در آن لغزیده‌اند، باز دارد؛ اما آنان با غوغا و جنجال، مانع رسیدن صدای امام علیه السلام به گوش خود شدند. امام رو به آنان کرد و فرمود:

«أَدْعُوكُمْ إِلَى سَبِيلِ الرَّشَادِ فَمَنْ أَطَاعَنِي كَانَ مِنَ الْمُرْشِدِينَ وَمَنْ عَصَانِي كَانَ مِنَ الْمُهْلَكِينَ وَكُلُّكُمْ عَاصٍ لِأَمْرِي غَيْرُ مُسْتَمِعٍ قَوْلِي فَقَدْ مُلِئْتُ بِطُغْيَانِكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَطُبِعَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَبَلَّغْتُكُمْ أَلَّا تُنْصِتُونَ أَلَّا تَسْمَعُونَ؛ شما را به راه رشد فرا می‌خوانم؛ هر که اطاعت می‌کند، رستگار است و هر که نافرمانی‌ام کند، در زمره هلاک‌شدگان قرار می‌گیرد. همه شما فرمان مرا سرپیچی می‌کنید؛ به سخنانم گوش فرا نمی‌دهید؛ البته (حق دارید، چرا که) شکم‌هایتان از حرام پر شده است؛ در نتیجه خداوند بر دل‌های شما مهر زده است (و هرگز حقایق را درک نمی‌کنید)؛ شما چرا ساکت نمی‌شوید؛ چرا گوش نمی‌دهید و نمی‌شنوید؟!» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵، ص ۸).

لقمه حرام تأثیر عمیقی بر اندیشه و تفکر افراد خانواده دارد و می‌تواند به شکل‌گیری باورها و رفتارهای نادرست منجر شود. این نوع تغذیه، به جای تقویت ارزش‌های اخلاقی





و تقوایی، انسان‌ها را در مسیری قرار می‌دهد که از نصایح حق و اندرزهای مشفقانه غافل می‌شوند و در برابر حقایق، سرسختی می‌ورزند. به‌طور خاص، حرام‌خواری موجب ایجاد روحیه استبداد رأی در افراد می‌شود؛ چرا که افراد با پر شدن شکم از لقمه‌های حرام، دچار قساوت قلب می‌شوند و قدرت تشخیص حق از باطل را از دست می‌دهند. مقام معظم رهبری در بیانات خود به سابقه تاریخی افرادی اشاره می‌کند که به دلیل پر بودن شکم‌شان از حرام، توان شنیدن حقیقت را نداشتند. این وضعیت، بستر را برای تربیت فرزندان به گونه‌ای فراهم می‌آورد که آنها نیز در آینده به عدم پذیرش نصیحت و نیز خودرأیی دچار شوند؛ که این خود یک چرخه باطل و نگران‌کننده است. در نتیجه، لقمه حرام نه تنها بر اندیشه فرد تأثیر منفی می‌گذارد؛ بلکه بر تربیت اخلاقی نسل‌های آینده نیز آثار و خیمی به جا می‌گذارد.

د) غفلت‌زدگی

از پیامدهای اخلاقی لقمه حرام، و تأثیر آن در بُعد اندیشه و افکار افراد خانواده، غفلت‌زدگی است. بر اثر غفلت‌زدگی، افراد خانواده بی‌تقوایی پیش گرفته، و از تربیت صحیح فرزندان غفلت می‌کنند.

در اثر لقمه حرام کار به جایی می‌رسد که صفات رذیله و ارتکاب گناه در خانواده به عنوان یک ارزش جلوه می‌کند. بی‌حیایی و دوری از عفت و غیرت برای برخی ارزشمند می‌شود و گناهان و ناهنجاری‌هایی نظیر؛ دروغ، غیبت و تهمت به عنوان ارزش‌های جدید جلوه می‌کند که ریشه در حرام‌خواری دارد. مثلاً کوتاهی در انجام وظیفه، کم‌کاری در محل کار و رشوه‌خواری برای آنها عادی است. ربا می‌دهند و ربا می‌گیرند؛ گران‌فروشی و کم‌فروشی می‌کنند؛ اقلام مورد احتیاج مردم را احتکار می‌کنند و غش در معامله فراوان است. از پرداخت واجبات مالی، نظیر خمس و زکات نیز خودداری می‌کنند. در چنین خانواده‌ای، تربیت دینی فرزندان ممکن نخواهد بود؛ زیرا فرزندان با خوردن غذای حرام، نه تنها راجع به دین کسل و غافل می‌شوند؛ بلکه سقوط خواهند کرد. افرادی که غذای حرام به خورد خانواده خود می‌دهند، در روز قیامت بیش از

دیگران حسرت می‌خورند؛ زیرا فرزندان و خانواده آنها شکایت می‌کنند که خدایا ما منحرف شدیم و شکایت این پدر را به تو می‌کنیم؛ برای اینکه او غذای حرام به خانه آورد و ما خوردیم و منحرف شدیم. می‌گویند: خدایا! حق ما را از او بگیر؛ زیرا او از راه حرام به ما غذا می‌داد. غذای حرام انسان را به سقوط می‌کشانند. اولین سقوطش آن است که یک حالت غفلت برای او پیدا می‌شود و باعث می‌گردد که دیگر حال عبادت نداشته باشد. دیگر از نماز لذت نبرد. و در نهایت سقوطش به آنجا می‌رسد که از گناه لذت می‌برد و رابطه با خداوند برایش مشکل است. دیگر توفیق خواندن نماز شب را ندارد؛ بلکه توفیق خواندن نماز اول وقت هم را از دست می‌دهد و به آنجا می‌رسد که کار زشت برای او کار خوب می‌شود (انصاریان، بی‌تا، ج ۵، ص ۱۱۴).

پیدایش غفلت زدگی می‌تواند از پیامدهای اخلاقی لقمه حرام باشد که تأثیر عمیق و مخربی بر اندیشه و رفتار خانواده دارد. این غفلت موجب می‌شود که ناهنجاری‌هایی مانند دروغ‌گویی و بی‌حیایی به عنوان ارزش‌های جدید پذیرفته شوند. فرزندان در فضایی پرورش می‌یابند که حرام‌خواری، طبیعی جلوه می‌کند و همین امر به انحرافات رفتاری و فکری آنها منجر می‌شود. غفلت از اصول اخلاقی و دینی در خانواده، مانع تربیت صحیح فرزندان خواهد شد. مقام معظم رهبری به بیداری و عدم غفلت تأکید می‌کنند؛ زیرا غفلت از خداوند و آموزه‌های دینی، بزرگ‌ترین عذاب برای یک جامعه است. در نتیجه، رعایت حلال و حرام و توجه به تربیت اخلاقی ضروری است، تا از انحراف نسل جوان جلوگیری شود.

بنابراین لقمه حرام به عنوان یک عامل تأثیرگذار بر سلامت اخلاقی خانواده، می‌تواند منجر به غفلت زدگی و انحراف از اصول اخلاقی و دینی شود. این غفلت، زمینه‌ساز پذیرش ناهنجاری‌های اخلاقی در میان فرزندان است. با این حال، غفلت یک پدیده چند وجهی است و نمی‌توان آن را به طور قطع به لقمه حرام نسبت داد. مقام معظم رهبری بر بیداری و آگاهی تأکید می‌کنند؛ زیرا غفلت از آموزه‌های دینی عاقبت شومی دارد. برای مقابله با این چالش، تربیت اخلاقی قوی در خانواده و آگاهی‌دهی در مورد تأثیرات منفی لقمه حرام، ضروری است تا نسل جوان را از انحراف رفتاری و فکری محافظت کند.





۵) جهل مرکب

یکی از پیامدهای اخلاقی لقمه حرام و تأثیر آن در اندیشه افراد خانواده، فرو رفتن در جهل مرکب است. جهل مرکب در بیانات مقام معظم رهبری یعنی طبق يك بينش بسيار تنگ نظرانه و غلط چیزی را برای خود دین اتخاذ کردن و در راه آن دین، زدن و کشتن و مبارزه کردن است. بیانات رهبری، ۱۳۷۰، سخنرانی در دیدار با اقشار مختلف مردم در روز بیست و نهم ماه مبارک رمضان). جهل مرکب معنای دیگری نیز دارد که چندان مصطلح نیست و البته دارای زیان کمتری است و آن بی خبری از جهل و ناآگاهی خویش است. به این معنا که جاهل نمی داند که جاهل است. این حالت، در واقع یکی از مصادیق غفلت است؛ زیرا گرفتار بدان، از جهل خویش غافل است؛ ولی امکان تنبه و هوشیاری او بیش از حالتی است که در بیان معنای مشهور جهل مرکب گفته شد (مظاهری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۶۶). به فرموده قرآن کریم و رشکسته ترین افراد، همین افراد هستند:

«قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا، الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا؛ بگو: آیا شما را خبر دهم که زیان کارترین مردم کیست؟ آنانکه در زندگی دنیا تلاش شان گم و نابود می شود؛ در حالی که می پندارند (هم چنان) کار شایسته و نیک انجام می دهند» (سوره کهف، آیه ۱۰۳ و ۱۰۴).

اگر کسی جهل مرکب دارد و راه خطا برود و نفهمد که خطا می رود، خاسر است؛ لیکن همین خاسر، خسارنش قابل زوال است و امید نجات دارد. اما اگر راه خطا رفت و به غیر حق اصابت کرد و همان باطل را پذیرفت، تا آنجا که وقتی حق هم برایش جلوه کرد، از آن اعراض کرد و دل باخته استکبار و تعصب جاهلانه خود بود؛ چنین کسی از هر خاسری خاسرتر است و عملش از عمل هرکس دیگری بی نتیجه تر است؛ زیرا این خسارانی است که زایل نمی شود و امید نمی رود که روزی مبدل به سعادت شود.

و اینکه کسی با روشن شدن بطلان اعمالش، باز هم آن را حق بیندارد، از این جهت است که دلش مجذوب زینت های دنیا و زخارف آن شده و در شهوات غوطه ور گشته است. لذا همین انجذاب به مادیت، او را از میل به پیروی حق و شنیدن داعی آن و پذیرفتن ندای منادی فطرت باز می دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۵۴۷).

بنابراین از پیامدهای اخلاقی لقمه حرام و تأثیر آن در بُعد اندیشه افراد خانواده، جهل مرکب است؛ زیرا زشتی را زیبایی پنداشته و سعی در مسیر ناحق را صواب پنداشته و فرزندان خود را نیز بر اساس جهل و پندارگرایی می‌پروراند، که طبق آموزه‌های قرآن کریم و رهنمودهای رهبرانقلاب اسلامی چنین فردی زیان‌کارترین مردم است. لقمه حرام به عنوان یک عامل مهم در ایجاد جهل مرکب در افراد و خانواده‌ها شناخته می‌شود. مطابق فرمایش مقام معظم رهبری، جهل مرکب به وضعیت فردی اطلاق می‌شود که با تنگ‌نظری و برداشت‌های نادرست، به توجیه رفتارهای زشت و ناپسند می‌پردازد. چنین افرادی به دلیل غفلت از حقیقت، زشتی‌های اعمال خود را زیبا و صحیح پنداشته و در مسیر نادرست قدم می‌گذارند. به تبع، این وضعیت بر تربیت فرزندان نیز تأثیر منفی داشته و آنان را در محیطی سرشار از پندارهای غلط بزرگ می‌کند. در نتیجه، این نوع جهل نه تنها به خسران فردی، بلکه به زوال هویتی و اعتقادی در خانواده منجر می‌شود. لذا توجه به مفهوم لقمه حرام و آگاهی از تبعات آن در ابعاد اخلاقی و اجتماعی بسیار حائز اهمیت است.

ب) تأثیر تغذیه حرام در رفتار مادر

۱. ضعف جسمی و کوتاهی در امر واجبات و انجام وظایف

از پیامدهای اخلاقی لقمه حرام و تأثیر آن در رفتار افراد خانواده، ضعف جسمی است، که اثر آن کوتاهی در امر واجبات و انجام وظایف است. همچنین امام رضا (ع) فرموده است:

«وَحَرِّمَتِ الْمَيْتَةَ لِمَا فِيهَا مِنْ فَسَادِ الْأَبْدَانِ وَالْأَفَاقَةِ؛ خوردن مردار حرام است؛ زیرا

سبب تباهی و آفت بدن می‌گردد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۴، ص ۱۰۲).

بنابراین تغذیه حرام سبب ضعف و سستی بدن افراد خانواده شده و این سستی، از عوامل زمینه‌ساز کوتاهی آنان در انجام واجبات و وظایف است.

در بیانات مقام معظم رهبری به اهمیت سلامتی بدن اشاره شده و فرموده اند:

انسان همه دنیا را برای چه می‌خواهد؟ برای این می‌خواهد که جسم او سالم باشد،





بیماری نداشته باشد و امنیت داشته باشد و شکمش خالی نباشد» (بیانات رهبری، دی‌ماه ۱۳۸۲، شرح حدیث در ابتدای جلسه درس خارج فقه). و با اینکه مادران نیز نیاز به غذای سالم دارند تا شکم‌شان سیر بماند و جسم سالم داشته باشند؛ ولی طبق رهنمودهای مقام معظم رهبری که فرمودند: «غذای حرام نمی‌خورد، غذای با چپاول و زور و ظلم به دست آمده را به لب نزدیک نمی‌کند» (بیانات رهبری در دیدار جمعی از کارگران و معلمان کشور، اردیبهشت ۱۳۷۵).

لقمه حرام به عنوان یکی از عوامل اصلی در ایجاد ضعف جسمی و کوتاهی در انجام واجبات و وظایف شناخته می‌شود. طبق فرمایش مقام معظم رهبری، سلامتی بدن برای انسان اهمیت بسزایی دارد و او علاوه بر نیاز به غذا، به غذای سالم و حلال نیازمند است. در این راستا، مصرف غذاهای حرام و چپاولی، نه تنها به فساد جسم منجر می‌شود؛ بلکه توانایی فرد را در انجام مسئولیت‌ها و واجبات کاهش می‌دهد. از این رو، ضعف جسمی ناشی از لقمه حرام می‌تواند به سستی در انجام وظایف دینی و اخلاقی منجر شود و این امر بر کیفیت زندگی خانواده تأثیر منفی می‌گذارد.

۲. از بین رفتن شرط قبولی دعا و عبادات

عدم قبولی نماز یکی از پیامدهای اخلاقی لقمه حرام و تأثیر آن در رفتار و اعمال افراد خانواده است. قبولی نماز شرایط زیادی لازم دارد که انسان باید رعایت کند؛ از جمله حضور قلب و صفای باطن، اما لقمه حرام، پاکی دل و صفای باطن را از افراد خانواده می‌گیرد. نماز نقش سرنوشت‌ساز در دوجهان برای هر انسانی دارد و اولین سؤالی که از انسان در روز قیامت خواهد شد، درباره نماز است.

رسول خدا ﷺ فرمودند: «مَنْ أَكَلَ لُقْمَةً حَرَامًا لَمْ تُقْبَلْ لَهُ صَلَاةٌ أَزْبَعِينَ لَيْلَةً؛ وَلَمْ تُسْتَجَبْ لَهُ دَعْوَةٌ أَزْبَعِينَ صَبَاحًا وَكُلُّ لَحْمٍ يُنْبِئُهُ الْحَرَامُ فَالْتَّائِ أُولَى بِهِ؛ نماز کسی که لقمه‌اش حرام است، تا چهل روز از ارزش چندانی برخوردار نیست؛ و تا چهل روز دعای او مستجاب نمی‌گردد و هر مقدار از بدن که پرورش یافته لقمه حرام باشد، سزاوار آتش و سوختن است (ابن فهد حلی، ۱۰۴۷، ص ۱۴۱).

و همچنین لقمه حرام علاوه بر عدم قبولی نماز، باعث عدم استجابت دعا می‌گردد. در حدیثی قدسی آمده است که خداوند متعال می‌فرماید: «فَمِنْكَ الدُّعَاءُ وَعَلَيَّ الْإِجَابَةُ فَلَا تَحْجُبْ عَنِّي دَعْوَةً إِلَّا دَعْوَةَ آكِلِ الْحَرَامِ؛ بنده من! تو دعا کن، من اجابت می‌کنم؛ بدان که تمام دعاها به پیشگاه اجابت من می‌رسد؛ مگر دعای کسی که مال حرام می‌خورد» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲۸).

بنابراین یکی از پیامدهای لقمه حرام در رفتار و اعمال افراد خانواده، از بین رفتن شرط قبولی عبادات است. و انسان زمانی که نماز خود را با طهارت باطنی به جا نیاورد، قطعاً از آن آثار تربیتی و آرامش روحی که از نماز نصیب انسان می‌شود، محروم مانده و در زندگی دچار پریشانی، افسردگی شده و در اثر این فشارهای روحی، مستحبات و نماز اول وقت را نیز از دست خواهد داد. در حالی که نماز اول وقت و انس با ذکر الهی در برنامه زندگی انسان بسیار تأثیرگذار است. چنان که مقام معظم رهبری به مصداقی از انس با ذکر الهی و نماز اول وقت امام خمینی (ره) اشاره کرده و فرموده اند:

«ایشان تا آخرین لحظات حیاتشان، ذکر و نماز و دعا را از دست ندادند. حاج احمد آقا فرزند عزیز حضرت امام می‌گفتند پیش از ظهر روز آخر حیات امام (ره)، ایشان روی تخت دائماً نماز می‌خواندند. مدتی گذشت، پرسیدند: ظهر شده است؟ گفتم: بله. آن وقت خواندن نماز ظهر و عصر با نوافلش را شروع کردند. بعد از اتمام نماز، مشغول ذکر گفتن شدند و تا لحظاتی که در حالت اغما به سر می‌بردند، مرتب پشت سر هم می‌گفتند: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله أكبر». این کار برای ما درس است؛ باید به کارها و روحیات او توجه کنیم و از آن درس بگیریم» (بیانات رهبری، سال ۱۳۶۸، سخنرانی در مراسم بیعت فرماندهان و اعضای کمیته‌های انقلاب اسلامی).

بنابراین لقمه حرام شرط قبولی نماز و دعا را از بین می‌برد و آثار منفی بر رفتار افراد خانواده می‌گذارد. عدم طهارت باطنی ناشی از تغذیه حرام، آرامش روحی را سلب و به پریشانی و افسردگی می‌انجامد. این امر، انجام مستحبات و نماز اول وقت را نیز دشوار می‌کند. تربیت دینی فرزندان در چنین خانواده‌ای، به شدت آسیب‌پذیر است. رفتارهای ناپسند و عدم توجه به ارزش‌های دینی از پیامدهای آن است. بنابراین توجه به حلال و





حرام در تغذیه، امری ضروری برای سلامت روحی و تربیت صحیح فرزندان است.

نتیجه گیری

پژوهش حاضر در پی بررسی پیامدهای اخلاقی لقمه حرام و تأثیر آن بر اندیشه و رفتار خانواده از دیدگاه مقام معظم رهبری بود. این تحقیق بر مبنای روایات دینی و آموزه‌های مقام معظم رهبری و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و ابزار فیش برداری، به تبیین تأثیر لقمه حرام بر خانواده و به‌ویژه بر جنبه‌های اخلاقی آن در ابعاد مختلف اندیشه، رفتار و گفتار پرداخت. یافته‌های این تحقیق نشان داد که لقمه حرام تأثیرات منفی قابل توجهی بر اندیشه و رفتار خانواده‌ها دارد و از این جهت دارای پیامدهایی است که باید به دقت مورد توجه قرار گیرد.

در بعد اندیشه، لقمه حرام باعث غفلت، استبداد رأی و جهل مرکب می‌شود. این امر به‌ویژه در اندیشه‌های خانوادگی و تصمیمات پدر و مادر در تربیت فرزندان مشاهده می‌شود. تغذیه حرام به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار، موجب فساد اندیشه‌ها و ایجاد ابهام در تشخیص صحیح از ناصحیح می‌شود. در بعد رفتار، رفتار افراد خانواده تحت تأثیر لقمه حرام، دچار بی‌عادل‌ی و عدم صداقت می‌شود؛ این امر به‌ویژه در ارتباطات خانوادگی و تعاملات اجتماعی آنها مشاهده می‌گردد. در نتیجه، اعضای خانواده از آرامش روحی و معنوی که می‌تواند از اعمال عبادی ناشی شود، محروم می‌گردند. در بعد گفتار، لقمه حرام باعث کاهش صداقت در گفتار افراد می‌شود که این مسئله بر روابط خانوادگی و اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد.

با توجه به یافته‌های تحقیق، می‌توان گفت که لقمه حرام بر تمام جنبه‌های اخلاقی فرد و خانواده تأثیرگذار است. این تأثیرات هم در سطح فردی و هم در سطح خانوادگی، به‌طور مستقیم بر کیفیت روابط خانوادگی، تربیت فرزند و رفتارهای اجتماعی اثر می‌گذارد. فرضیه‌های تحقیق مبنی بر اینکه لقمه حرام می‌تواند بر اندیشه و رفتار خانواده تأثیر منفی بگذارد، به‌طور قطعی تأیید می‌شود. یافته‌ها نشان داد که تأثیرات منفی لقمه حرام در ابعاد مختلف اندیشه، رفتار و گفتار در خانواده‌ها واضح و مستند

است. همچنین فرضیه‌های دیگر مبنی بر اینکه لقمه حرام می‌تواند عاملی برای تضعیف اخلاقی افراد خانواده باشد نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد.

نتایج این تحقیق خلاءهای علمی موجود در زمینه تأثیرات تغذیه بر رفتار و اخلاق خانواده را پر کرده است. این تحقیق با استناد به منابع دینی و روایات مقام معظم رهبری، شکاف‌های موجود در پژوهش‌های قبلی را شفاف کرده و به‌ویژه توجه به اهمیت تغذیه حلال در تربیت اخلاقی خانواده‌ها را برجسته ساخته است.

پیشنهاد می‌شود که پژوهشگران در آینده به بررسی تأثیرات لقمه حرام بر جنبه‌های دیگر زندگی اجتماعی و روان‌شناختی افراد، مانند تأثیر آن بر روابط شغلی، اجتماعی و یا حتی بر روحیه‌های جمعی در جوامع مختلف بپردازند. همچنین تحقیقات بیشتری در مورد تأثیر لقمه حرام بر فرزندپروری و نحوه تأثیر آن بر رفتار و اخلاق کودکان و نوجوانان لازم است. در بخش کاربردی، به‌ویژه در جوامعی که مشکلات اخلاقی و رفتاری ناشی از تغذیه حرام در آنها مشهود است، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌دهی در زمینه اهمیت تغذیه حلال در خانواده‌ها تقویت گردد. برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های آموزشی با محوریت اخلاق اسلامی و تغذیه حلال، می‌تواند به‌طور قابل توجهی بر ارتقاء رفتار و اندیشه‌های صحیح خانوادگی تأثیر گذارد.

محدودیت‌های این تحقیق شامل استفاده از منابع کتابخانه‌ای و فیش‌برداری به‌عنوان تنها ابزار جمع‌آوری اطلاعات بوده است. همچنین به دلیل عدم دسترسی به داده‌های تجربی در برخی مناطق خاص و یا عدم امکان مطالعه بر روی گروه‌های وسیع‌تری از خانواده‌ها، تحقیق نتوانسته است تأثیرات دقیق‌تر و همه‌جانبه‌تری را در این زمینه مورد بررسی قرار دهد. برای رفع مشکلات ناشی از تغذیه حرام و بهبود اخلاق خانوادگی، باید فرهنگ‌سازی و آگاهی‌دهی در مورد اهمیت تغذیه حلال به‌ویژه در سطح مدارس، رسانه‌ها و درون خانواده‌ها تقویت شود. تقویت اصول اخلاقی و دینی در خانواده‌ها می‌تواند گامی مؤثر در ایجاد جوامعی با روابط انسانی سالم و اخلاقی باشد.

در نهایت، این تحقیق نشان می‌دهد که توجه به مسئله لقمه حرام، نه تنها در حوزه فقه و دین، بلکه در جنبه‌های اجتماعی و روان‌شناختی نیز از اهمیت بالایی برخوردار



است. با پیروی از آموزه‌های مقام معظم رهبری در زمینه تغذیه حلال، می‌توان به ارتقاء اخلاق فردی و اجتماعی کمک کرد و مشکلات اخلاقی ناشی از تغذیه حرام را کاهش داد.



منابع

۱. قرآن.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون أخبار الرضا علیه السلام، محقق، مهدی لاجوردی، تهران، بی نا، ۱۳۷۸.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، محقق، علی اکبر غفاری، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق، علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، محقق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۶. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عدة الداعی و نجاح الساعی، محقق، احمد موحدی قمی، بی جا، دارالکتب الإسلامی، ۱۴۰۷.
۷. انصاریان، حسین، عرفان اسلامی، محقق محسن فیض پور، قم، دارالعرفان، بی تا.
۸. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، العلوم و المعارف والأحوال من الآیات والأخبار و الأقوال (مستدرک سیده النساء إلى الإمام الجواد، ج ۴۵، محقق / مصحح، محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، قم، مؤسسه الإمام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، بی تا.
۹. حسینی دشتی، مصطفی، فرهنگ معارف و معاریف (دایره المعارف جامع اسلامی)، ج ۷، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۷۹.
۱۰. حسینی، علی، ورزش، تغذیه، فیزیولوژی سلامت، قم، احسن الهدی، ۱۳۷۸.
۱۱. دستغیب، عبدالحسین، استعاذه، قم، نشر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴.
۱۳. رضائی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت، انتشارات کتاب



- مبین، ۱۳۴۱.
۱۴. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسة آل البيت عليه السلام، ۱۴۰۹.
۱۵. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، محقق، مؤسسة آل البيت عليه السلام، قم، مؤسسة آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۹.
۱۶. شیخ حرعاملی، محمدبن حسن، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، مشهد، آستانة الرضوية المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۴.
۱۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، مترجم سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم چاپ پنجم، ۱۳۷۴.
۱۸. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، محقق علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۶۰.
۱۹. عمید، حسن، فرهنگ لغت عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۱.
۲۰. قمی، شیخ عباس، سفینه البحار، قم، انتشارات اسوه، ۱۴۱۴.
۲۱. قمی، شیخ عباس، مقامات العلیة فی موجبات السعادة الأبدیة، قم، کنگره بزرگداشت محدث قمی، بی تا.
۲۲. کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی، و رضا فاضل، چاپ شانزدهم، تهران، سمت، ۱۳۸۴.
۲۳. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، قم، دارالحديث، ۱۴۲۹.
۲۴. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۲۵. مجلسی، محمدباقربن محمدتقی، عین الحیات، قم، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰.
۲۶. مظاهری، حسین، کاوشی نو در اخلاق اسلامی و شؤون حکمت عملی، مترجم، محمود ابوالقاسمی، حمیدرضا، تهران، ذکر، ۱۳۸۳.
۲۷. مفید، محمدبن محمد، الاختصاص، محقق، علی اکبر غفاری، قم، انتشارات المؤتمر العالمي لالفیة الشيخ المفید، ۱۴۱۳.

۲۸. نراقی، احمد بن محمد مهدی، معراج السعادة، قم، نشر مؤسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۸.
۲۹. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت علیه السلام، ۱۴۰۸.
۳۰. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، موسوعة ورام، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰.



دعوت فرزندان به نماز

محمدحسین باقری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۶

چکیده

نماز از باشکوه‌ترین و مهم‌ترین واجبات الهی است که مقدم بر سایر دستورات الهی معرفی گردیده است. از لوازم اجرای صحیح و کامل این دستور الهی، دعوت به موقع مکلفین خصوصاً نومکلفان - کودکان و نوجوانان - است. اگرچه تجویز یک نسخه برای همه مکلفان به نحو موجبۀ کلیه صحیح نیست؛ اما پس از اثبات اهمیت دعوت به نماز، یافتن یک سن معیار می‌تواند خط‌کش مناسبی برای سنجیدن زمان مناسب دعوت به نماز در کودکان و نوجوانان باشد. در این تحقیق دلایل اهمیت دعوت فرزندان به نماز از دیدگاه قرآن، سنت و علما بررسی شده و وجوب امر و دعوت فرزندان به نماز برای والدین و دست‌اندرکاران تربیت به اثبات رسیده است. در بخش دوم با بررسی روایات این باب، با توجه به تفاوت‌های موجود میان کودکان در اعصار و مکان‌های مختلف، بهترین سن برای دعوت به نماز، زمانی معرفی شده که کودک، خدا، نماز و رابطۀ خود با خدا را هرچند در سطح بسیار سطحی، بفهمد.

کلیدواژه‌ها: صبی، کودک یا نوجوان، سن بلوغ، نماز

۱. کارشناسی ارشد / mesbah313b@gmail.com



مقدمه

بدون شک نماز از مهم‌ترین مناسک اسلامی به‌شمار می‌رود و کمتر عبادتی مثل آن مورد تأکید قرار گرفته است؛ به‌طوری‌که بسیاری از آیات قرآن کریم اختصاص به این فریضه الهی دارد. جدای از اهمیت یک موضوع، شیوه دعوت به آن نیز بسیار مهم است؛ خصوصاً در عبادت مهمی مثل نماز که ستون خیمه دین شمرده شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴ ص ۲۷). از طرفی محال است که شارع حکیم از بیان یک چنین امر مهمی صرف نظر کرده و به آن بی‌توجه بوده باشد. در تراث شیعه نیز احادیث زیادی پیرامون دعوت کودکان به نماز وجود دارد؛ اما چنان‌که باید، به این مسئله مهم پرداخته نشده و بسیاری از متدینین از اهمیت دعوت فرزندان خود به نماز بی‌اطلاع هستند یا حداقل سن مناسب برای این دعوت را نمی‌دانند؛ لذا گاهی قبل از موعد و گاه پس از موعد فرزندان خود را به این فریضه مهم الهی دعوت می‌کنند که نتیجه مطلوب را در پی ندارد. از این رو در تحقیق پیش‌رو سعی شده با روش‌های معهود در استنباط احکام، اهمیت دعوت به این فریضه مهم در مورد کودکان و نوجوانان ثابت شود و بهترین سن این دعوت از متون دینی استخراج گردد.

اهمیت دعوت به نماز در قرآن

اهمیت نماز به‌عنوان یکی از بزرگترین و یا بزرگترین عبادت دینی بر کسی پوشیده نیست؛ خصوصاً با وجود آیات و روایات متعددی که پیرامون اهمیت نماز وجود دارد. علاوه بر این می‌توان از کمیت آیات و روایات مرتبط با نماز، ضریب اهمیت آن را در مقایسه با سایر مناسک دریافت.

اما نکته‌ای که گاهی مورد غفلت قرار می‌گیرد، اهمیت این دعوت در بین کودکان و نوجوانان، و به عبارت بهتر نوجوانان است. پس از فحص در قرآن کریم، علاوه بر دعوت به نماز توسط خداوند متعال، با نمونه‌هایی از دستور خداوند به «امر به نماز» مواجه می‌شویم. برای مثال در آیه ۱۳۲ سوره مبارکه طه، خداوند متعال نبی مکرم اسلام ﷺ را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا»؛ و خانواده‌ات

را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی ورز.

حتی نبی مکرم اسلام ﷺ نیز مکلف است اهل بیت و خانواده خود را به نماز امر کند. نکته مهمی که قابل بیان است استعمال کلمه "امر" است. خداوند متعال از واژه "وصیه" یا مترادف آن در این آیه کریمه استفاده نکرده است؛ بلکه از واژه امر استفاده کرده است. واژه امر بر خلاف وصیه یا توصیه، اولاً در معنای خود حسب اختلاف موجود، مشروط به وجود علو یا استعلاست؛ یعنی در درون معنای امر برتری و درخواست انجام فعل به نحو دستور شرط شده و ثانیاً دلالت بر جدیت و پی گیری دارد. کسی که مأمور (به او امر شده) است، در صورت قصور مورد بازخواست قرار خواهد گرفت. به خلاف توصیه و وصیت، که معمولاً جنبه ارشادی دارد. از همین رو امر به نماز با خواهش و تمنا و نازکشیدن قابل جمع نیست و ظاهراً روش پیشنهادی قرآن برای دعوت به نماز با این روش متفاوت است. مضاف بر آن، صرف امر به نماز کفایت نمی کند و باید پس از امر، از انجام آن مطلع شد و پی گیری لازم را انجام داد.

البته این نکته لازم به ذکر است که زبان امر با تندی کردن و خشونت در کلام یا رفتار کاملاً متفاوت است. به عبارت دیگر، منظور از امر این است که کودک یا نوجوان متوجه تکلیفی بر ذمه خود بشود و بداند که وظیفه ای دارد و باید آن را انجام بدهد.

از قسمت دوم آیه مذکور «وَأُضْطَرُّ عَلَيْهِمَا» استفاده می شود که برای امر فرزندان به نماز، لازم است خود آمر هم اهل نماز باشد و بر آن صبر کند. پرواضح است که امر کردن به چیزی که خود انسان نسبت به آن ملتزم نیست؛ اولاً مطلوب شارع نیست و شارع آن را مذموم می داند و ثانیاً دارای نتیجه نیست و در فرد تأثیر مطلوب را نمی گذارد.

به عنوان نمونه دیگری از آیات مرتبط با دعوت به نماز می توان به آیه ۵۵ سوره مبارکه مریم اشاره کرد: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» و (اسماعیل علیهم السلام) اهل خود را به نماز و زکات امر می کرد و پروردگارش از وی راضی بود.

یکی از ویژگی هایی که خداوند با آن از بنده خود اسماعیل تعریف می کند این است که او امر به انجام نماز و پرداخت زکات می کرد. با مقداری جست و جو و مطالعه قرآن می بینیم که شیوه خداوند متعال در یادکردن از انبیاء خود، همیشه تعریف و تمجید از





ایشان است. حال از میان تمامی صفات برجسته حضرت اسماعیل خداوند ویژگی امر کردن ایشان به نماز را در قرآن بر می شمرد و ایشان را به عنوان نمونه ای برای مسلمانان معرفی می کند.

هرچند ظاهر، از اهل خانواده است؛ اما در برخی از تفاسیر مثل مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۷۲ هـ ش، ج ۶، ص ۸۰۱) و تبیان (طوسی، ۱۳۸۹ هـ ش، ج ۷، ص ۱۳۳) این احتمال نقل شده که ممکن است منظور از "أَهْلُهُ" امت حضرت اسماعیل بوده باشد؛ که البته به طریق اولی شامل خانواده نیز می شود و مدعای ما را ثابت می کند.

مثال دیگری از امر به نماز را می توان در سوره لقمان، آیات ۱۳ تا ۱۷ مشاهده کرد؛ زمانی که خداوند متعال حضرت لقمان را به عنوان الگو و نمونه معرفی می کند و برخی مواظط وی به فرزندش را بیان می فرماید: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ»؛ ای فرزندم نماز را به پادار و به کار نیک امر کن و از منکر نهی کن و بر آنچه به تو وارد می آید صبر نما.

بنابر نظر اکثر علماء حضرت لقمان پیامبر نبود اما به خاطر حکمت وی آیاتی شامل توصیه های او به فرزندش ذیل سوره ای به نام لقمان در قرآن کریم وجود دارد. در آیه ای که ذکر شد خداوند متعال امر فرزندان به نماز را از ویژگی های مهم حضرت لقمان بر می شمرد که باید به او اقتدا کرد و به روش آن حضرت تمسک کرد.

یکی دیگر از آیاتی که می توان به کمک آن وجوب امر به نماز را اثبات کرد، آیه ۶ سوره مبارکه تحریم است. خداوند متعال در این آیه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ» ای کسانی که ایمان آورده اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید، چنان آتشی که مردم (دل سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش افروز اوست ... بنا به اجماع فقها و اصولیون، امر ظاهر در وجوب است و به دورنگهداشتن خود و خانواده خود از آتش دوزخ یک واجب الهی است. از طرفی می دانیم که یکی از مهم ترین واجبات الهی نماز است که برای دور بودن از عذاب اخروی باید این وظیفه را انجام داد. نتیجه حاصل از استدلال فوق این است که دعوت خانواده به نماز به جهت دور ماندن از عذاب الهی واجب است.

تا اینجا ادله خاص قرآنی بر اهمیت دعوت و امر به نماز بیان شد؛ اما ادله دیگری نیز وجود دارد که می‌توان اسم آن را ادله عام قرآنی گذاشت. به عنوان مثال به دو نمونه از این ادله اشاره می‌کنیم.

دلیل اول

تقریباً در تمامی مواردی که انسان امر به نماز شده، واژه اقامه به همراه لفظ صلاه آمده است. خداوند متعال انسان را امر به اقامه نماز کرده، نه امر به انجام نماز. انجام نماز امری فردی است و هر انسانی باید تکلیف خود را نسبت به خداوند متعال انجام دهد؛ اما آنچه مورد تأکید خداوند متعال است یک مرحله بالاتر از آن، یعنی اقامه نماز است. اقامه یعنی برپایی و برگزاری نماز؛ و این مهم ممکن نیست مگر با وجود یک جماعت و عده و نفرات. ایجاد عده و نفرات هم جز با دعوت امکان پذیر نیست. و یکی از مستعدترین افراد برای قبول دستور نماز و اقامه کردن نماز کودکان و نوجوانان هستند که با تعلیم صحیح نماز می‌توان به سادگی آنها را به نماز دعوت کرد. بنابراین تمامی اوامر خداوند متعال نسبت به وجوب اقامه نماز، دلالت بر وجوب امر به نماز نیز دارد.

دلیل دوم

از دیگر ادله عام در اهمیت دعوت به نماز کودکان و نوجوانان در قرآن، می‌توان به آیات مرتبط با امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد، که تمامی مکلفان را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ به آنها دستور می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر کنند. قطعاً یکی از بالاترین معروف‌ها نماز و بدترین منکرها ترک آن است. لذا بر مسلمانان لازم است که امر به نماز و نهی از ترک آن کنند. و قطعاً کودکان و نوجوانان نیز باید مورد امر به معروف و نهی از منکر قرار گیرند. چه بسا که دعوت ایشان از اهمیت بیشتری برخوردار باشد؛ زیرا اولاً کودکان و نوجوان عموماً اصلاح پذیرتر هستند و ثانیاً این کودکان و نوجوان هستند که نسل آینده را تشکیل خواهند داد.



اهمیت دعوت به نماز در سنت

از دیگر راه‌های فهم اهمیت امر کودکان به نماز، احادیث و یا شیوه تربیتی حضرات معصومین علیهم‌السلام در دعوت فرزندان خود به نماز است. برخی از محدثین از جمله مرحوم کلینی (رحمه‌الله علیه) در کتاب شریف کافی (کلینی، ۱۴۲۹ هـ ق، ج ۶، ص ۴۳۲) بابتی را به نام صلاه الصبیان در کتب روایی آورده‌اند که این خود نشان‌دهنده اهمیت موضوع است. قبل از ورود به بررسی روایات، لازم به ذکر است که تمامی احادیثی که تقدیم خواهند شد در بیش از یکی از کتب اربعه شیعه نقل شده و یا به حد توان‌ترسیده، که ما را از بررسی سندی این احادیث بی‌نیاز می‌کند. همچنین لازم به ذکر است که روایات فراوان دیگری نیز در تأیید اهمیت امر به نماز وجود دارد که بررسی سندی آنها در مجال بحث نمی‌گنجد.

اولین روایتی که تقدیم خواهد شد در کتاب شریف کافی (کلینی، ۱۴۲۹ هـ ق، ج ۶، ص ۴۳۲) از امام صادق به نقل از پدر بزرگوارش امام باقر علیهما السلام نقل شده است. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: «إِنَّا نَأْمُرُ صَبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسٍ سِنِينَ، فَمُرُوا صَبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ؛ وَنَحْنُ نَأْمُرُ صَبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ بِمَا أَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ، أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْغَرْتُ، أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيَطِيقُوهُ، فَمُرُوا صَبْيَانَكُمْ - إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعٍ سِنِينَ - بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ، أَفْطَرُوا»؛ امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارشان فرمود: ما کودکان خود را در حالی که پنج ساله هستند به خواندن نماز امر می‌کنیم، و شما به اطفال خویش وقتی هفت ساله شدند، دستور نماز خواندن دهید. همچنین ما کودکان خود را هنگامی که هفت ساله شدند به گرفتن روزه امر می‌کنیم، بدان مقدار که از یک روز روزه می‌توانند؛ هرچند تا نصف روز یا بیشتر از آن و یا کمتر از آن باشد؛ و وقتی تشنگی یا گرسنگی بر ایشان غلبه کرد، افطار می‌کنند تا به این ترتیب به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند. شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند، به گرفتن روزه وادارید هرچقدر از یک روز را که می‌توانند روزه بگیرند، و وقتی تشنگی برایشان غلبه کرد روزه

خود را افطار کنند.

قبل از ذکر هر نکته‌ای پیرامون این حدیث لازم است به معنای "صبی" مراجعه کنیم. در کتاب مجمع البحرین (طریحی، ۱۳۷۵ هـ ش، ج ۱ ص ۲۶۰) می‌فرماید: «الصَّبِيُّ الصغير وهو من الواو. وفي القاموس: من لم يفطم بعد. وفي الصحاح: الغلام.....» و"الصَّبِيَّةُ" على فعيلة: الجارية». همچنین در کتاب لسان العرب (بن علی، ۱۴۱۴ هـ ق، ج ۱ ص ۴۵۰) چنین آمده: «وَالصَّبِيُّ: مَنْ لَدُنْ يُولَدُ إِلَى أَنْ يُفْطَمَ.» و در برخی از کتب نیز به طفلی که هنوز محتلم نشده، معنا شده است.

اگر بخواهیم بین همه این معانی جمع کنیم، باید گفت صبی شامل معنای کودک و نوجوان است؛ البته نوجوانی که هنوز به بلوغ نرسیده باشد. ظاهر صبی در فرد مذکر است، هم به قرینه اهل لغت و هم وجود صبیّه در برخی از استعمالات و هم به قرینه ادامه روایت که امام می‌فرمایند: (ما فرزندان خود را از هفت سالگی به روزه امر می‌کنیم به مقداری که از روزه طاقت دارند.... و شما فرزندان خود را در نه سالگی امر به روزه کنید تا جایی که طاقت دارند، پس اگر عطش بر آنها غلبه کرد افطار کنند). این در حالی است که اگر مراد از صبی اعم از مذکر و مؤنث باشد، امام باید تفصیل قائل می‌شدند؛ زیرا اکثر قریب به اتفاق علمای شیعه معتقدند که دختر پس از اتمام نه سالگی مکلف است و باید عبادات خود را به طور کامل انجام دهد. از همین رو مجالی برای افطار در صورت فشار تشنگی باقی نمی‌ماند.

روایت فوق در بخش تعیین سن برای دعوت به نماز نیز در ادامه این تحقیق مورد استناد قرار خواهد گرفت. اما آنچه مورد استفاده ما در این قسمت از تحقیق است، اولاً وجود بخش مهمی به نام صلاة الصبيان در کتاب کافی شریف است که نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است و ثانیاً این نکته که یکی از برنامه‌های تربیتی حضرات معصومین علیهم السلام در خانواده خود، امر کودکان و نوجوانان به نماز و روزه بوده است علاوه بر این در روایت تصریح شده که این برنامه مختص به خانواده اهل بیت علیهم السلام نیست و باید همه مومنین به این برنامه عمل کنند؛ زیرا ممکن است شخصی توهّم کند که این برنامه مختص خانواده معصومین و فرزندان ایشان است و

نمی‌توان یا نباید این برنامه را برای همه اشخاص توصیه کرد.

دومین روایت در کتاب تهذیب (محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ ه ق، ج ۲ صفحه ۱۰۵) آمده که به صورت دلالت تضمینی دلالت بر امر به نماز دارد.

عن أبي هارون المكفوف عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «يا ابا هارون إنا نأمر صبياننا بتسبيح فاطمة كما نأمرهم بالصلاة، فالزمه فإنه لم يلزمه عبد فشقى»؛ از ابوهارون مکفوف (نقل شده که) امام صادق علیه السلام فرمود: ای ابوهارون! ما کودکان خود را همان گونه که به نماز فرمان می‌دهیم به تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها نیز امر می‌کنیم... در این روایت اولاً کلمه صبیان آمده که معنای آن ذکر شد، و ثانیاً مضاف بر امر به نماز، امر به تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها نیز آمده است. یعنی ائمه علیهم السلام اقزون بر دعوت به نماز، فرزندان خود را به تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها نیز امر می‌کردند.

اهمیت دعوت به نماز فرزندان از باب تأثیر متقابل

انسان اساساً موجودی تأثیرپذیر و تأثیرگذار بر اطرافیان خود است. برخی بیشتر و برخی کمتر تأثیرپذیر هستند اما اصل وجود تأثیرپذیری از محیط در میان همه انسان‌ها وجود دارد؛ از همین رو است که در اسلام اهمیت ویژه‌ای به انتخاب همنشین، دوست و همسر داده شده است. یکی از افرادی که روی انسان تأثیرگذار است فرزند خود انسان است. فرزند در چند سאלه اول تولد، تمامی آموزش‌های خود را از خانواده فرامی‌گیرد و این بهترین فرصت برای تعلیم مفاهیم دینی است. خداوند متعال این بازه سنی را برای پدران و مادران قرار داده تا بتوانند به بهترین نحو معارف دینی و مناسک دینی را به فرزندان خود آموزش دهند. پس از طی این مرحله، تأثیر خانواده بر فرزند به مرور کاهش یافته و تأثیر فرزند بر والدین بیشتر می‌شود. شاید یکی از دلایل تأثیرگذاری فرزند بر والدین، محبت بسیاری است که نسبت به فرزند در نهان والدین وجود دارد.

در طول تاریخ مثال‌های زیادی از تأثیر فرزند بر پدر نقل شده است؛ برای مثال می‌توان به زیر اشاره کرد که طبق فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام (نهج البلاغه، سید رضی، ۱۳۷۲ ه ش، حکمت ۴۵۳)، زیر تا قبل از اینکه فرزند او - عبدالله - روی پدر

خویش تأثیر گذارد در مسیر حق و مسیر امیرالمؤمنین علیه السلام بود؛ اما پس از اینکه فرزندش بزرگ شد، پدرش را از مسیر حق جدا کرد.^۱

کمتر کسانی مثل حضرت نوح علی نبینا و آله و علیه السلام یافت می‌شوند که بتوانند در برابر تأثیر فرزندان مقاومت کنند. نکته قابل تأمل این است که ظاهراً عدم هدایت فرزند حتی بر خود حضرت نوح هم سنگین بود، به طوری که خداوند متعال در سوره هود آیه ۱۱ مستقیماً به حضرت نوح فرمود: «و لا تخاطبني في الذين ظلموا انهم مغرقون»؛ ای نوح در مورد ستم کاران - فرزند نوح - با من سخن مگو که همانا آنها از غرق شدگان هستند.

و در چند آیه بعد پس از بیان گفت‌وگوی بین حضرت نوح و فرزندش خداوند متعال می‌فرماید:

وَنَادَى نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (۴۵) قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۴۶) و نوح [پیش از توفان] پروردگارش را ندا داد و گفت: پروردگارا! به راستی که پسر من از خاندان من است و یقیناً وعده ات [به نجات خاندانم] حق است و تو بهترین داورانی (۴۵) [خدا] فرمود: ای نوح! به یقین او از خاندان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است، پس چیزی را که به آن علم نداری از من نخواه؛ همانا من تو را اندرز می‌دهم که مبادا از ناآگاهان باشی. این چنین است که ضرر عدم دعوت فرزندان به نماز می‌تواند در آینده‌ای نه چندان دور به خود انسان برگردد و اخلاق و گرایشات این فرزند در خود انسان اثر بگذارد. از همین رو بر والدین لازم است نهایت سعی خود را در تعلیم اخلاق و مناسک دینی به فرزندان انجام دهند.

دعوت به نماز در در نظر بزرگان

۱. نهج البلاغه حکمت ۴۵۳

وَقَالَ ﷺ: مَا زَالَ الرَّبُّ يُزْجِلُ مِنَّا أَهْلَ النَّبِيتِ، حَتَّى تَنشَأَ ابْنُهُ الْمُشْتَمُومُ - عَبْدُ اللَّهِ - . و فرمود ﷺ: زبیر همواره یکی از ما اهل بیت بود تا پسر نامیمون او عبد الله به جوانی رسید.





اهمیت نماز به عنوان واجبی بی بدیل انعکاساتی در فتاوای مراجع عظام تقلید دارد. برای مثال سؤال زیر از برخی مراجع عظام پرسیده شده است. پرسش: آیا بیدار کردن اعضای خانواده به خصوص بچه ها و همسر برای نماز صبح بر ما واجب است؟

آیت الله خامنه ای: اگر به نحوی باشد که بیدار نکردن آنها موجب سبک شمردن نماز باشد، لازم است.^۱

آیت الله سیستانی: بیدار کردن فرزندان تحت تربیت، واجب است.^۲
آیت الله مکارم شیرازی: واجب نیست، مگر اینکه آنها عادت به ترک نماز صبح کنند و آن را سبک بشمارند؛ در این صورت واجب است به نحو مطلوبی آنها را بیدار کنند.^۳
آیت الله فاضل لنکرانی: اگر خود آنها مراقب نماز هستند و بعضی وقت ها بیدار نشوند، بیدار کردن آنها واجب نیست؛ لیکن اگر خودشان مراقب نیستند، از باب امر به معروف و نهی از منکر باید آنها را برای نماز بیدار کنید.

در میان متفکرین اسلامی شهید مطهری مبسوط به این موضوع اشاره می کند و در کتاب آزادی معنوی (مطهری، ۱۳۸۴ ج ۲۳، ص ۵۲۹) خود می فرماید:

«خیلی دلم می خواهد ما به اهمیت نماز که عمود دین است پی برده باشیم. هیچ می دانید که ما مسئول نماز خواندن خاندان خودمان، یعنی زن و فرزند خودمان هستیم یا نه؟ هر فردی از ما، هم مسئول نماز خودش است و هم مسئول نماز اهلش، یعنی زن و بچه اش. خطاب به پیغمبر اکرم است: وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ای پیامبر! خاندان خود را به نماز امر کن و خودت هم بر نماز صابر باش. این اختصاص به پیامبر ندارد، همه ما به این امر موظف هستیم»

بچه ها را چه باید کرد؟ بچه ها را از کوچکی باید به نماز تمرین داد. دستور رسیده است که به بچه از هفت سالگی نماز تمرینی یاد بدهید. البته بچه هفت ساله نمی تواند

۱. تارنمای دفتر معظم له به نشانی LEADER.IR

۲. تارنمای دفتر استفتائات ایشان به نشانی SISTANI.ORG

۳. تارنمای دفتر استفتائات ایشان به نشانی MAKAREM.IR

نماز صحیح بخواند؛ ولی صورت نماز را می‌تواند بخواند. از هفت سالگی می‌تواند به نماز عادت شود؛ چه پسر و چه دختر. یعنی همان اولی که بچه به دبستان می‌رود، باید نماز را در دبستان به او یاد بدهند، در خانواده هم باید به او یاد بدهند.

«ولی باید توجه داشت که یاد دادن و وادار کردن با زور نتیجه‌ای ندارد. کوشش کنید که بچه‌تان از اول به نماز خواندن رغبت داشته باشد و به این کار تشویق بشود. به هر شکلی که می‌توانید موجبات تشویق بچه‌تان را فراهم کنید که با ذوق و شوق نماز بخواند؛ زیاد به او باریک‌الله بگویید، جایزه بدهید، اظهار محبت کنید که بفهمد وقتی نماز می‌خواند، بر محبت شما نسبت به او افزوده می‌شود. دیگر اینکه بچه را باید در محیط مشوّق نماز خواندن برد. به تجربه ثابت شده است که اگر بچه به مسجد نرود، اگر در جمع نباشد و نماز خواندن جمع را نبیند، به این کار تشویق نمی‌شود؛ چون اصلاً حضور در جمع مشوّق انسان است. آدم بزرگ هم وقتی خودش را در جمع اهل عبادت می‌بیند، روح عبادت بیشتری پیدا می‌کند. بچه که دیگر بیشتر تحت تأثیر است. متأسفانه کم رفتن ما به مساجد و معابد و مجالس دینی و اینکه بچه‌ها کمتر در مجالس مذهبی شرکت می‌کنند، سبب می‌شود که اینها از ابتدا رغبت به عبادت پیدا نکنند؛ ولی این برای شما وظیفه است.

اما اسلام که می‌گوید بچه‌ات را وادار به نماز خواندن کن، نمی‌گوید آقامآبانه فرمان بده، تشر بزن، دعوایش کن؛ نه؛ از هر وسیله‌ای که می‌دانید بهتر می‌شود برای تشویق او به عبادت و نماز خواندن استفاده کرد، شما باید استفاده کنید. باید ما با بچه‌های خودمان برنامه مسجد رفتن داشته باشیم تا آنها با مساجد و معابد آشنا بشوند. ما خودمان که از بچگی با مساجد و معابد آشنا بودیم، در این اوضاع و احوال امروز چقدر به مسجد می‌رویم که بچه‌های ما - که هفت ساله شده‌اند، به دبستان رفته‌اند و بعد به دبیرستان و بعد به دانشگاه، ولی اصلاً پایشان به مساجد نرسیده است - بروند. اینها قهراً از مساجد فراری می‌شوند. حالا ممکن است بگویید وضع مساجد خراب است، کثیف است، یا مثلاً يك روضه خوان می‌آید و حرف چنین و چنان می‌زند. آنها را هم وظیفه داریم که درست کنیم. وظیفه که در يك جا تمام نمی‌شود. وضع مساجد خودمان را هم



باید اصلاح کنیم. پس این را هم هرگز فراموش نکنید که ما وظیفه داریم نماز بخوانیم و وظیفه داریم که خاندان خودمان را هم نمازخوان کنیم به شکلی که به نماز راغب و تشویق بشوند؛ فواید و خاصیت نماز خواندن و در حدودی که می‌توانیم فلسفه نماز خواندن را برای بچه‌ها بگوییم».

بخش دوم: بهترین سن دعوت به نماز

از جمله سؤالات بسیار مهمی که ذهن هر پدر و مادر دغدغه‌مندی را به خود جلب می‌کند این است که بهترین سن امر فرزندان به نماز چه سنی است؟ شناخت بهترین زمان برای دعوت کودک به نماز می‌تواند ضامن التزام همیشگی وی به نماز باشد و تعجیل یا تاخیر بیش از اندازه می‌تواند زمینه عدم التزام وی به نماز را فراهم کند. لذا شناخت سن مناسب برای امر کودک به نماز بسیار مهم است.

قدر متیقن این است که با بلوغ شرعی پسر و دختر که هریک علائمی دارد، او باید تکالیف خود را به صورت کامل انجام دهد. نهایت این سن برای پسران اتمام ۱۵ سال قمری و طبق فتوای اکثر علماء برای دختران اتمام نه سال قمری است. روشن است که شروع جمیع تکالیف دینی همگی باهم و یک دفعه امری بسیار سخت و یا غیر ممکن است؛ از همین رو در شریعت اسلام با راهنمایی ائمه اطهار علیهم السلام مقدماتی برای آمادگی فرزندان جهت انجام واجبات ذکر شده است. هدف از این مقدمات، آماده کردن کودک برای انجام تکالیف خود پس از بلوغ است نه واجب کردن تکلیفی شرعی به ذمه وی. در برخی روایات هم به این نکته اشاره شده که امر فرزندان به نماز و روزه، پیش از بلوغ، به جهت آمادگی ایشان است، نه اینکه تکلیفی بر عهده ایشان وجود داشته باشد.

احادیث زیادی در باب زمان نماز خواندن فرزندان در تراث حدیثی ما وجود دارد که برخی تا سرحد تواتر رسیده، برخی مستفیضه و برخی خبر واحدند. همان‌طور که در بخش اول ذکر شد، ما در این تحقیق به احادیثی که از طریق کتب اربعه به ما رسیده و به سرحد تواتر یا استفاضه رسیده‌اند، یا دست کم دارای شهرت روایی در بین محدثین هستند؛ بسنده می‌کنیم. هرچند که عموم اخبار دیگر نیز، هم جهت با این احادیث و

دارای تغییراتی جزئی هستند که به سادگی می‌توان بین آنها جمع کرد.

حدیث اول

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، قَالَ: «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسٍ سِنِينَ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ؛ وَنَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعٍ سِنِينَ بِمَا أَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ، أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَالْعَرْتُ، أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَيَطِيقُوهُ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ - إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعٍ سِنِينَ - بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ، أَفْطَرُوا». (محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۴ ص ۲۸۲ حدیث ۸۵۳) امام صادق علیه السلام به نقل از پدر خود امام باقر علیه السلام فرمود: «ما کودکان خود را در حالی که پنج ساله هستند به خواندن نماز امر می‌کنیم، و شما به اطفال خویش وقتی هفت ساله شدند دستور نماز خواندن دهید. همچنین ما کودکان خود را هنگامی که هفت ساله شدند به گرفتن روزه امر می‌کنیم، بدان مقدار که از یک روز روزه می‌توانند؛ هرچند تا نصف روز یا بیشتر از آن و یا کمتر از آن باشد؛ و وقتی تشنگی یا گرسنگی بر ایشان غلبه کرد، افطار می‌کنند تا به این ترتیب به گرفتن روزه عادت کنند و توان گرفتن آن را بیابند. و شما نیز فرزندان خود را هنگامی که نه ساله شدند، به گرفتن روزه وادارید؛ هرچقدر از یک روز را که می‌توانند روزه بگیرند، و وقتی تشنگی برایشان غلبه کرد، روزه خود را افطار کنند».

احادیثی که در این باب آمده برخی فقط در مقام بیان حکم روزه در کودکان و برخی نماز و روزه است و ائمه علیهم السلام برای هر کدام دستوری به ما داده اند.

از بخش دوم روایت فوق - و برخی روایات دیگر که زمان دعوت به روزه را پس از ۹ سالگی معرفی می‌کند - فهمیده می‌شود که مقصود از صبی کودک و نوجوان پسر است، نه دختر؛ زیرا طبق فتوای اکثر فقها پس از تکمیل نه سال قمری، تکلیف بر دختر ثابت می‌شود و دیگر جواز افطار در صورت غلبه عطش و گرسنگی پیش از مغرب جایز نیست؛ مگر اینکه غلبه عطش و گرسنگی را به گرسنگی غیر قابل تحمل حمل کنیم که دور از



ظاهر است. این حدیث که در هر چهار کتاب شریف «کتب اربعه» و دیگر کتب حدیثی مشهور شیعه نقل شده است، به وضوح دلالت بر سن هفت سالگی جهت امر به نماز می‌کند. این حدیث با احادیث دیگر تربیتی که کودک را تا هفت سالگی سَیِّد (آقا) و پس از آن تا ۱۴ سالگی عبد معرفی می‌کند، هماهنگی دارد. به این صورت که در ابتدای هفت ساله دوم تربیت، که کودک پذیرای برخی از مسئولیت‌ها می‌شود و مجری دستورها و فرامین می‌گردد، نماز نیز جزئی از این تکالیف است و کودک باید این وظیفه را نیز انجام دهد.

در اینجا لازم به ذکر است که منظور از انجام نماز برای کودک، انجام کامل نماز مانند نماز یک فرد مکلف نیست؛ بلکه منظور این است که هیئت و شکل نماز خواندن را انجام دهد و سعی کند کم‌کم احکام نماز را فراگیرد و تا زمان بلوغ بتواند نماز را صحیح ادا کند. این مطلب در فحواي برخی احادیث که امر به نماز در کودکی را برای آمادگی کودک می‌دانند؛ وجود دارد. از طرفی دیگر انجام نماز با همه احکام ریز و درشتی که دارد بالمره برای یک انسان ممکن نیست؛ بلکه احتیاج به زمانی برای یادگیری و آماده شدن جهت انجام این تکلیف الهی دارد.

از این رو اگر زمانی هیئت نماز از کودک صادر شد و اصطلاحاً کودک حالت نماز خواندن به خود گرفت، اما احکام نماز را رعایت نکرد، به طوری که که باعث ابطال نماز وی شد؛ احتیاج به اعاده و یا حتی تذکر در دفعه اول نیست؛ بلکه به مرور و تا زمان بالغ شدن مکلف، باید این اشتباهات را برطرف کرد. حدیث فوق شاید معتبرترین حدیث در موضوع ما از حیث دلالتی و سندی باشد که به تصریح در آن به سن هفت سالگی جهت دعوت به نماز اشاره شده است.

حدیث دوم

أَنَّه - أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الصَّبِيِّ مَتَى يَصَلِّي عَلَيْهِ قَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ مَتَى تَجِبُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ فَقَالَ إِذَا كَانَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ وَالصِّيَامُ إِذَا أَطْلَقَهُ . (کلینی، ۱۴۲۹ هـ ق، ج ۲، ص ۲۰۶)؛ از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: چه وقت باید بر

طفل نماز میت خواند؟ فرمود: هرگاه که نماز را درك كند. گفتم: چه زمانی نماز بر او واجب می شود؟ فرمود: هنگامی که به سن شش سالگی برسد و روزه هنگامی بر او لازم می شود که توان گرفتن آن را داشته باشد.

در ابتدای این حدیث شریف از امام پیرامون سن وجوب خواندن نماز میت بر کودک سؤال می شود. و پس از آن راوی از امام درباره زمان وجوب نماز بر خود کودک سؤال می کند؛ که امام سن شش سالگی را معرفی می فرمایند. همان طور که قبلاً نیز ذکر شد، لفظ وجوب در اینجا به معنای وجوب فقهی نیست؛ بلکه به معنای همان لزوم تمرین و شروع نماز خواندن است.

نکته ای که در این مقام لازم به ذکر است، حل اختلاف بین حدیث اول و دوم در سن مطلوب برای امر به نماز است. طبق حدیث اول، بهترین سن برای دعوت به نماز هفت سالگی و طبق حدیث دوم بهترین سن شش سالگی است. و این نحو از اختلاف در بسیاری از احادیثی که در این باب وارد شده، وجود دارد. برای حل این اختلاف لازم است بدانیم که اولاً این عددها، عددهای تقریبی هستند و مانند سن تکلیف خود عددها موضوعیت ندارند.

ثانیاً همان طور که در حدیث چهارم خواهد آمد، ملاک اصلی در امر کودکان به نماز این است که نماز را بفهمد، به این صورت که بداند این کار او عبادتی در برابر خداوند متعال است، که در روایت از آن به عقل الصلاه تعبیر شده است. از همین رو تمامی عددهایی که برای سن دعوت به نماز عنوان شده، اصطلاحاً عنوان مشیر است و اشاره به سن درک نماز در کودکان است. به همین خاطر ممکن است حسب اختلاف جزئی در مخاطب یا ... امام سنین مختلف، اما نزدیکی را برای امر به نماز تعیین بفرمایند.

پس نتیجه می گیریم که معیار و ملاک سنینی که در روایت مطرح شده، سن عقل و فهم بچه ها نسبت به نماز است. لذا ممکن است یک یا دو سال در مخاطبین مختلف متفاوت باشد.



حدیث سوم

عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَمْ يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ «فِيمَا بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَبَسْتِ سِنِينَ» ... (محمد بن الحسن، ۱۴۰۷ هـ ق، ج ۲ ص ۳۸) از معاویه بن وهب: از ابوعبدالله صادق عليه السلام پرسیدم: در چه سنی کودکان را به نماز خواندن وادار کنیم؟ ابوعبدالله گفت: در فاصله شش سالگی تا هفت سالگی در بخشی از این حدیث نورانی که ذکر شد، سن شش تا هفت سالگی بهترین سن دعوت کودکان به نماز عنوان شده است که در تأیید دو حدیث اول است.

حدیث چهارم

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: فِي الصَّبِيِّ مَتَى يَصِلُ فَقَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ مَتَى يَفْعَلُ الصَّلَاةَ وَتَجِبُ عَلَيْهِ فَقَالَ لِبَسْتِ سِنِينَ . (همان) محمد بن مسلم نقل می کند که از امام صادق یا باقر عليهما السلام سؤال پرسیدم: در چه سنی نماز خواندن، بر کودکان واجب می شود؟ ایشان فرمود: موقعی که معنای نماز را درک کند. عرض کردم: در چه سنی می تواند معنای نماز را درک کند؟ ایشان فرمود: در سن شش سالگی. همان طور که ذیل حدیث دوم در حل مشکل تزامن بین حدیث اول و دوم ذکر شد، این حدیث شریف صریحاً به ضابطه اصلی در زمان امر به نماز که همان فهم کودک نسبت به نماز و نسبت عبودیت او با خداوند متعال است، اشاره می کند. البته پرواضح است که درک حقیقت نسبت عبودیت مقصود نیست؛ بلکه مقصود فهم سطحی از وجود خدا و عبادت اوست.

از مجموع روایات فوق و نیز بیش از ۵۰ حدیثی که پیرامون این موضوع در کتب مختلف روایی شیعه وجود دارد می توان نتیجه گرفت که هرچند سن ۶-۷ سالگی برای امر کودکان به نماز معرفی شده؛ اما با بررسی دقیق تر روشن می شود که ذکر این اعداد از باب عنوان مشیر است. یعنی این طور نیست که خود این اعداد به خودی خود موضوعیت داشته باشند؛ بلکه این اعداد اشاره کننده به سنی است که عموماً مخاطب در آن سن به فهم و درک نماز می رسد. از همین رو با پیشرفت فهم کودکان و افزایش

سطح ادارک می‌توان حتی در مواردی برخی کودکان را زودتر از شش سالگی دعوت به نماز کرد.

نتیجه‌گیری

یکی از وظایف مهمی که شارع مقدس بر عهده دست اندرکاران تربیت، خصوصاً پدر و مادر نهاده؛ امر و دعوت فرزندان به نماز است. آیات و احادیث زیادی برای اثبات این وظیفه برای پدر و مادر وجود دارد. به نحوی که بسیاری از محدثین در کتب حدیثی خود بابی را به نام باب صلاة الصبیان یا نماز کودکان را باز کرده‌اند. این تکلیف در بین نو مکلفان از اهمیت بیشتری برخوردار است و خانواده باید سعی کند از این فرصت جهت دعوت کودک به نماز استفاده کند.

برای تأثیر این امر باید قبل از امر پدر و مادر خودشان نیز اهل نماز باشند، تا امرشان بر کودک تأثیر بگذارد. البته این امر باید با زبان خوش و مهربانی باشد تا مؤثر واقع شود. اما بهترین سن دعوت به نماز برای کودکان سن شش تا هفت سالگی است و با نگاهی دقیق‌تر بهترین سن برای دعوت به نماز، سنی است که کودک معنا و مفهوم نماز را به صورت مجمل درک کند. یعنی بداند که نماز او عبادتی در برابر درگاه الهی یا برای شکرگزاری از اوست. وقتی کودک به این فهم رسید باید او را امر به نماز کرد و نماز خواندن را از او مطالبه کرد.

همچنین آن چیزی که از کودک در این سن خواسته شده، نماز مقبول صحیح نیست؛ بلکه از او خواسته می‌شود تا آنجایی که می‌تواند صورت صحیح نماز را انجام دهد و در فاصله چندسالی که تا بلوغ شرعی دارد، نقص‌ها و ایرادات نماز خود را اصلاح کند. در ضمن نماز خواندن برای وی به عادت تبدیل شود که به سادگی از وی سر می‌زند.





فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۹۰ ش، الکافی، دار الحديث
۳. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۶۵ ش، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۴. طوسی، محمد بن الحسن، ۱۳۶۵ ش، الإستبصار فیما اختلف من الأخبار (الاستبصار)، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، ۱۳۷۱ ش، من لایحضر الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۷ ش، وسائل الشعیه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام
۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ترجمه تفسیر مجمع البیان، تهران، انتشارات فراهانی
۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۷، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دار إحياء التراث العربی
۹. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۴ ش، تفسیر المیزان، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۸۴ ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (آزادی معنوی)، چاپ هفتم، قم، انتشارات صدرا
۱۱. طریحی، فخرالدین، ۱۴۱۴، مجمع البحرين، تهران، دارالکتب الاسلامیه.



راه کارهای تشویق دختران نوجوان به حجاب در دین مبین اسلام

زینب عالم زاده انصاری^۱

معصومه رستگاری نسب^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

چکیده

یکی از نیازهای حقیقی بشر در زمینه های تربیتی، دینی، اخلاقی و فرهنگی مسئله حجاب است. حجاب سنگر سعادت و رستگاری زنان جامعه است که دین اسلام از آن به عنوان یک ضرورت یاد کرده است. در این میان دختران نوجوان در مرحله حساس تری نسبت به سایر اقشار جامعه قرار دارند، چون اگر در این سن گرایش به حجاب ایجاد شود، مسلماً تأثیر آن عمیق تر و پایبندی به حجاب در افراد بیشتر خواهد بود. این پژوهش به روش توصیفی و از منابع کتابخانه ای بهره گرفته است. یافته های پژوهش حاکی از این است راهکارهای علمی شامل هنجارسازی حجاب در جامعه اسلامی، تقویت فرهنگ غیرت در مردان، تقویت حس غرور در دختران نوجوان، باطن گرایی و سیرت گرایی به جای صورت گرایی، تقویت احساس مسئولیت در والدین، مربیان و معلمان بررسی شده است. راهکارهای عملی نساز شامل تشویق دختران نوجوان به حجاب به دو بخش تشویق غیرمادی و تشویق مادی تقسیم می شود که در تشویق غیرمادی به بررسی الگوسازی برای حجاب، محبت کردن، معاشرت با دوستان، خانواده ها و افراد مقید به رعایت حجاب، شرکت در مجالس مذهبی، فعالیت های علمی- فرهنگی و هنری در زمینه تشویق به حجاب، استفاده از قصه، داستان و شعر و در تشویق مادی به برگزاری جشن تکلیف برای دختران نوجوان و هدیه دادن به آنها اشاره شده است.

کلیدواژه ها: راه کار، حجاب، پوشش، دختران نوجوان، دین اسلام

۱. طلبه سطح ۳، موسسه آموزش عالی حوزوی الزهرا (س) دزفول Az91422090@gmail.com

۲. مدرس آموزش عالی حوزوی الزهرا (س) دزفول rstg93@gmail.com



مقدمه

از آفرینش انسان سالیانی بی‌شمار گذشته و از هبوط آدم و حوا و ورود آنان به زمین و انتخاب پوششی که بدن هایشان را بپوشاند نیز سالیانی که هنوز به شمار نیامده می‌گذرد. قصه حجاب و پوشش با داستان خلقت انسان که ابتدا لباسی بهشتی داشت و پس از هبوط از بهشت به برگ درختان پناه آورد و با پوشیدن، این نیاز فطری‌اش را برآورده ساخت، پیوندی ناگسستنی دارد. ظهور ادیان الهی و تشریع حکم حجاب نیز برای این نیاز فطری چارچوبی مشخص کرد و محدوده ارتباط با محرم و نامحرم و مرزها را تبیین نمود.

در ایران باستان و در میان قوم یهود و احتمالاً در هند حجاب وجود داشته است و از آنچه در قانون اسلام آمده سخت‌تر بوده است. اما در جاهلیت عرب حجاب وجود نداشته است و به وسیله اسلام در عرب پیدا شده است (مطهری، ۱۴۰۰، ص ۱۹).

ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن راجع به قوم یهود و قانون تلمود می‌نویسد: اگر زنی به نقض قانون یهود می‌پرداخت، چنان‌که مثلاً بی‌آنکه چیزی بر سر داشت به میان مردم می‌رفت و یا در شارع عام نخ می‌رشت یا با هر سخنی از مردان درد دل می‌کرد، یا صدایش آن قدر بلند بود که وقتی در خانه‌اش تکلم می‌نمود، همسایگانش می‌توانستند صدای او را بشنوند، در آن صورت مرد حق داشت بدون پرداخت مهریه او را طلاق دهد (دورانت، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۰). اما مساله حجاب از مسائل مهم دین اسلام است و قرآن کریم این حکم را به نحو مطلوب تبیین و سیره قرآنی معصومین علیهم‌السلام، آن را به بهترین شکل به منصفه ظهور رسانده است.

این موضوع به ویژه برای زنان مورد تاکید است. برای اینکه حجاب در بین زنان نهادینه شود، باید از دوران نوجوانی دختران با حجاب آشنا شوند و با آن انس گیرند و مهم‌ترین راه برای علاقه‌مند کردن دختران نوجوان به حجاب استفاده از ابزار تشویق است.

باتوجه به وضعیت جامعه کنونی و تبلیغات گسترده‌ای که برضد حجاب صورت گرفته است، مسئله حجاب مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفته است.

ازجمله اینکه: ابراهیم شفيعی سروسناني (۱۳۹۱) در کتاب "آيين برنامه‌سازي درباره فرهنگ عفاف و حجاب" می‌نويسد: اگر نهاد خانواده و آموزش و پرورش رسالت و مسئوليت خود را در اين زمينه به خوبي انجام دهند، می‌توان اميدوار بود که نسل‌های بعدي چنان که شايسته است به اين باورها، هنجارها و ارزش‌ها پاييند باشند. در موضوع فرهنگ عفاف و حجاب نيز اين قاعده کلی پابرجاست و بی‌ترديد اگر خانواده‌ها، معلمان و مربيان در اين زمينه احساس مسئوليت کنند، اين فرهنگ به خوبي به نسل‌های بعدي منتقل می‌شود. محمد محمدی ری شهری (۱۳۹۰) در کتاب "جشن تکليف" می‌نويسد: هرچيزی که خدا و فرمان اوست به انسان و جامعه انسانی نشان دهد از شعائر الهی محسوب شده، بزرگداشت آن، بزرگداشت خدا و بی‌اعتنایی به آن بی‌اعتنایی به پروردگار خواهد بود. لحظه به تکليف رسيدن انسان از شعائر الهی، بلکه از بزرگ‌ترين آنها است. ملکی گلندوز (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان "شیوه‌های تربيتی و آموزش‌های خانواده پيرامون نهادينه کردن و حفظ حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان" می‌نويسد: والدين بايد با زمينه سازي، فضا سازي، الگودهی به درونی نمودن ارزش‌ها و فرائضی چون حجاب اقدام نمایند. نیل چی زاده (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان "رویکردی قرآنی به گونه‌ها و مدل‌های برتر و نازل حجاب" می‌نويسد: حجاب قرآنی دارای ابعاد و شاخص‌های پنجگانه است: حجاب نگاه، حجاب گفتار، حجاب رفتار، حجاب فیزیکی بدن و حجاب قلب. حال آنکه بنابر باور غلط، حجاب صرفاً به پوشش فیزیکی بدن اطلاق می‌شود. هرگاه چهار بُعد اولیه در حداقل مورد نظر شریعت ناب و در حد یک هنجار اجتماعی رعایت شود، به حجاب نازل دست یافته‌ایم و هرگاه ابعاد پنج‌گانه به نحوی فراگیر و یکپارچه با مشخصات تمام و کمال قرآنی‌اش جامه عمل بپوشد، برترین نوع پوشیدگی رخ می‌نماید.

کلی‌گویی و بیان نکردن جزئیات در مورد راه کارهای تشویق نوجوانان به حجاب، نویسنده را بر آن داشت تا به طور خاص و ویژه درباره این راه کارها در دین مبین اسلام بپردازد. این پژوهش در دو بخش اصلی راه کارهای علمی و عملی تشویق نوجوانان به حجاب در اسلام می‌پردازد و به دنبال این مسئله است که راه کارهای تشویق دختران نوجوان به حجاب در دین مبین اسلام کدام است؟





مفهوم‌شناسی

۱. تشویق

تشویق در لغت به معنای آرزومند کردن و آرزومند گردانیدن و یا کسی را برانگیختن یا به شوق آوردن کسی است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۳۰۲)؛ و در اصطلاح یکی از شیوه‌های موثر در فرآیند تربیت اجتماعی افراد شیوه تشویق رفتار و عملکرد مطلوب آنها به منظور تکرار و تثبیت آن عمل و رفتار می‌باشد (اناری نژاد، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳).

تشویق اقسام گوناگونی دارد: تشویق مادی یا غیرمادی است. تشویق مادی آن است که برای ایجاد انگیزه در مربی برای تداوم در رعایت حجاب برایش مثلاً هدیه بخریم. تشویق غیرمادی آن است که به او محبت کنیم، و با روش‌های غیرمستقیم، نوجوان را به رعایت حجاب ترغیب نماییم (داوودی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲).

یکی از روش‌های قرآن کریم ایجاد انگیزه و رغبت در افراد صالح و برقراری موازنه میان عمل و پاداش است. عوامل ایجاد انگیزه در قرآن کریم متعدد است. گاه از طریق وعده و پاداش فراوان و چندین برابر عمل فرد رابه انجام کار نیک تحریک می‌کند. گاه از طرق تعلیمات عمیق دینی و اسلامی انسان را چنان صالح و متقی بار می‌آورد که خود به دنبال کارهای با ارزش می‌رود و جز کسب رضایت خدا نمی‌اندیشد. در زمینه پاداش‌های اخروی اعمال نیک انسان، لسان آیات متفاوت است (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۶، ص ۵۵-۵۶). در برخی از آیات آمده است: (وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ) (انعام، آیه ۶۰)

و اوست کسی که شبانگاه روح شما را [به هنگام خواب] می‌گیرد و آنچه را در روز به دست آورده‌اید می‌داند سپس شما را در آن بیدار می‌کند تا هنگامی معین به سرآید آنگاه بازگشت شما به سوی اوست سپس شما را به آنچه انجام می‌داده‌اید آگاه خواهد کرد. در برخی دیگر از آیات تعبیر (اضعافاً کثیره: چندین برابر) (روم، آیه ۳۰) دارد. برخی نیز پاداش هفتصد برابر و بی حساب ذکر می‌کنند. این تفاوت‌ها در میزان پاداش الهی بیانگر آن است، که اجرو جزای اعمال براساس درجه اخلاص و نیت انسان تعیین می‌شود.



یعنی هر اندازه کیفیت اعمال بالاتر باشد، پاداش بیشتر خواهد بود.

همچنین ائمه معصومین علیهم السلام از تشویق یاران خود، به عنوان یکی از راه‌های ترغیب آنان به انجام کارهای نیک استفاده می‌کردند. از جمله امیرالمومنین علیه السلام در نامه خود به مالک اشتر می‌فرماید "همواره آنان را تشویق کن و کارهای مهمی که انجام داده‌اند، برشمار. زیرا یادآوری کارهای ارزشمند آنها شجاعان را برمی‌انگیزاند و ترسوها را به تلاش وامی‌دارد" (دشتی، ۱۳۸۶، نامه ۵۳). براین اساس، تایید و تشویق کارهای مطلوب، به منظور ایجاد انگیزه در افراد از روش‌هایی است که در آیات و روایات استفاده می‌شود و نقش اساسی در تربیت دینی دارد.

۲. نوجوان

نوجوان در لغت به معنای انسانی که تازه پا به مرحله جوانی گذاشته است. (معین، ۱۳۵۱، ص ۳۴۸) و در اصطلاح براساس یافته‌های روان‌شناختی، نوجوانی مرحله‌ای در چرخه تحول روانی است که پس از کودکی به وقوع می‌پیوندد و دوره تغییرات عمیق و واقعاً به منزله دگرگون شدن است (هنری پاول، ۱۳۹۹، ص ۸۴). نوجوانی و به خصوص سال‌های اول آن، قبل از هرچیز دوران تغییرات جسمانی، جنسی، روانی، و نیز تغییر در الزامات اجتماعی است. علاوه بر تغییر یافتن، نوجوان برای مواجه شدن با مسائل زندگی نیز مجهز می‌شود؛ تغییرات فیزیولوژی و بروز آثار و صفات جنسی ثانویه تنها اتفاق دوران نوجوانی نیست. تحولات و تظاهرات روانی هم در کنار آن به وقوع می‌پیوندد. تغییرات جسمی و روانی باعث متحول شدن فرد و شکل‌گیری آن می‌شود. در نتیجه چنین تحولات عمیقی، نوجوان قدم به دنیای درون خود می‌گذارد؛ قدرت تفکر را درک می‌کند و سازش‌های دوران کودکی را کنار می‌نهد (محمود، ۱۳۸۴، ص ۱۹۵).

۳. حجاب

حجاب در لغت به معنای در پرده کردن می‌باشد. (دهخدا، ج ۶، ص ۷۲) در



اصطلاح، براساس آنچه امروزه در میان مسلمانان فارسی زبان به کار می رود، مراد از حجاب، «پوشش اسلامی» است (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۱۷، ص ۴۰۲) و مراد از پوشش اسلامی زن، به عنوان یکی از احکام وجوبی اسلام، این است که زن، در عرصه اجتماع و در مواجهه با نامحرمان بدن و زیبایی های خود را (جز صورت و کف دست ها) بپوشاند.

فلسفه حجاب

هدف اصلی تشریع احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله تزکیه نفس و تقوا به دست می آید

(يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ حجرات، آیه ۲۱۳: ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا باتقواترین شمايند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است.) از قرآن کریم استفاده می شود که هدف از تشریع حکمت الهی، وجوب حجاب اسلامی، دست یابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاک دامنی است.

در نظامی که خداوند متعال در جای جای آن دیده می شود و ارتباط اشیاء و اعمال با خداوند بسیار مشهود است و با درک این ارتباط و حضور و شناخت جایگاه هر چیز در نظام هستی، بسیاری از مشکلات زندگی بشر حل می شود. «حق» بعنوان زیباترین و پسندیده ترین واژه آفرینش در تمامی ادیان و جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است و حقوق و ادای آنها فراتر از زمان ها و مکان ها و اشخاص و ادیان است. در واقع هر فردی از هر طبقه اجتماعی و از هر دین و ملیت، نسبت به ادای حقوق دیگران حساسیت نشان می دهد و این مطلب، حق و حقوق را فرازمانی و فرامکانی می کند. برخی از اندیشه گران و حکیمان بر این باورند که حجاب، حق است لذا حرمت زن و حیثیت زن بعنوان حق الله مطرح است و کسی حق ندارد بگوید من به نداشتن حجاب رضایت دادم. از اینکه قرآن می گوید هر گروهی، اگر راضی هم باشند شما حد الهی را در برابر آلودگی اجرا کنید، معلوم می شود که عصمت زن حق الله است. پر واضح است که آدمی نمی تواند حقوق

الهی را کاملاً اجرا کند ولی با انجام برخی از کارها می‌تواند رضایت الهی را بدست آورد. حفظ این واجب الهی اطاعت از اوست و اطاعت حقی است که بر بندگان نهاده است. پس حکمت حجاب سنجش میزان عبودیت و اطاعت بندگان است. بانوان با حفظ حجاب می‌توانند اطاعت را که روح و پیام اصلی عبادت بشر است اثبات کنند و در زمره اطاعت کنندگان الهی قرار گیرند. از قرآن کریم استفاده می‌شود که هدف از تشریع حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، که شامل حجاب چشم، حجاب در گفتار و حجاب در رفتار و عبارتی داشتن نگاه عقیف، کلام عقیف و رفتار عقیف می‌باشد؛ دستیابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. (ملکی گلندوز، ۱۳۹۵، ص ۴) (قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ) (ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و البته خدا به هر چه کنید کاملاً آگاه است. (نور، آیه ۳۰)

حجاب در قرآن کریم

در آیات مختلفی به این معنا تاکید شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:
- در آیه ۳۱ سوره نور می‌خوانیم: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...»؛ (و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را [از نگاه هوس آلود] فرو گیرند، و دامان خویش را حفظ کنند، و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند، و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند [تا گردن و سینه با آن پوشانده شود]...).

بر اساس این آیه زنان باید سر و گردن خود را از نامحرم بپوشند و حق ندارند زینت‌هایی که معمولاً پنهانی است آشکار سازند هر چند اندامشان نمایان نشود و به این ترتیب آشکار کردن لباس‌های زینتی مخصوصی را که در زیر لباس عادی یا چادر می‌پوشند مجاز نیست، چرا که قرآن از ظاهر ساختن چنین زینت‌هایی نهی کرده است. باتوجه به شأن نزول این آیه و سیاق آن، زنان قبل از نزول این آیه، دامنه روسری خود را





به شانه‌ها یا پشت سر می‌افکندند، به طوری که گردن و کمی از سینه آنها نمایان می‌شد، قرآن دستور می‌دهد روسری خود را بر گریبان خود بیافکنند تا هم گردن و هم آن قسمت از سینه که بیرون است مستور گردد. (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ص ۴۳۹) ضمناً دستوری که این آیه در مورد انداختن گوشه مقنعه به روی گریبان می‌دهد، مفهومی پوشانیدن تمام سر و گردن و سینه است و سخنی از پوشانیدن صورت در آن نیست. به همین دلیل صورت و کفین از حکم وجوب پوشیدن استثناء شده است. (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۱۴، ص ۴۵۰)

- در آیه ۳۳ سوره احزاب نیز می‌خوانیم: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى»؛ (و در خانه های خود بمانید و همچون جاهلیت نخستین [در میان مردم] ظاهر نشوید). به طوری که در توارخ آمده در آن موقع زنان حجاب درستی نداشتند، و دنباله روسری های خود را به پشت سر می انداختند به طوری که گلو و قسمتی از سینه و گردن‌بند و گوشواره های آنها نمایان بود، و به این ترتیب قرآن همسران پیامبر ﷺ را از این گونه اعمال باز می دارد. بدون شك این يك حکم عام است، و تکیه آیات بر زنان پیامبر ﷺ به عنوان تاکید بیشتر است، درست مثل اینکه به شخص دانشمندی بگوئیم تو که دانشمندی دروغ مگو، مفهومی این نیست که دروغ گفتن برای دیگران مجاز است، بلکه منظور این است که يك مرد عالم باید به صورت مؤکد تری از این کار پرهیز کند (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۱۷، ص ۲۹۱).

- همچنین در آیه ۵۹ سوره احزاب می‌خوانیم: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ...»؛ (ای پیامبر! به همسران و دختران و زنان مؤمنان بگو جلبابها [روسری های بلند] خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه [از کنیزان و آلودگان] شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند بهتر است). در آن زمان معمول بوده است که کنیزان بدون پوشیدن سر و گردن از منزل بیرون می‌آمدند، و از آنجا که از نظر اخلاقی وضع خوبی نداشتند گاهی بعضی از جوانان هرزه مزاحم آنها می‌شدند، در اینجا به زنان آزاد مسلمان دستور داده شد که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت کنند تا از کنیزان شناخته شوند و بهانه‌ای برای مزاحمت

به دست هرزگان ندهند. بدیهی است مفهوم این سخن آن نیست که اوباش حق داشتند مزاحم کنیزان شوند، بلکه منظور این است که بهانه را از دست افراد فاسد بگیرند. دیگر اینکه هدف این است که زنان مسلمان در پوشیدن حجاب سهل انگار و بی اعتنا نباشند، مثل بعضی از زنان بی بند و بار که در عین داشتن حجاب آن چنان بی پروا و لابالی هستند که غالباً قسمت هایی از بدن های آنان نمایان است و همین معنی توجه افراد هرزه را به آنها جلب می کند (مکارم، ۱۳۵۳، ج ۱۷، ص ۶۳۱).

راه کارهای تشویق به حجاب در دین مبین اسلام

الف. راه کارهای علمی

۱. نهادینه سازی حجاب در جامعه اسلامی

جامعه سالم در دیدگاه جامعه شناسی جامعه ای است که هنجارهای سالم و مطابق با فطرت سلیم انسانی و نیازمندی های جسمی و روحی انسان داشته باشد، به عبارت دیگر جامعه سالم دینی باید یک جامعه هنجاری باشد و حداقل های سلامت اجتماعی را به وسیله رعایت هنجارهای صحیح به دست آورد.

اما جامعه پیشرفته و توسعه یافته دینی جامعه ای است که از حیطة رعایت هنجارها فراتر رفته و ارزش های برتر دینی را تثبیت نماید؛ یعنی در چنین جامعه ای ارزش های دینی به عنوان هنجار محسوب می شود. جامعه ارزشی جامعه ای است که همواره دغدغه حفظ و حراست و توسعه و تعمیق ارزش ها را به بهترین شکل ممکن در فرآیند های فرهنگی تعریف و تبیین می کند. بنابراین آنچه در این حیطة نیازمند توجه همه اندیشمندان، پژوهشگران و دینداران دین شناس می باشد این است که هنجار حجاب را در جامعه ترویج و تعمیق نماید به عبارت ساده تر اینکه باید فرد، ابتدا به اصل هنجاری حجاب معتقد شود.

آنچه مهم است این است که هیچ کسی نباید خود را به واسطه قانون مجبور به استفاده از حجاب ببیند مگر اینکه در ابتدا اصل و هنجار حجاب را شناخته و باور نموده باشد و تطابق حجاب را با قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام درک نماید. اما متأسفانه





باتوجه به هجمه‌های ضد فرهنگی و القائات شیطانی و وسوسه‌های نفسانی که هیچ‌گاه انسان را رها نمی‌کند، جامعه ارزشی امروز نه تنها به امور ضد ارزش، که حتی به امور نابهنجار نیز در طیف وسیعی آلوده شده است. یعنی هنجار امروزه یک معضل و یک درد اجتماعی است.

در جامعه‌ای که دستخوش مصیبت نابهنجارهاست، ترویج ارزش‌ها ضروری است. اما پیش از آن تبیین و تثبیت هنجار حجاب ضروری‌تر و لازم‌تر است. در حقیقت به دست فراموشی سپردن ارزش‌های دینی و از آن جمله حجاب یک خطر و مهلکه جدی است. با سخن نگفتن از ارزش‌ها، جامعه اسلامی توسعه دینی و فرهنگی بهینه نخواهد داشت. (نیل چی زاده، ۱۳۸۵، ص ۵)

بنابراین در جامعه اسلامی ابتدا باید هنجارسازی و آشنایی با هنجارهای اسلامی صورت گیرد، تا افراد با شناخت و علاقه به دستورات دینی عمل کنند. مخصوصاً در زمینه رعایت حجاب که، تلاش بیشتری در زمینه هنجارسازی آن در سطح اجتماع مخصوصاً در بین دختران نوجوان می‌طلبید.

۲. تقویت فرهنگ غیرت

بی تردید دختران، به نظر و سلیقه پدران خود توجه می‌کنند. از این رو غیرت مندی مردان در نوع پوشش آنان نقش بسزایی دارد. باتوجه به این واقعیت، ترویج فرهنگ غیرت در بین پدران به ترویج و تحقق پوشش دینی در دختران کمک می‌کند (اسحاقی، ۱۳۸۶، ص ۵۶). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْجِبَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ) (تحریم، آیه ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشت‌خو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود انجام دهند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: خداوند بینی هریک از مومنانی که غیرت نمی‌ورزند

را به خاک می مالد. ایشان در جای دیگر غیرت را از ایمان می داند (عاملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۰۹). بنابراین تقویت غیرت مردان عامل مهمی در تقویت حجاب زنان جامعه ی اسلامی است .

۳. تقویت غرور دختران نوجوان

غرور، به زن غنای نفس می دهد؛ در این صورت، خود را ذلیل نگاه دیگران نمی کند و برای مقبولیت به عرضه اندام خویش نمی پردازد. امیرالمومنین علیه السلام در این زمینه می فرماید: «غرور برای مرد عیب است، ولی برای زن خوب، چون محرکی است برای عفت در مقابل نامحرم» (نهج البلاغه، کلمات قصار ۲۳۴) پس کسی که در سرش فکری زیبا دارد، با موی سرش جلوه نمی کند (حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۹). بنابراین با تقویت حس غرور و عزت نفس در دختران نوجوان، می توان آنها را تشویق به حجاب کرد.

۴. باطن گرایی و سیرت گرایی به جای صورت گرایی

معرفی ارزش های اصیل دینی و فراهم نمودن تمهیدات لازم برای تقویت عملی و پرورش روح ایمان و تعهد در دختران نقش مهمی در این زمینه دارد. آنچه در اسلام ارزش دارد، شخصیت و جودی و عظمت روح بلند انسان است تن و نمای فیزیکی انسان منزلت والایی ندارد (اسحاقی، ۱۳۸۶، ص ۵۸). حضرت مسیح علیه السلام می فرماید: بحق برای شما می گویم: تن چه سودی دارد در صورتی که ظاهرش درست باشد و درونش تباه. بدن هایشان چه سودتان دهد که خوشتان دارد که دل هایتان تباه باشد و سودی نبرید که پوست خود را پاک نگه دارید و دل های شما چرکین باشد (حرانی، ۱۳۷۶، ص ۵۴۸).

متأسفانه برخی از زنان در شرایط کنونی پوشش را برای خودنمایی برمی گزینند. سخن تامل برانگیز حضرت علی علیه السلام در این مورد بسیار گویاست: **يُظَهَّرُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ وَافْتِرَابِ السَّاعَةِ وَهُوَ شَرُّ الْأَزْمَنَةِ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتُ عَارِيَّاتٍ مَتَبَّرَاتٍ دَاخِلَاتُ فِي الْفِتَنِ، مَا ثَلَاثٌ إِلَى الشَّهَوَاتِ، مُسْرِعَاتُ إِلَى اللَّذَاتِ، مُسْتَجِلَّاتُ لِلْمَحَرَّمَاتِ فِي جَهَنَّمَ**





خالدات: در آخرالزمان و هنگام نزدیک شدن قیامت که بدترین زمان هاست، زن هایی ظاهر می شوند که برهنه و لخت آشکار می گردند، زینت های خود را آشکار می سازند. به فتنه ها داخل می شوند و به سوی شهوت ها می گرایند و به لذت ها می شتابند، حرام های الهی را حلال می شمارند و در جهنم جاودانه خواهند بود. (صدوق، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۳۹۰)

بنابراین با تقویت پایه های دینی و باورهای اعتقادی، دخترنوجوان حجاب را عامل رشد خود و وسیله ای برای کسب رضایت پروردگار می بیند و این سبب تشویق درونی فرد به برگزیدن پوشش مناسب و تداوم رعایت حجاب کامل او می شود. (داوودی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۳)

۵. تقویت احساس مسئولیت والدین، مربیان و معلمان

پدران، مادران، مربیان و آموزگاران در نهادینه شدن باورها و ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده یک جامعه در نوجوانان بیشترین و اثرگذارترین نقش را دارند. اگر نهاد خانواده و آموزش و پرورش رسالت و مسئولیت خود را در این زمینه به خوبی انجام دهند، می توان امیدوار بود که نسل های بعدی چنان که شایسته است به این باورها، هنجارها و ارزش ها پایبند باشند. در موضوع فرهنگ عفاف و حجاب نیز این قاعده کلی پابرجاست و بی تردید اگر خانواده ها، معلمان و مربیان در این زمینه احساس مسئولیت کنند، این فرهنگ به خوبی به نسل های بعدی منتقل می شود. (شفیعی، ۱۳۹۱، ص ۲۲)

در منابع اسلامی حقوق و وظایفی برای والدین نسبت به فرزندان به طور عموم و گاه دختران به جهت شرایط و ویژگی های خاص آنها مطرح شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: (حق فرزند اگر دختر باشد بر پدرش این است که مادرش او را گرامی بدارد، نام شایسته برایش انتخاب کند و سوره نور (که مسئله حجاب و عفاف) است را به او بیاموزد و زمینه ازدواجش را فراهم آورد) (عاملی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۹۹).

باتوجه به کلام معصومین علیهم السلام مسئولین تربیت، باید ابتدا شناخت خود را از آموزه های

دین و احکام افزایش دهند تا سبب تقویت احساس مسئولیت در زمینه تشویق نوجوان به انجام دستورات و احکام دین، مخصوصاً در زمینه حجاب دختران شود.

ب. راه کارهای عملی تشویق دختران نوجوان به حجاب

۱. تشویق غیرمادی

۱-۱. الگوسازی برای حجاب

نیاز انسان به الگوها و مصادیق عینی و عملی بر کسی پوشیده نیست. الگوسازی و معرفی و ارائه الگوهای خوب در زمینه عفاف و حجاب موجب می شود تا دختران نوجوان به دنبال الگوهای غربی نروند. شناسایی و معرفی الگوی مناسب برای آنان و بیان عوامل و دلایل برجستگی های معنوی و اجتماعی آنان می تواند در تشویق غیرمادی دختران نوجوان موثر باشد (نحوی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۹). حضرت فاطمه زهرا علیها السلام الگوی کامل همه انسان ها در تمام کمالات است و حتی ائمه اطهار علیهم السلام نیز خود را دست پرورده این مادر گرانقدر و عالی مقام می دانند. آن حضرت در توجه به حجاب و عفاف بهترین الگو برای زنان مسلمان است. ایشان با سخنان و رفتار خود، اهمیت حجاب را برای زن به روشنی تبیین کرده است (رجبی، ۱۳۹۱، ص ۶۶) که در ادامه به یک مورد از این دریای بیکران بسنده می شود:

امام صادق علیه السلام می فرماید: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خانه دخترش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام اجازه ورود خواست، در حالیکه به همراهش مرد نابینایی بود. حضرت فاطمه علیها السلام به سرعت از جا برخاست تا به مکانی دیگر برود، که در حضور مرد نابینا نباشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: چرا خود را پنهان می کنی در حالیکه او نابیناست! و او تو را نمی بیند. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: اگر چه او مرا نمی بیند، ولی من او را می بینم. همچنین او بوی مرا استشمام می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از این پاسخ بسیار خوشحال شد و فرمود: گواهی می دهم که تو پاره تن من هستی. (نوری طبرسی، ۱۳۶۸، ج ۱۴، ص ۱۸۹)

بنابراین، برجسته سازی ابعاد شخصیتی بانوان تاثیرگذار اسلام و الگو سازی از زندگی آنها برای زنان، یکی از راهکارهای مهم در جهت، تشویق غیرمادی دختران نوجوان به حجاب می باشد.



۲-۱. محبت کردن

انسان به ویژه دختران نیاز به محبت دارند، چنان که نیاز به آب و غذا و مسکن دارند، محبت به فرزندان و مخصوصاً دختران یکی از وظایف والدین و مربیان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: **أَحِبُّوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُ شَيْئاً فَفُوا لَهُمْ، فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنَّكُمْ تَرْزُقُونَهُمْ.** به کودکان محبت کنید و با آنها مهربان باشید و هروقت به آنها وعده دادید به آن وفا کنید، چون آنها شما را روزی رسان خود می دانند (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۶، ص ۴۹).

محبت به نوجوان نه تنها نیازی از نیازهای روحی او را برآورده کرده، به او اعتماد به نفس می دهد، بلکه افزون بر آن موجب می شود والدین و مربیان محبوب نوجوان شوند و به آنها اعتماد پیدا کنند. این رابطه مبنی بر محبت و اعتماد موجب می شود فرزندان از والدین و مربیان حرف شنوی داشته باشند، خواسته ها و دستورات آنها را بپذیرند و اطاعت کنند. این تأثیرپذیری بستگی به میزان محبوبیت والدین و مربیان دارد و هر چه آنها محبوب تر باشند، تأثیرگذاری آنها بر نوجوان بیشتر است (داوودی، ۱۳۹۷، ص ۵۱).

امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: **الْإِنْسَانُ غَبِيْدُ الْإِحْسَانِ**: انسان بنده محبت است (لیثی، ۱۳۷۶، ص ۶۱). این علاقه و دوستی نیز به نوبه خود زمینه را برای تأثیرپذیری بیشتر آماده می کند؛ زیرا قلب انسان به هر چه بیشتر علاقه داشته باشد، سایر اعضا و جوارح نیز به آن علاقه پیدا می کند، و علاقه نیز پذیرش و پیروی را در پی دارد. بنابراین می توان گفت: که احسان و محبت یکی از روش های تشویق غیرمادی به حجاب در دختران نوجوان است (داوودی، ۱۳۹۷، ص ۵۲).

۳-۱. معاشرت با دوستان، خانواده ها و افراد مقید به رعایت حجاب

معاشرت با دیگران بر شخصیت افراد تأثیری تدریجی اما بسیار عمیق دارد. معاشران و همنشینان نه تنها در رفتار، بلکه در باورها، نگرش ها و ارزش ها و موضع گیری های یکدیگر تأثیر می گذارند. اگر مصاحب و معاشر از شخصیت عالی برخوردار باشد، تأثیر

مثبت و در غیر این صورت تأثیرش منفی خواهد بود (داوودی، ۱۳۹۷، ص ۵۳). به همین دلیل، جهنمیان عامل بدبختی خود را دوست اغواگر و گمراه کننده می دانند: (وَيَوْمَ يَعَضُّ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي اتَّخَذْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا / يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا / لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي) و (به خاطر آور) روزی را که ستمکار دست خود را (از شدت حسرت) به دندان می گزد و می گوید: «ای کاش با رسول (خدا) راهی برگزیده بودم! ای وای بر من! کاش فلان (شخص گمراه) را دوست خود انتخاب نکرده بودم! او مرا از یادآوری (حق) گمراه ساخت بعد از آن که (یاد حق) به سراغ من آمده بود». و شیطان همیشه خوار کننده انسان بوده است! (فرقان، آیه ۲۷-۲۹)

پیشوایان دینی هم از معاشرت با افراد ناشایست نهی و به معاشرت با نیکان امر کرده اند، امام صادق علیه السلام روایت شده که: لَا تَصْحَبُوا أَهْلَ الْبِدْعِ وَلَا تُجَالِسُوهُمْ فَتَصِيرُوا عِنْدَ النَّاسِ كَوَاحِدٍ مِنْهُمْ با بدعت گذاران رفاقت و همنشینی نکنید که در نظر مردم، شما هم مانند یکی از آنها خواهید بود (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۳۷۵).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): انسان بر دین دوستش خواهد بود، بنابراین هریک از شما دقت کند که با چه کسی دوست می شود (مجلسی، ۱۳۷۵، ج ۷۴، ص ۱۹۲). بر اساس این روایت تأثیر مصاحبت معاشرت تا آن اندازه است که حتی اعتقادات و ارزش های دینی افراد را تحت تأثیر قرار می دهد. براین اساس، معاشرت با افرادی که در دینداریشان استوار و به حجاب پایبندند، موجب تقویت دین و پایبندی به حجاب می شود (داوودی، ۱۳۹۷، ص ۵۴). در نتیجه، خانواده هایی که با افراد و خانواده های متدین و پایبند به حجاب رفت و آمد می کنند و دخترانی که دوستانی مذهبی و باحجاب دارند، به طور غیر مستقیم به حجاب تشویق می شوند.

۱-۴- شرکت در مجالس مذهبی

مجالس و هیئت های مذهبی از طریق منبرهای وعظ و خطابه، به تقویت و تعمیم باورهای دینی مخاطبان خود کمک می کند. شرکت مستمر در این مجالس و مرور چندین باره مباحث اعتقادی، بستر مناسبی را برای اشاعه و نهادینه کردن آن مفاهیم





فراهم می‌آورد. تثبیت نظام اخلاقی غایت مجالس و هیاتهای مذهبی است. و ممارست در شرکت در مجالس مذهبی باعث سرعت انتقال مفاهیم اخلاقی به فرد می‌شود (حسام ظاهری، بی تا، ص ۱۸-۱۹).

ائمه اطهار همواره مجالس مذهبی برگزار می‌کردند، تا از طریق شرکت مردم در آن مجالس آنچه را که می‌خواستند با موعظه در ذهن مردم جا بگیرد، از این طریق به آنان القا می‌کردند و این بهترین شکل انتقال افکار و اندیشه درست اسلامی در آن شرایط بود. از جمله در زمان امام سجاد علیه السلام، ایشان هر جمعه در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را موعظه می‌کردند و سخنرانی مفصلی انجام می‌دادند و مخاطبان امام تنها شیعیان و یا پیروان خاص آنها نبودند، بلکه دایره مخاطبان بسیار وسیع و عام بوده است، که تکرار این جلسات در روز جمعه علاوه بر اهمیت سخنان امام علیه السلام باعث تثبیت و در نتیجه تأثیر گذاری بیشتر روی افراد بود (پیشوایی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۳-۲۷۴).

باتوجه به شکل گیری شخصیت انسان در دوران کودکی و نوجوانی شرکت دادن آنها در این مجالس تأثیر عمیق تری در شخصیت نوجوانان دارد و باعث نهادینه شدن ارزش ها و مفاهیم اخلاقی در آنها می‌شود. یکی از ابزارهای تشویق دختران نوجوان به حجاب شرکت دادن آنها در مجالس مذهبی است، که از طریق شرکت در این مجالس ارزش های اخلاقی و اهمیت حجاب به عنوان یکی از مهم ترین ارزش ها به آنها منتقل می‌شود و با تکرار و تذکر چند باره این مفاهیم در وجودشان نهادینه می‌شود.

۵-۱- فعالیت های علمی- فرهنگی - هنری

انتشار نشریه، کتاب و تعیین موضوع انشا و پرسش مهر، به کار گیری هنرهای تصویری، مسابقات فرهنگی و مانند آن آثار مثبتی در تشویق کودکان و نوجوانان به حجاب دارد. تولید برنامه ها و فیلم های آموزشی و مفید نیز در رادیو و تلویزیون اثری فراگیر دارد. رعایت پوشش کامل بانوانی که در فیلم های سینمایی و تلویزیونی بازی می کنند یا عکسی که با پوشش در مطبوعات به چاپ می رسد، آثار مثبتی دارد. اساساً حضور زنان پوشیده و مخصوصاً زنانی که از نظر علمی، اجتماعی، سیاسی جایگاه

بالاتری دارند و زنانی که موفقیت‌هایی در زمینه‌های مختلف به دست آورده‌اند، با حجاب کامل در اجتماع، آثار مثبت و چشم‌گیری در همگانی کردن فرهنگ حجاب اسلامی در جامعه دارد (اسحاقی، ۱۳۸۶، ص ۵۳).

قرآن کریم خطاب به همسران پیغمبر ﷺ که مورد توجه زنان جامعه بوده و بر روی جامعه تأثیر گذار بودند می‌فرماید که اگر کار ناشایستی انجام دهند دو برابر مجازات می‌شوند:

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنِ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا) (احزاب، آیه ۳۰): ای همسران پیامبر! هر کس از شما کار زشت (و گناهی) آشکار مرتکب شود، عذابش دو چندان خواهد بود و این (کار) برای خدا آسان است) این به دلیل تأثیر گذاری افراد بانفوذ و محبوب است. کسانی که چهره‌ی دینی و اجتماعی دارند و کارشان برای دیگران سرمشق است، اگر گناه کنند، کیفرشان بیش از دیگران است. "نساء النبی... ضعفین" در جامعه است که خداوند به زیبایی به آن اشاره کرده است (قرائتی، ۱۳۹۶، ص ۴۲۱).

پخش آیات و روایات و کلمات حکمت آمیز و تصاویر الهام بخش درباره حجاب در محیط‌های عمومی، تابلوهای شهری و محیط‌های مناسب دیگر نیز به تقویت فرهنگ حجاب خواهد انجامید. مخصوصاً برای نوجوانان که به دنبال تایید شدن از سوی جامعه هستند و از محیط تأثیر پذیری زیادی دارند.

۶-۱. استفاده از قصه، داستان و شعر

نوجوان مفاهیم اخلاقی را با داستان بهتر می‌فهمد و می‌پذیرد. اگرچه این ویژگی مخصوص همه گروه‌های سنی است و قرآن این دو شیوه را توصیه می‌کند: (... فَأَقْصُصْ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ) (اعراف، آیه ۱۷۶): پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن شاید که آنان بیندیشند) یعنی مفاهیم و مطالب حجاب در قالب حکایت بازگو شود، چون جذاب‌تر و تأثیر پذیر می‌باشد و مخاطب بیشتر در مورد آن موضوع می‌اندیشد. نوجوان کلمات قافیه دار و داستان و قصه را بهتر به ذهن می‌سپارد، چنان که از حضرت





زهره علیها السلام نیز چنین روشی در آموختن مفاهیم دینی به فرزندان بزرگوارشان نقل شده است (حیدری، ۱۳۹۰، ص ۱۲-۱۳).

۲. تشویق مادی

۲-۱. جشن تکلیف

یکی از نکته‌های برجسته تربیتی و سازنده‌ای که قرآن کریم بر آن تاکید دارد، یادآوری و بزرگداشت ((ایام الله)) است: وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ؛ (ابراهیم، آیه ۵): و همانا موسی را با نشانه‌های خود فرستادیم [و به او وحی کردیم] که قوم خود را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون آور و روزهای خدا را [که روزهای رحمت، عذاب، پیروزی و شکست است] به آنان یادآوری کن، بی تردید در این روزهای خدا برای هر شکیبای سپاس‌گزاری نشانه‌هایی [از توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است. ایام الله یعنی روزهای خدا، باتوجه به اینکه تمام روزها، روزهای خداست، ایام الله به آن گفته نشده است. ایام الله روزهای خاصی است که در آن آیه‌ای از آیه‌های الهی که نشانه قدرت و تدبیر و حکمت اوست به صورت ((نعمت)) یا ((نقمت)) بر فرد یا جامعه نازل می‌شود. یادآوری و بزرگداشت خاطره این روزها و بررسی عوامل موفقیت‌ها و شکست‌ها می‌تواند نقش سازنده‌ای در هوشیارسازی انسان و جامعه انسانی داشته باشد. باتوجه به این مقدمه، روز تکلیف یکی از مصداق‌های روشن ((ایام الله)) است که قرآن کریم بر بزرگداشت خاطره‌اش تاکید دارد. در میان نعمت‌های الهی، نعمتی بزرگ‌تر و ارزنده‌تر از نعمت اجازه رسمی ورود به محضر افریدگار هستی و ارتباط و انس با خالق زیبایی‌ها نیست همچنین جشن تکلیف تعظیم شعائر الهی است که در قرآن کریم به آن توصیه شده است و از آن به عنوان یکی از نشانه‌های تقوای دل‌ها نام برده است. ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ (حج، آیه ۳۲): این است (سخن حق) و هر کس شعائر (دین) خدا را بزرگ و محترم دارد این از صفت دل‌های باتقواست. شعائر الهی اموری هستند که به گونه‌ای انسان را متوجه فرمان خدا می‌کنند. این امر می‌تواند

زمان، مکان، نوشته و یا هر چیز دیگری باشد.

بنابراین هرچیزی که خدا و فرمان او را به انسان و جامعه انسانی نشان دهد از شعائر الهی محسوب شده، بزرگداشت آن، بزرگداشت خدا و بی اعتنایی به آن بی اعتنایی به پروردگار خواهد بود. لحظه به تکلیف رسیدن انسان از شعائر الهی، بلکه از بزرگترین آنها است (محمدری شهری، ۱۳۹۰، ص ۲۲). سزاوار است که روز تشریف به تکلیف از بزرگترین عیدها قرار گیرد، زیرا آن اصل و اساس تمام عیدها است. چه در دنیا و چه در آخرت بقیه عیدها فرع است (سیدبن طاووس، ۱۳۸۶، ص ۷).

پس شایسته است باتوجه به کلام پروردگار، مدارس و والدین جشن تکلیف را مهم‌تر و باشکوه‌تر از مراسمات دیگر برگزار کنند و با برگزاری سالگرد جشن تکلیف، عظمت تکلیف را برای نوجوان توضیح دهند. بزرگ جلوه دادن انجام تکالیف شرعی و تهیه چادر و روسری و ملزومات حجاب یکی از موارد مهم برای تشویق دختران نوجوان به حجاب است.

۲-۲. هدیه دادن

هدیه کلمه است که بار عاطفی ویژه‌ای دارد و انسان‌ها برای نشان دادن محبتشان به یکدیگر هدیه می‌دهند (محمدری، بی تا، ص ۶۰). هدیه دادن نشانه محبت است و هرچه بیشتر افزایش یابد، محبت قلبی انسان هم افزایش می‌یابد و کینه و دشمنی را از بین می‌برد (صادقیان، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۲۳۳). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: "الْهَدِيَّةُ تُورِثُ الْمَوَدَّةَ، وَتَجْدُرُ حَدِيثُ الْأُخُوَّةِ، وَتُذْهِبُ الضَّغِينَةَ، تَهَادُّوا تَحَابُّوا" هدیه دادن، محبت می‌آورد و برادری را نگه می‌دارد و کینه و دشمنی را می‌برد. برای یکدیگر هدیه ببرید تا دوستدار هم شوید (کلینی، ۱۳۷۹، ج ۵، ص ۱۴۳). در هدیه دادن باید به کیفیت و آثار تربیتی - معنوی آن توجه کرد (پاک‌نیا، ۱۳۸۲، ص ۱۲۴). از همین رو برای تشویق دختران به حجاب بهتر است ملزومات حجاب به آنها هدیه داده شود و یا زمانی که پوششی مناسب مانند چادر پوشیدند با دادن هدیه، آنها را تشویق کرد.



نتیجه گیری

حجاب از ضروریات دین اسلام و پرچم مسلمانی زن مسلمان است. به خاطر اهمیت حجاب و پوشش، در دین اسلام لازم است که برای دختران نوجوان از همان ابتدای تکلیف و چه بسا قبل از آن تمهیداتی انجام شود تا به تشویق و انجام حدود اسلامی ترغیب شوند.

هدف پژوهشگر در این پژوهش راه کارهای تشویق دختران نوجوان به حجاب در دین مبین اسلام بوده که در دو بخش راه کارهای علمی و راه کارهای عملی مورد بررسی قرار گرفت.

در تبیین راه کارهای علمی، هنجارسازی بحث حجاب و اهمیت آن در جامعه، تقویت فرهنگ غیرت و تقویت غرور دختران در رفتارهای اجتماعی خود نسبت به مردان نامحرم، باطن گرایی و سیرت گرایی به جای صورت گرایی و بیان ارزشمندی شخصیت زن، تقویت احساس مسئولیت والدین و مربیان و معلمان در فرهنگ سازی جامعه و نهادینه نمودن آنها، از جمله راه کارهای علمی بود که مورد بررسی قرار گرفت.

در تبیین راه کارهای عملی تشویق دختران به حجاب، تشویق مادی و غیرمادی مدنظر بوده است که در تشویق غیرمادی، الگوسازی برای حجاب، محبت کردن، معاشرت با دوستان، خانواده ها و افراد مقید به حجاب، شرکت در مجالس مذهبی، فعالیت های علمی فرهنگی و هنری، استفاده از قصه، داستان، شعر مورد بررسی قرار گرفت و در تبیین تشویق مادی به برگزاری جشن تکلیف و اهمیت دادن به آن و همچنین هدیه دادن اشاره شد.



منابع

- ۱- قرآن کریم، ناشر: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۹۶ ش، قم
- ۲- نهج البلاغه، دشتی، محمد، انتشارات الهادی، ۱۳۸۶ ش، قم
- ۳- اسحاقی، سید حسن، مروارید عفاف، ناشر: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، ۱۳۸۶ ش، قم
- ۴- پاک‌نیا، عبدالکریم، تربیت در سیره امام حسن مجتبی (ع)، ناشر: هجرت، ۱۳۸۲ ش، قم
- ۵- پاول ماسن، هنری، یاسایی، مهشید، رشد و شخصیت کودک، ناشر: مرکز، ۱۳۹۹ ش، تهران
- ۶- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، ناشر: موسسه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵ ش، قم
- ۷- حرانی، ابن شعب، محمد صادق حسن زاده، تحف العقول، ناشر: دارالکتب اسلامیة، ۱۳۷۶ ش، قم
- ۸- حسام ظاهری، محسن، کارکردهای عمومی مجالس سوگواری، بی‌جا، بی‌تا، بی‌نا
- ۹- حیدری، عزیزالله، سلسله مباحث راهکارهای دوری از گناه، ناشر: جمکران، ۱۳۹۰ ش، قم
- ۱۰- داوودی، محمد، خانه بهشتی، تهران: ستاد اقامه نماز، چ ۲۲، ۱۳۹۷
- ۱۱- دهخدا، لغت‌نامه، ناشر: دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش، تهران
- ۱۲- دورانت، ویلیام جیمز، آرام، احمد، تاریخ تمدن، ج ۲، ناشر: اقبال، ۱۳۳۷ ش، تهران
- ۱۳- عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۴، ج ۷، قم: تراث، چ ۱۰، ۱۳۸۶
- ۱۴- عباس، راه‌های تقویت حجاب در حج و زیارت، ناشر: مشعر، ۱۳۹۱ ش، تهران
- ۱۵- رضایی، مهدیه، قرآن و تربیت اجتماعی کودک، ناشر: پژوهش‌های تفسیر علوم قرآن، ۱۳۹۳ ش، قم
- ۱۶- سید بن طاووس، محمد باقر شهیدی گلپایگانی، التشریف بتعریف وقت التکلیف، ناشر: مرتضوی، ۱۳۸۶ ش، بی‌جا
- ۱۷- شفیعی سروستانی، ابراهیم، آیین برنامه‌سازی درباره فرهنگ عفاف و حجاب،





- ناشر: مرکز پژوهش‌ها صدا و سیما، جمهوری اسلامی، ۱۳۹۱ ش، بی جا
- ۱۸- صادقیان احمد، تفسیر موضوعی قرآن ویژه جوانان، ج س، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۶ ش، قم
- ۱۹- قرائتی، محسن، قرآن با ترجمه و تفسیر چکیده نور، ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۶ ش، قم
- ۲۰- کلینی، اصول کافی، کمره ای، محمد باقر، ناشر: سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۷۹ ش، تهران
- ۲۱- لیثی، علی ابن نزال، حسنی بیرجندی، حسین، عیون الحکم و المواعظ، ناشر: دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش، قم
- ۲۲- مجلسی، محمد باقر، بهبودی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۴، ناشر: اسلامیه، ۱۳۷۵ ش
- ۲۳- محمدی ری شهری، محمد، جشن تکلیف، انشارات دار الحدیث، ۱۳۹۰ ش، قم
- ۲۴- محمدی، محسن، از نماز گزاری تا انس با نماز، ناشر: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، قم
- ۲۵- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ناشر: صدرا، ۱۴۰۰ ش، تهران
- ۲۶- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ناشر: امیر کبیر، ۱۳۵۱ ش، تهران
- ۲۷- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۶، انشارات: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش، تهران
- ۲۸- منصور محمود، روان شناسی ژنتیک، ناشر: سمت، ش ۱۳۸۴، تهران، چاپ ششم
- ۲۹- نحوی، سید سیف الله، نقش خانواده در پیش گیری از انحرافات، ناشر: نورالسجاده، ۱۳۸۸ ش، قم
- ۳۰- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ناشر دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ش، تهران
- ۳۱- نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ناشر موسسه آل بیت علیه السلام، ۱۳۶۸ ش، قم

فهرست مقالات

- ۱- اناری نژاد، عباس، تربیت اجتماعی از منظر نهج البلاغه، سال دوم بهار و تابستان ۱۳۸۶، ش ۴
 - ۲- ملکی گلندوز، پری، بررسی شیوه های تربیتی و آموزش های خانواده پیرامون نهادینه کردن و حفظ حجاب و عفاف در کودکان و نوجوانان، سومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ۱۳۹۵ ش
 - ۳- نیل چی زاده، فروغ، رویکردی قرآنی به گونه ها و مدل های برتر و نازل حجاب، بانوان شیعه، ۱۳۸۵ ش، شماره ۱۰
- فهرست سایت ها
- ۱- پرتال جامع علوم انسانی ensani.ir
 - ۲- راسخون rasekhoon.net
 - ۳- کتابخانه قائمیه ghbook.ir
 - ۴- کتابخانه الکترونیکی شیعه ebookshia.com
 - ۵- ویکی شیعه fa.wikishia.net



تحلیلی از عوامل پیدایش طلاق

مریم یوسفی عزت^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۱

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی عوامل زمینه‌ساز طلاق و اهمیت تربیت در زمان کودکی به ویژه در محیط خانواده است که با روش توصیفی و تحلیلی صورت گرفته است. خانواده به عنوان رکن اصلی جامعه اسلامی و نخستین محیط اجتماعی، نقشی حیاتی در شکل‌گیری شخصیت و روابط زناشویی افراد ایفا می‌کند. براساس آیات و روایات، تربیت صحیح اعضای خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و ضعف در ادراکات شناختی، عاطفی و روانی می‌تواند منجر به ناتوانی در مدیریت تعارض‌ها و ایجاد تصورات نادرست از روابط زناشویی شود. یافته‌های پژوهش حاکی است که، تربیت ناصحیح والدین می‌تواند چرخه‌ای از روابط ناکارآمد و طلاق را در نسل‌های بعدی ایجاد کند. توجه به روش‌های صحیح تربیتی و گنجانیدن ارزش‌ها و باورهای اسلامی در فرآیند تربیت با تاکید بر پرورش قوه تفکر و تعقل، از الزامات اساسی برای پیشگیری از بروز مشکلات خانوادگی به شمار می‌رود. علاوه بر این، تربیت مادام‌العمر و مسئولیت فرد در اصلاح خود نیز به عنوان اصول اساسی رشد فردی و اجتماعی مطرح هستند. بنابراین، برای کاهش آمار طلاق و بهبود کیفیت زندگی زناشویی، ضروری است که خانواده‌ها به تربیت صحیح شخصیت‌ها از دوران کودکی توجه کنند و محیطی سالم برای رشد قدرت عقل و اندیشه فرزندان خود را فراهم آورند.

کلیدواژه‌ها: طلاق، خانواده، جامعه، تربیت، تفکر و تعقل

^۱. دانشجوی کارشناسی ارشد / رشته آموزش و پرورش ابتدایی / واحد قم / دانشگاه آزاد اسلامی / قم /

مقدمه

خانواده، مهم‌ترین رکن جامعه اسلامی است و می‌توان وجود آن را از ابتدای خلقت جست‌وجو کرد. حضور انسان در دنیا از میان اعضای خانواده آغاز می‌شود. اولین آغوش، آغوش والدین است. نخستین تعامل بشر در این کانون شکل می‌گیرد که تأثیری عمیق بر شخصیت او دارد. در حقیقت، خانواده محور اصلی تربیت و شکوفایی قوای نهانی آدمیان است.

یکی از چالش‌های اساسی که می‌تواند برای این رکن خطرآفرین باشد، طلاق است. طلاق در لغت به معنای جدا شدن زن از شوهر و رها شدن زن از قید نکاح است (معین، ۱۳۸۱، ۱/۷۴) و در اصطلاح به ازاله رابطه زوجیت در عقد دائم که به صیغه خاص با عدلین انجام می‌شود، اطلاق می‌گردد (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۴۷۰).

در اسلام، ازدواج به عنوان امری مقدس شناخته می‌شود و به شیوه‌های مختلف، انسان‌ها را به این امر شریف تشویق کرده است. از سوی دیگر، برای استحکام و ثبات خانواده، طلاق به عنوان منفورترین حلال معرفی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «ناخوشایندترین کار حلال، نزد خداوند، طلاق است» (نهج الفصاحه، ص ۱۵۷، ح ۱۶). ایشان همچنین بیان کرده‌اند: «هیچ چیز نزد خدای عزوجل محبوب‌تر از خانه‌ای نیست که با ازدواج در اسلام آباد شود.» (کافی، ج ۵، ص ۳۲۸).

هرچند طلاق در زمره امور حلال است، اما به شدت منفور و ناپسند است. امام صادق علیه السلام نیز در روایتی می‌فرمایند: «ازدواج کنید و طلاق ندهید، زیرا عرش خدا از طلاق می‌لرزد» (مکارم الأخلاق، جلد ۱، ص ۱۹۷). براساس آموزه‌های اسلامی، باید در امر طلاق احتیاطی مضاعف صورت گیرد و این اقدام تنها پس از طی مراحل متعدد و با تأمل کافی انجام شود. در حقیقت، طلاق باید به عنوان آخرین گزینه باشد و در صد و یکمین گام، پس از بیمودن صد گام سودمند دیگر صورت گیرد.

هرچه وضعیت سلامت خانواده بیمارگونه باشد، این بیماری به فرزندان و نسل‌های بعدی منتقل خواهد شد. یکی از این بیماری‌ها، طلاق است؛ از جمله طلاق‌های ناروا. طبق بیان مشاوران و روانشناسان آمار طلاق‌های ناروا، بیش از طلاق‌های روا است.

طلاق‌های ناروا بدان معنا که آن طلاق، طلاقی نابحق یا نامعقول است و امکان حفظ آن خانواده وجود دارد. اما شوربختانه، به دلایلی طلاق ناروا انجام می‌گیرد. با توجه به آمار نگران‌کننده طلاق، برای دستیابی به جامعه‌ای مستحکم و سالم ضروری است که به جست‌وجوی ریشه‌های این پدیده پرداخته و در اندیشه یافتن راهکارهای موثر باشیم. هدف در مقاله حاضر، بررسی ریشه‌های عمیق، و پنهان از دید مریبان جامعه که باعث تصمیم به طلاق‌های ناروا در زوجین می‌شود، است. فرضیه‌های مقاله حاضر عبارت است از: ۱. عواملی پنهان در تصمیم به طلاق وجود دارد. ۲. عمل تصمیم‌گیری به طلاق ریشه در شیوه تعلیم و تربیت خانواده زوجین و مریبان آن جامعه دارد. ۳. پرورش ندادن قوای درونی انسان توسط خود، نیز در تصمیم‌گیری‌های ناروای طلاق مؤثر است.

پیشینه

جعفری ندوشن و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «بررسی و مقایسه سلامت روان و سازگاری و تنظیم هیجان شناختی زنان مطلقه با زنان متأهل شهرستان یزد» می‌نویسند: شناسایی عوامل مؤثر در وقوع طلاق یکی از اولویت‌های بهداشت روان است.

در تحقیقات پیشین، عوامل متعددی برای طلاق شناسایی شده است. بنابراین، این پژوهش در صدد بررسی یکی از بنیادی‌ترین ریشه‌های عوامل زمینه‌ساز طلاق در بستر جامعه‌ای اسلامی است تا خانواده‌ها هوشیار باشند و با آگاهی کامل برای هر مرحله از زندگی، گامی مؤثر بردارند و در حفظ رکن خانواده در نسل‌های آینده نقشی کلیدی ایفا کنند.

چیس والری (۱۹۸۱) در مقاله «ارزیابی‌های درمانگران از فراوانی و شدت مشکلات زناشویی: پیامدهایی برای پژوهش» که این پژوهش به جای زوج‌های مطلقه، بر روی متخصصین این حوزه انجام شده است، به نتایج قابل توجهی دست یافتند. در این تحقیق از ۲۵۰ عضو انجمن خانواده‌درمانی آمریکا خواسته شد تا براساس تجارب



حرفه‌ای خود، آسیب‌زاترین حیطه‌ها را به ترتیب اهمیت مشخص کنند. ۱۰ حیطه‌ای که توسط متخصصین شناسایی شدند عبارتند از: ۱. مشکلات ارتباطی ۲. توقعات غیرواقع‌گرایانه از ازدواج و همسر ۳. جنگ قدرت ۴. مشکلات شخصیتی جدی ۵. تعارض نقش‌ها ۶. فقدان احساس محبت و عشق ۷. عدم ابراز عواطف ۸. الکلیسم ۹. خیانت و ۱۰. مشکلات جنسی.

همچنین، هنریان و یونسی (۱۳۹۰) در یک پژوهش داخلی با عنوان «بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران» مهم‌ترین علل طلاق را به ترتیب فراوانی بیان کرده‌اند: ۱. عدم وجود مهارت‌های ارتباطی ۲. بیماری‌های روانی ۳. عدم بلوغ فکری ۴. اعتیاد ۵. عدم مسئولیت‌پذیری ۶. تفاوت‌های فرهنگی ۷. وجود شخص دیگر ۸. مشکلات اقتصادی ۹. دخالت اطرافیان و ۱۰. ضرب و شتم.

براساس روان‌شناسی یونگ، می‌دانیم که هر انسانی نقابی بر چهره دارد و اصل درونیات خود را بنابر عواملی، آشکار نمی‌کند. دلایلی که در پژوهش‌های پیشین یافت شده است، اغلب دلایلی دادگاهی/حقوقی یا آشکار مانند مجادله میان همسران هستند. برای حفظ کانون خانواده، باید عواملی عمیق‌تر را بررسی کرد تا موجب بروز دلایل طلاق نشود. برای نمونه، اعتیاد باعث طلاق همسر فرد شده، می‌بایست عاملی را که باعث اعتیاد شده است، بیابیم. مقاله کنونی، نگاهی عمیق‌تر به بررسی عوامل طلاق دارد.

عوامل زمینه ساز طلاق

۱. ناتوانی در مدیریت تعارض‌ها

مدیریت تعارض یک مهارت حیاتی در روابط زناشویی است که می‌تواند به کاهش نرخ طلاق کمک کند. مک‌گناگل و همکاران (۱۹۹۲) در نتایج یک پژوهش با عنوان «فراوانی و عوامل تعیین‌کننده اختلافات زناشویی در یک نمونه جامعه‌شناختی» نشان می‌دهند، ۹۸/۵ درصد زوجین گزارش می‌کنند که بین آن‌ها عدم توافق‌ها و مخالفت‌هایی وجود دارد و بیشتر آن‌ها اعلام می‌کنند که ماهی یک بار یا بیشتر دچار

کشمکش و تعارض می‌شوند.

وندزبی و اسوی دین (۱۹۹۹) در پژوهش خود روی ۱۵۷ نفر مطلقه سوئدی تحت عنوان «طلاق: تجارب متفاوت مردان و زنان» به این نتیجه دست یافته‌اند که تعارض‌های مختلف، مهم‌ترین دلیل طلاق در نیمی از این افراد بود.

گاتمن و سیلور (۱۹۹۹) در کتاب خود تحت عنوان «هفت اصل برای موفقیت در ازدواج» نوشته‌اند: برخلاف تصور عمومی، به نظر می‌رسد بیش از نیمی از تعارض‌های ایجادشده بین زوجین اساساً قابل حل نیستند؛ هنر زوج‌های موفق در این است که برای این تعارض‌ها راه حلی یافته‌اند، یعنی آموخته‌اند که مشکل را در جای خود نگاه دارند و شوخ‌طبعی‌شان را نسبت به آن حفظ کنند.

مظاهری (۱۴۰۱) در کتاب خود «جنگ و صلح همسران» برای این باور است که نه تنها طبیعی نیست بلکه باید هیچ آشوبی میان همسران برپا نشود؛ زیرا با هر دعوا، یک ترک به جام عشق زن و شوهر می‌خورد.

هاشمی و اصغری ابراهیم آباد (۱۳۹۵) در پژوهشی تحت عنوان «نقش سواد عاطفی در پیش‌بینی طلاق عاطفی با میانجیگری حل تعارض» به این نتیجه دست یافتند که سواد عاطفی و حل تعارض پیش‌بینی‌کننده‌های طلاق عاطفی هستند. همچنین متغیر حل تعارض در رابطه بین سواد عاطفی و طلاق عاطفی نقش واسطه‌ای دارد. بنابراین می‌توان گفت که زوجین به دلیل ضعف سواد عاطفی و ناتوانی در حل تعارض، طلاق عاطفی را تجربه می‌کنند.

۲. مسائل اقتصادی

طالعی نیا (۱۳۷۸) در کتاب خود با عنوان «در جست‌وجوی همسر» می‌نویسد: مشکلات مالی و عدم تأمین معیشت، فقر، پایین بودن سطح درآمد خانواده، بیکاری، مسکن نامناسب، بالا بودن نرخ خرید و اجاره مسکن و فقدان ثبات شغلی هریک از زوجین می‌تواند در بروز طلاق سهم داشته باشد. همچنین بالا بودن سطح توقع زوجین در ابتدای زندگی و بسنده نکردن به حداقل‌ها فشار مضاعفی را به خانواده تحمیل





می‌کند و بدین ترتیب مسائل اقتصادی زمینه‌ای برای بروز طلاق بین زوجین فراهم می‌آورد.

طالبی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود «شناسایی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر طلاق در بین صاحب نظران و مطلعین (سامانه درخواست طلاق «تصمیم») در شهر بیرجند» علل اصلی و فرعی اقتصادی طلاق را چنین نام برده‌اند: ۱. عدم آشنایی با حقوق قانونی (دریافت درآمد زن توسط مرد، عدم مسئولیت‌پذیری مالی نسبت به زوجه، عدم تحقق شروط ضمن عقد، عدم پرداخت نفقه) ۲. اشتغال (شغل همسر، دوشغله بودن، شغل زن و تقسیم درآمد، از دست دادن کار) ۳. عدم استقلال مالی زوج (وابستگی مالی به خانواده زوج یا زوجه) ۴. مشکلات مالی و ورشکستگی.

۳. فضاهای مجازی

حسینی (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «طلاق و آسیب‌های آن بر خانواده و اجتماع» می‌نویسد: در فضاهای مجازی ممکن است مردی با زنی یا زنی با مردی دیگر ارتباط برقرار کند. این ارتباطات به تدریج منجر به چت کردن و سپس قرار ملاقات گذاشتن می‌شود و در نهایت ممکن است آن‌ها خواستار جدایی از همسر خود شوند تا سراغ دیگری بروند. جنگ و دعواهای بی‌پایان بر سر فضای مجازی نیز زمینه طلاق را برای زوجین فراهم می‌کند.

فرهاد و فرهادی (۱۴۰۰) در مقاله «پیش‌بینی تمایل به طلاق از طریق اعتیاد به فضای مجازی، خیانت‌های اینترنتی و اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای در افراد متقاضی طلاق» می‌نویسند که خانواده‌هایی که از اینترنت زیاد استفاده می‌کنند اعتماد به نفس و خودپنداره ضعیف‌تری نسبت به گروه دیگر دارند و در مجموع هویت شخصی آن‌ها ضعیف‌تر و پنداشت آن‌ها از خودشان منفی‌تر است. به طور کلی می‌توان گفت که ورود کامپیوتر و اینترنت به زندگی فرد و جذابیت آن و به ویژه فضای آزاد و فارغ از هویتی که برای فرد فراهم می‌کند، موجب می‌شود که وی کمتر در میان خانواده و آشنایان حضور یابد و گاه در میان آن‌ها احساس غربت کند و در فضای مجازی و در کنار انسان‌های

بیگانه و ناآشنا احساس رهایی و امنیت بیشتری داشته باشد لذا تعدد مراجع و کانال‌های ارتباطی و تنوع ارزشی و فرهنگی کسانی که فرد با آن‌ها در تعامل قرار می‌گیرد شخص را دچار آنومی ارزشی می‌کند و سرگشتگی و هویت شخصی او را دستخوش ضعف و عدم انسجام می‌کند. رشد فراگیر اینترنت در زندگی بشری که همه نوع نیاز کاربر (اعم از نیازهای اجتماعی، عاطفی، جنسی و...) را تأمین کند یک نوع وابستگی بیش از اندازه به اینترنت برای کاربر ایجاد می‌کند که منجر به جدایی زندگی واقعی از دنیای مجازی می‌گردد. در نتیجه، اعتیاد به فضای مجازی، اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای و خیانت‌های اینترنتی با میل به طلاق در افراد متأهل متقاضی طلاق رابطه معنی‌داری دارند.

شاکری و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله پژوهشی خود با عنوان «نقش واسطه‌ای نگرش به خیانت و تعارضات زناشویی در رابطه بین استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و طلاق عاطفی در معلمان متأهل شهر مشهد» به این نتیجه دست یافته‌اند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی به طور مثبت با طلاق عاطفی و تعارضات زناشویی مرتبط است. در عصر دیجیتال، شبکه‌های اجتماعی به یکی از ابزارهای اصلی ارتباطی تبدیل شده‌اند و این امر می‌تواند تأثیرات عمیقی بر روابط زناشویی داشته باشد. حضور مداوم در این فضاها ممکن است زمان و انرژی زوجین را از تعاملات واقعی و عمیق با یکدیگر بگیرد و به جای آن، آنها را به سمت ارتباطات سطحی و غیرواقعی سوق دهد. استفاده از شبکه‌های اجتماعی همچنین می‌تواند منجر به تغییر در ساختار قدرت و نقش‌ها در خانواده شود. با افزایش دسترسی به اطلاعات و ارتباطات، ممکن است برخی افراد احساس کنند که قدرت بیشتری نسبت به همسران خود دارند، که این امر می‌تواند موجب بروز رقابت‌ها و تنش‌ها شود. این تغییرات ممکن است باعث ایجاد نارضایتی و بی‌اعتمادی بین زوجین گردد.

مصلایی راد و همکارش (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان «بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین استان البرز» دریافتند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی، به ویژه اینستاگرام، تأثیرات منفی قابل توجهی بر روابط زناشویی دارد. با وجود اینکه رسانه‌های اجتماعی می‌توانند





فرصت‌هایی برای ارتباط فراهم کنند، اما در واقعیت، آن‌ها ممکن است منجر به کاهش تعاملات واقعی و صمیمانه بین زوجین شوند. از پیامدهای منفی شبکه‌های اجتماعی، به ویژه اینستاگرام می‌توان به این موارد اشاره کرد: ۱. کاهش صمیمیت: افزایش زمان صرف شده در شبکه‌های اجتماعی ممکن است باعث کاهش زمان صرف شده برای برقراری ارتباطات عاطفی واقعی شود. این امر می‌تواند به سردی روابط زناشویی و طلاق عاطفی منجر گردد. ۲. تأثیر بر کیفیت زندگی خانوادگی: نتایج تحقیق نشان می‌دهد که فعالیت‌های آنلاین ممکن است جایگزین تعاملات خانوادگی شوند، که این موضوع می‌تواند منجر به ایجاد فاصله عاطفی و کاهش کیفیت زندگی خانوادگی گردد. ۳. لزوم مدیریت استفاده از رسانه‌ها: با توجه به یافته‌ها، ضروری است که زوجین مهارت‌های ارتباطی را تقویت کنند و نسبت به استفاده از رسانه‌های اجتماعی آگاهی بیشتری داشته باشند تا از آسیب‌های ناشی از آن جلوگیری کنند.

۴. مسائل فرهنگی-اجتماعی

ساروخانی (۱۳۸۶) در کتاب خود با عنوان «طلاق، پژوهش در شناخت واقعیت و عوامل آن» می‌نویسد: عوامل فرهنگی و اجتماعی که باعث طلاق بین زوجین می‌شوند عبارتند از: ضعف در آگاهی از نقش زوجین پیش از ازدواج، دخالت مستقیم و غیرمستقیم وابستگان و اطرافیان در زندگی زوجین، اختلاف تحصیلاتی زوجین، انگیزه ازدواج، نحوه آشنایی زوجین، شناخت ناکافی خانواده‌های زوجین نسبت به یکدیگر، حمایت خانواده‌ها از طلاق فرد یا بی‌تفاوتی نسبت به آن، تصور مثبت از پیامدهای طلاق، تفاوت سنی زیاد بین زوجین و خشونت خانوادگی.

طالبی و همکاران (۱۴۰۱) در مقاله خود «شناسایی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر طلاق در بین صاحب‌نظران و مطلعین (سامانه درخواست طلاق «تصمیم») در شهر بیرجند» علل اصلی و فرعی اجتماعی طلاق را نام برده‌اند: ۱. ازدواج ناموفق (اختلاف سنی، ازدواج سریع و بدون تفکر مطلقین، باورهای نادرست ازدواج زوجین، ازدواج‌های مصلحتی و تحمیلی و اجباری، شناخت ناکافی از نقش‌های

همسری، کودک همسری، سخت‌گیری در ازدواج، روابط نادرست دختر و پسر پیش از ازدواج) ۲. دخالت خانواده‌ها (حمایت شدید از فرزند پس از ازدواج، توقعات غیرمنطقی پدر و مادر) ۳. سبک زندگی (حجاب، فضای مجازی، تجمل‌گرایی، کاهش فرزندآوری، دوستان، زیاده‌خواهی زنان) ۴. آسیب‌های اجتماعی (اعتیاد همسر، خیانت) ۵. مشکلات مرتبط با نهادهای مسئول (فقدان زیرساخت برای ازدواج) ۶. تمایل افراد به زندگی فردگرایانه (عدم شناخت واقعی از آزادی) ۷. ظاهر خانواده ۸. نابرابری‌های زنان و مردان در جامعه ۹. عدم حضور زوج در خانه ۱۰. تفاوت طبقاتی ۱۱. کم‌رنگ شدن باورهای مذهبی. همچنین، به عوامل اصلی و فرعی فرهنگی طلاق اشاره کرده‌اند: ۱. تفاوت‌های مذهبی ۲. رسانه‌های جمعی (نبود سواد رسانه‌ای، آموزش رسانه‌ای نادرست) ۳. تفاوت در نگرش و ادراک (تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی) ۴. عدم شکل‌گیری مناسب ازدواج (انتخاب بر اساس ظاهر، نبود ملاک و معیار مناسب در انتخاب اولیه) ۵. عدم مراجعه به مشاور (آگاه نبودن درباره مسائل روان‌شناسی و روان‌شناختی) ۶. تفاوت در فرهنگ (اختلاف منطقه‌ای، عدم شناخت فضای زندگی؛ مدرنیته یا سنتی) ۷. پیشرفت مطالعاتی و فرهنگی زنان ۸. شکسته شدن قبح طلاق.

۵. مسائل روانشناختی

حسینی (۱۴۰۰) در مقاله خود با عنوان «طلاق و آسیب‌های آن بر خانواده و اجتماع» می‌نویسد: عوامل روانشناختی و فردی شامل: عوامل ارثی و فیزیولوژیک، ویژگی‌های شخصیتی و روانی هستند. مهم‌ترین عوامل روانشناختی زمینه‌ساز طلاق عبارتند از: وجود اختلالات و ناهنجاری‌های روانی در خانواده و زندگی زناشویی، احساس تنفرو پایان عشق طرفین به یکدیگر، ویژگی‌های روانی و عصبی غیرقابل تحمل، بدبینی مفرط، روان‌پریشی و وسواس فکری و عملی، تفکر غیرمعقول و باورهای غیرمنطقی و خصومت با یکدیگر.

آزادی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی تحت عنوان «رابطه توانایی حل مسئله خانواده و باورهای غیرمنطقی با مشکلات و ناسازگاری زناشویی» نشان می‌دهند که





ریشه مشکلات زناشویی و خانوادگی از باورهای غیرمنطقی یک یا هر دو زوج نشأت می‌گیرد. روابط زناشویی و خانوادگی آشفته بیشتر تحت تأثیر مسائل موجود میان اعضای خانواده باشد، تحت تأثیر ادراکات و تصوراتی است که اعضای خانواده نسبت به رویدادها و مسائل دارند.

امروزه با توجه به سرعت بالای تغییرات در فرآیند توسعه جهانی به ویژه از طریق فناوری‌های نوین و تأثیرگذاری فرهنگ غرب، الگوهای ارتباطی افراد و جوامع به سرعت در حال تحول است. در این راستا، تغییرات اجتماعی منجر به دگرگونی ارزش‌ها، هنجارهای اجتماعی، عقاید و طرز تفکر می‌شود که این امر بر روش‌های همسرگزینی، انتظارات زوجین، روابط آن‌ها و درنهایت ناتوانی در حفظ کانون خانواده تأثیر می‌گذارد. طلاق، ریشه‌های گوناگون دارد؛ مانند مسائل اقتصادی، روانشناختی، فرهنگی و اجتماعی که همه این عوامل در ارتباط با یکدیگر و برهم تأثیرگذار هستند.

۲. ریشه عوامل زمینه‌ساز طلاق

۲-۱. منابع تربیتی؛ محیط

می‌خواهیم آدمی را به سان یک درخت بدانیم. می‌دانیم که ریشه‌های درخت مهم‌ترین عضو آن هستند و اگر بخواهیم درختی تنومند داشته باشیم باید ریشه‌ها را تقویت کنیم درختی را که خوب محصول نمی‌دهد می‌کاویم، هرس می‌کنیم تا بهتر شود اما اگر ریشه، ریشه خوبی نباشد هرس کردن‌ها و آبیاری ما بی‌فایده است. درختی که ریشه‌اش درمان نشود درختی بی‌ثمر است. و اما آن ریشه باز هم ریشه دارد. بنابراین، به قدری می‌کاویم تا بالاخره به آن ریشه پنهان و عمیق می‌رسیم.

سالم بودن بذر، نور کافی، حاصل خیزی خاک و منطقه اقلیمی مناسب از ریشه‌های ریشه درخت هستند. اگر آب و هوا مناسب نباشد بذر خوب و خاک حاصلخیز را چه سود! بذر ثمر نمی‌دهد یا ثمر خوب و کاملی نمی‌دهد.

اینک برای بهبود وضعیت جامعه اسلامی ایران در زمینه ازدواج، طلاق، ارتقاء کیفیت زندگی زناشویی و حفظ بنیان خانواده نگاهمان را عمیق‌تر می‌کنیم. قطعاً در

نظام آفرینش شگرف الاهی همه امور به یکدیگر وابسته و مرتبط هستند. بنابراین معلول «الف» علت «ب» دارد و علت «ب» که خود نیز معلول است، علت «ج» دارد و علت «ج» علت «د» دارد. منابع تربیتی محیطی شامل کتابخانه‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، خانواده، مربیان، دوستان، فضای مجازی، حکومت، مسئولین و رفتار آدمیان در همه این فضاها است.

انسان موجودی اجتماعی آفریده شده است. شخصیت او تحت تاثیر محیط شکل می‌گیرد. به مرور زمان روابط او از چهارچوب خانواده به منابع دیگر گسترش می‌یابد. مغز و ذهن انسان فراگیر است؛ هرچه را می‌بیند و هرچه را می‌شنود جذب می‌کند. این امر از دو منبع انجام می‌شود:

۱. فضای فیزیکی محیط: انسان در زمان کودکی هرچه را که می‌بیند با آن انس می‌گیرد. اگر از آن لذت برده یا بدون تنش در آن محیط بزرگ شده باشد، به آن علاقمند می‌شود. او در بزرگسالی با آن اشیا و فضا آرام می‌گیرد. برای مثال انسانی که در زمان کودکی بیشتر زمان خود را در کتابخانه بوده است در بزرگسالی یکی از پناهگاه‌های آرام او کتابخانه و کتاب می‌شود. یا کودکی که شغل پدرش نجاری بوده او در میان چوب‌ها بازی کرده و لذت برده باشد، حتی اگر یک دختر باشد در بزرگسالی در فضای چوبی آرامش خاطر می‌یابد.

۲. رفتارهای محیطی: انسان، با توجه به فرمایش مولای جانمان حضرت علی -علیه السلام- به اهمیت رفتار محیطی در تربیت پی می‌بریم. ایشان فرموده‌اند: «مردم به زمان خود بیشتر شبیه‌ترند تا به پدران خود.» کودک، مقلد و الگوبردار است. هر رفتاری را ببیند، هر گفتاری را بشنود و هر احساسی را حس کند از همان الگوبرداری کرده و شخصیت خود را شکل می‌دهد. بنابراین ساخت شناختی عاطفی و روانی کودک در محیط شکل می‌گیرد و در بزرگسالی مطابق آن ساختار رفتار می‌کند.





۲-۲. طلاق و کاستی در تربیت

نور و خاک برای بذر یعنی خانواده. برای جوانه زدن یک بذر علاوه بر نور باید خاک، درجه حرارت کافی، رطوبت و تراکم مناسب داشته باشد. نور منهای خاک به تنهایی کافی نیست و خاک هم بدون نور بی‌ثمر است و هر دو برای جوانه زدن یک بذر ضروری هستند. نور و خاک همان همسران هستند. اینک با توجه به سخن شیوای امیر مومنان علی - علیه السلام - به اهمیت سلامت اخلاقی و رفتاری والدین پی می‌بریم که ابتدا باید آن‌ها درستکار باشند تا فرزندی عالیقدر از آن‌ها برآید. «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا، [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ فِلْيَبْدَأُ بِتَعْلِيمٍ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ؛ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ وَمُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا، أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ]»؛ آن کس که خویشتن را به پیشوایی مردمان گمارد و مقتدای آنان شود، باید که: ۱. پیش از تعلیم (و تربیت) دیگران، به آموزش (و پرورش) خویش پردازد. ۲. و باید که ادب کردنش، با سیره و کردارش باشد، پیش از آنکه با زبان و گفتارش باشد. ۳. و آن کس که آموزگار و ادب کننده خویش است، بیش از آن کس که معلم و مربی دیگران است، شایسته تجلیل و بزرگداشت است.

اینک به استعداد درونی خود بذر به عنوان انسان می‌پردازیم. بعد از دریافت همه شرایط برای جوانه زدن، نوبت به خود بذر می‌رسد. اوست که باید توانمند باشد، ریشه بدواند، شاخه و برگ و میوه دهد. بعد از گذر دوران کودکی، آرام آرام این منابع درونی انسان هستند که سرنوشت آدمی را تعیین می‌کنند. منابع درونی تربیتی پنهان، قدرت فکر، عقل و اندیشه است.

انسان نباید به طور کامل به دیگران، خانواده، حکومت و محیط برای تربیت خود وابسته باشد. او نیز باید در تربیت خویش مسئولیت‌پذیر باشد و بتواند خود را اصلاح کند و رشد دهد. در ابتدا، منابع بیرونی اهمیت دارند، اما با گذشت زمان، منابع درونی خود انسان به عامل اصلی تعیین‌کننده تبدیل می‌شوند. انسان متفکر همواره بر این باور است که تربیت خویشتن وظیفه‌ای ضروری است و با افزایش علم، نیاز به آن را بیشتر

احساس می‌کند. همان‌طور که در حدیث آمده است: «حَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ أَنْ تُعْجَبَ بِعِلْمِكَ»؛ برای نادانی تو همین بس که به دانش خود بنازی! (بحارالانوار، ج ۲، ص ۴۸). به همین دلیل، فرد عاقل در زمان مواجهه با چالش‌هایی مانند طلاق، پیش از مراجعه به دادگاه خانواده، تفکر می‌کند، راهنمایی می‌گیرد، صبوری می‌ورزد و مسیرهای مفید نرفته را بررسی کرده و سپس تصمیم می‌گیرد که آیا بماند یا برود. امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «تَذَاكُرُ الْعِلْمِ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ قِيَامِ لَيْلَةٍ»؛ یک ساعت مذاکره علمی بهتر از یک شب عبادت است (بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۴). مذاکره علمی تنها محدود به علوم ریاضی، شیمی و پزشکی نیست؛ بلکه هرآنچه که انسان را متفکر سازد و به رشد او کمک کند، می‌تواند یک فعالیت علمی باشد. بهتر است در این زمینه از متخصصان و مشاوران مجرب بهره‌برداری شود. افراد دانا پیش از هر اقدامی تفکر می‌کنند؛ یعنی موضوعات مختلف را بررسی کرده و خالصی‌ها و ناخالصی‌ها را از هم جدا می‌کنند. آن‌ها قبل و بعد از عمل را تحلیل کرده و راه‌های مختلف را مد نظر قرار می‌دهند. همچنین انتهای هر مسیر را پیش‌بینی کرده و از تجربیات دیگران عبرت می‌گیرند. در زمان‌های خشم و سرگردانی مشورت کرده و پیامدهای مثبت و منفی هر تصمیمی را ارزیابی می‌کنند. این فرایندها توسط عقل و تفکر انسان انجام می‌شود.

بنابراین، پرورش استعدادها، عقلی و اندیشه، ابتدا توسط خانواده، سپس توسط خود انسان، نقش بسزایی در تعیین مسیر و آینده یک خانواده دارد.

نتیجه‌گیری

پدیده طلاق به عنوان یکی از چالش‌های اساسی در جوامع معاصر، به‌ویژه در ایران، تحت تأثیر عوامل متنوع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و روانشناختی قرار دارد. این پژوهش با هدف بررسی ریشه‌های طلاق و اهمیت تربیت صحیح در محیط خانواده، به تحلیل این عوامل پرداخته است.

نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که عوامل فرهنگی و اجتماعی از جمله ضعف در



تربیت صحیح، ناتوانی در مدیریت تعارض ها و تأثیرات منفی فضای مجازی، نقش مهمی در بروز طلاق دارند. خانواده به عنوان نهاد اصلی اجتماعی، باید توجه ویژه ای به تربیت فرزندان داشته باشد و مهارت های ارتباطی و حل تعارض را در آن ها تقویت کند. همچنین، دخالت های غیرمؤثر خانواده ها و انتظارات غیرواقع بینانه می تواند فشارهای مضاعفی را بر زوجین تحمیل کند که این امر موجب افزایش تنش ها و بروز اختلافات می شود.

از سوی دیگر، مسائل اقتصادی نیز به عنوان یکی از عوامل کلیدی در بروز طلاق شناسایی شده است. مشکلات مالی، عدم تأمین معیشت و وابستگی مالی می تواند به تنش های جدی در زندگی مشترک منجر شود. لذا لازم است که سیاست گذاران برنامه هایی برای حمایت از خانواده ها در زمینه مسائل اقتصادی تدوین کنند تا فشارهای مالی بر روی زوجین کاهش یابد.

علاوه بر این، عوامل روانشناختی نظیر اختلالات روانی، ویژگی های شخصیتی ناپایدار و باورهای غیرمنطقی نیز تأثیر بسزایی در افزایش احتمال طلاق دارند. احساس تنفرو بدبینی مفرط می تواند روابط زناشویی را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین، آموزش مهارت های سواد عاطفی و حل تعارض برای زوجین ضروری است.

با توجه به آمار نگران کننده طلاق و پیامدهای منفی آن بر خانواده و جامعه، ضروری است که تمامی افراد جامعه نسبت به اهمیت حفظ بنیان خانواده توجه داشته باشند. ایجاد شبکه های حمایتی برای زوجین، ترویج فرهنگ خانواده محور از طریق رسانه ها و افزایش آگاهی عمومی درباره پیامدهای طلاق باید مورد توجه قرار گیرد.

به طور کلی، برای کاهش آمار طلاق و بهبود کیفیت زندگی زناشویی، لازم است که خانواده ها به تربیت صحیح شخصیت ها از دوران کودکی توجه کنند و محیطی سالم برای رشد قدرت عقل و اندیشه فرزندان خود فراهم آورند. این اقدامات نه تنها به کاهش آمار طلاق کمک خواهد کرد بلکه کیفیت زندگی زناشویی را نیز ارتقاء خواهد داد.

در آخر، پیشنهاد می شود که در کشورمان، روش های تدریس و تربیتی در جهت

شکوفاسازی قوهٔ عقل و اندیشه باشد. در این راستا، آموزش‌های لازم به والدین داده شود. معلمان و مربیان کارآمدتری در رأس کار قرار گیرند. محتوای آموزشی با محیط واقعی زندگی مطابقت داشته باشد. ارزش بنیان خانواده و حفظ آن از زمان کودکی در ذهن کودکان نهادینه شود.



منابع

۱. آزادی، زینب؛ کیمیایی، سیدعلی؛ عباسی بوردنرق، سکینه (۱۳۹۳). رابطه توانایی حل مسأله خانواده و باورهای غیرمنطقی با مشکلات و ناسازگاری زناشویی؛ پژوهش‌های نوین روانشناختی، ۹ (۳۶)، ۱-۱۷.
۲. مجلسی، محمد باقر، بهبودی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۴، ناشر: اسلامیه، ۱۳۷۵ ش
۳. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۹). وسیط در ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش. شماره ۸.
۴. جعفری ندوشن، علی؛ زارع، حسن؛ حسینی هنزایی، اعظم؛ پورصالحی نویده، مرضیه؛ زینی، مرضیه (۱۳۹۴). بررسی و مقایسه سلامت روان و سازگاری و تنظیم هیجان شناختی زنان مطلقه با زنان متأهل شهرستان یزد؛ فصلنامه زن و جامعه، ۶ (۲۲)، ۱-۱۶.
۵. حسینی، طاهره (۱۴۰۰). طلاق و آسیب‌های آن بر خانواده و اجتماع؛ پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، ۴ (۶)، ۹-۲۳.
۶. سید رضی، محمد بن حسین، خصائص الأئمه، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ق ۷.
۷. ساروخانی، باقر (۱۳۸۶). طلاق، پژوهش در شناخت واقعیت و عوامل آن. تهران: دانشگاه تهران.
۸. طالعی نیا، محسن (۱۳۷۸). در جست‌وجوی همسر. تهران: شقایق.
۹. طالبی، محمدعلی؛ محمدانق، ناز؛ دوستی، عصمت (۱۴۰۱). شناسایی علل اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مؤثر بر طلاق در بین صاحب‌نظران و مطلعین (سامانه درخواست طلاق «تصمیم») در شهر بیرجند؛ راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۱۱ (۴)، ۶۱۴-۶۴۱.
۱۰. فرهاد، آذین؛ فرهادی، هادی (۱۴۰۰). پیش‌بینی تمایل به طلاق از طریق اعتیاد به فضای مجازی، خیانت‌های اینترنتی و اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای در افراد متقاضی طلاق؛ فصلنامه ایده‌های نوین روانشناسی، ۸ (۱۲)، ۱-۱۴.
۱۱. اکلینی، یعقوب، اصول کافی، کمره‌ای، محمد باقر، سازمان اوقاف و امور خیریه،

۱۳۷۹ش، تهران

۱۲. مصلائی راد، سارا؛ ملکیان، نازنین (۱۴۰۲). بررسی رابطه بین ارتباطات میان فردی در شبکه اجتماعی اینستاگرام با طلاق عاطفی در زوجین استان البرز؛ پژوهش‌های جامعه شناختی، ۱۷ (۱)، ۸۱-۱۰۲.

۱۳. مظاهری، علی اکبر (۱۴۰۱). جنگ و صلح همسران. قم: جمال.

۱۴. معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی معین. تهران: انتشارات معین.

۱۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، مقدمه و تعلیق محمد الحسین الاعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۲ق/۱۹۷۲م.

۱۶. نهج الفصاحه؛ ترجمه علی اکبر مظاهری، قم: جمال.

۱۷. هاشمی، سیده فاطمه؛ اصغری ابراهیم آباد، محمد جواد. (۱۳۹۵). نقش سواد عاطفی در پیش بینی طلاق عاطفی با میانجیگری حل تعارض؛ فصلنامه تعالی مشاوره و روان درمانی، ۵ (۱۷)، ۷۲-۵۹.

۱۸. هنریان، مسعود؛ یونسی، سید جلال (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران؛ مطالعات روانشناسی بالینی، ۱ (۳)، ۱۲۵-۱۵۳.

۱۹. Geiss, S, K. & Oleary, K. Therapist Ratings of frequency and severity of marital problems: implications for research. Journal of marital & Family therapy. ۱۹۸۱; ۷ (۴), ۵۱۵-۵۲۰.

۲۰. Gottman. J. M. & Silver, N. (۱۹۹۹). Seven principles for making Marriages work. New York: Three Rivers Press.

۲۱. Mc Gonagle, K.A., Kessler, R.C., & Schilling, E.A. The frequency and determinants of marital disagreements in a community sample. Journal of social and personal Relationships. ۱۹۹۲; ۹ (۴), ۵۰۷-۵۲۴.

۲۲. Shakeri SS, Shabani J, Aghamohammadian Sharbaf HR, Aghili SM. Mediating Role of Attitude towards Betrayal and Marital Conflict in Relation between Using Virtual Social Networks and Emotional Divorce. Journal

Community Health Research. ۲۰۱۹; ۸ (۴): ۲۲۰-۲۲۷.

۲۳. Wadsby, M. & Svedin, C. G. Divorce: different experiences of men and women. Family practice, ۱۹۹۹; ۹ (۴), ۴۵۱-۴۶۰.



الرابطة الزوجية وكسرها في نظر القرآن

جعفر أنفاري^١

خلاصة

ونظراً للمكانة الرفيعة التي تحتلها مؤسسة الأسرة في المجتمعات البشرية، واهتمام القرآن الكريم بهذا الخصوص، فلا بد من النظر إليها من منظور القرآن. ولذلك فقد تناولت في هذا المقال قضايا في هذا الاتجاه؛ بما في ذلك دور الزواج في تأسيس الأسرة، وكذلك مكانة الغريزة الجنسية في الزواج؛ فهل من غير المناسب الاهتمام بهذه الفطرة، أم أنه من الضروري الاهتمام بها في بعض الحالات في إطار الشريعة الإسلامية؟ ويؤكد القرآن وجهة النظر الثانية ويقدم خططاً لتعزيز هذا البناء، ويمكننا أن نشير إلى تأكيد القرآن على حل أي خلافات في الأسرة، وهو أوضح هذه الحالات، مسألة الزواج، التي أوضح القرآن خطوات حل هذه المشكلة. كما أن مسألة مهر المرأة أكدها القرآن، وأثيرت شبهاتها وانتقاداتها. ومن بين المواضيع الأخرى التي تمت مناقشتها مناقشة تعدد الزوجات وزواج المتعة والإجابة على شكوكهما؛ وأخيراً فإن رسم جراحة الطلاق (كسر الرابطة الزوجية) في حالات الضرورة هو أحد المواضيع المقترحة في هذا المقال.

الكلمات المفتاحية: مؤسسة الأسرة، الزواج، الأزواج، الزواج المؤقت، تعدد الزوجات، الطلاق



١. أستاذ مشارك في علوم القرآن، معهد الإمام الخميني للبحوث (r) / Anfari@iki.ac.ir

دور الوالدين فى التربية الجنسية للأطفال

محمد صادق فاضل^١

خلاصة

فى عالم اليوم، تهدد العديد من الانحرافات الأخلاقية المراهقين. وفى الوقت نفسه فإن أحد أهم الانحرافات هو الانحراف الجنسى. من بين العوامل المختلفة، يلعب الآباء دوراً مهماً فى التربية الجنسية للأطفال. لأن من أهم اهتمامات الوالدين هو التربية الجنسية الصحيحة لأطفالهم. يوضح هذا المقال الدور الهام والأساسى للوالدين فى التربية الجنسية للمراهقين، سواء فى فترة ما قبل البلوغ أو فى فترة ما بعد البلوغ. للتربية الجنسية السليمة يجب على الوالدين مراعاة ما يلى قبل البلوغ: الامتناع عن ممارسة الأفعال الجنسية أمام الأطفال، عدم التعرّى أمام الأطفال أو تعريضهم، الامتناع عن لمس عورة الطفل، الامتناع عن تقبيل ومعانقة الأطفال غير الشرعيين بعد سن معينة، فصل أسرة الأطفال،

منع الألعاب الجنسية وعدم اللعب بقضيب الطفل. وأيضاً، من أجل تربية أطفالهم جنسياً بشكل صحيح بعد البلوغ، يجب على الآباء مراعاة ما يلى: الإعلام بالتغيرات الجسدية للبلوغ، وتعريفهم بطبيعية التغيرات فى مرحلة الشباب، والتكيف النفسى، وتطوير الهوية الجنسية للمراهقين، والاهتمام باحتياجاتهم الجنسية ومنحهم الاتجاه المناسب. الكلمات المفتاحية: التربية، تربية الطفل، التربية الجنسية، الانحراف الجنسى، النضج

١. استاذ رفيع المستوى فى الحوزة العلمية قم / m_sfazel@yahoo.com

بحث عن حلول للوقاية من الانحرافات الجنسية عند الأطفال

مدرسة مارال مارفوتى^١

شادى حسانى^٢

خلاصة

الإنسان كائن له جوانب مختلفة، إذا لم يتم الاهتمام بأى من هذه الجوانب فإنه يضر بحياة الإنسان ونموه وتميزه. ومن هذه الجوانب الطفولة المليئة بالفضول والأسئلة المتنوعة وإذا غفل الأهل عنه فإنه يسبب تشوهات منها الشذوذات الجنسية. ولذلك السؤال هو ما هي طرق الوقاية من هذا الضرر؟ كيف يمكن للوالدين منع وقوع حادث مؤسف؟ وقد جرت فى هذه المقالة محاولة لشرح هذه المشكلة باستخدام مصادر المكتبة والأسلوب الوصفى. ومن بين هذه الحلول يمكن أن يكون: التغطية المناسبة للوالدين فى المنزل، والرعاية فى طريقة تواصل الوالدين اجتماعيا، نوم الأطفال فى مواعيده، نوع احتضان الطفل وتقييله، الاستحمام المناسب، دور وسائل الإعلام وأدوات الاتصال الجماهيرى، مراقبة ارتباط الطفل بالأشخاص الآخرين، الإعلام عن البلوغ، مراقبة أوقات الفراغ، إلخ.

الكلمات المفتاحية: الطفل، الانحرافات الجنسية، الوقاية، الحلول، الوالدين.

١. صديقية طاهرة، نوشهر، إيران /shadihassani86@gmail.com

٢. دكتوراه، مدرسة الصديق طاهرة، نوشهر، إيران /hassanishadi137@gmail.co



تحليل الآثار الأخلاقية لللقمة المحرمة في فكر الأسرة وسلوكها من وجهة نظر التقاليد

خديجة نظري^١

خلاصة

في دين الإسلام، تم التأكيد دائماً على الطعام الحلال كعامل مهم في صحة وسعادة الفرد والأسرة، وينصح دائماً بمراعاة؛ لكن في هذه الأثناء، تطرح مسألة اللقمة المحرمة، باعتبارها عائقاً خطيراً في طريق تحقيق السعادة والصحة، وتطرح تساؤلات في هذا المجال. يهدف هذا البحث إلى معرفة التبعات الأخلاقية لللقمة المحرمة وأثرها على تفكير الأسرة وسلوكها من وجهة نظر المرشد الأعلى. ولتحقيق هذا الهدف تم استخدام المنهج الوصفي التحليلي باستخدام موارد المكتبة وجمع البيانات كأداة لجمع البيانات. وقد أظهرت نتائج هذا البحث أن لللقمة المحرمة تأثيرات أخلاقية سلبية كبيرة على بعدى تفكير الأسرة وسلوكها. وفي البعد الفكري أشياء مثل الإهمال وطغيان التصويت والغرق في الجهل المركب؛ ومن الناحية السلوكية، فإن عدم التوازن في السلوك، وخيانة الأمانة في الكلام، وفقدان الطمأنينة بسبب عدم توفر شروط قبول العبادات، تعتبر من النتائج السلبية لتأثير اللقمة المحرمة على الأسرة. الكلمات المفتاحية: عواقب اللقمة المحرمة، الفكر والسلوك الأسري، تعاليم الأحلام.

١. درجة الماجستير / khadijeh31365@gmail.com

دعوة الأطفال إلى الصلاة

محمد حسين باقرى^١

خلاصة

إن الصلاة من أعظم وأهم الفرائض الإلهية، وقد قدمت قبل سائر الأوامر الإلهية. ومن أساسيات التنفيذ الصحيح والكامل لهذا الأمر الإلهي دعوة المكلفين في الوقت المناسب، وخاصة غي الأذان، إن إيجاد عمر قياسي يمكن أن يكون حاكماً مناسباً لقياس الوقت المناسب للأذان عند الأطفال والمراهقين، وقد تم في هذا البحث بحث أسباب أهمية الأذان للأطفال من وجهة نظر الكتاب والسنة والعلماء، وثبتت ضرورة الأذان للأطفال للآباء والمعنيين بالتربية. وفي الجزء الثاني، من خلال دراسة روايات هذا الفصل، مع مراعاة الفروق الموجودة بين الأطفال في الأعمار والأعمار. الأعضاء - الأطفال والمراهقين. ومع أنه لا يصح وصف واحدة لجميع الملتزمين على نحو يسبب الكل؛ ولكن بعد إثبات الأهمية وفي أماكن مختلفة، تم تقديم أفضل سن للدعوة إلى الصلاة عندما يفهم الطفل الله والصلاة وعلاقته بالله، ولو على مستوى سطحي للغاية.

الكلمات المفتاحية: الصبي، الطفل أو المراهق، البلوغ، الصلاة



١. درجة الماجستير / MA/mesbah313b@gmail.com

طرق تشجيع المراهقات على ارتداء الحجاب فى الإسلام

زينب علم زاده انصارى^١

معصوم روستغارناساب^٢

خلاصة

الحجاب هو أحد الحاجات الإنسانية الحقيقية فى المجالات التربوية والدينية والأخلاقية والثقافية. الحجاب هو معقل سعادة المرأة وخلصها فى المجتمع، وهو ما جعل الإسلام ضرورة له. لأنه إذا كان هناك ميل إلى ارتداء الحجاب فى هذا العمر، فمن المؤكد أن تأثيره سيكون أعمق وسيلتزم الناس بالحجاب أكثر. هذا البحث وصفى ويستخدم المصادر المكتبية. وتشير نتائج البحث إلى أن الحلول العلمية تشمل تطبيع الحجاب فى المجتمع الإسلامى، تعزيز ثقافة الغيرة لدى الرجال، تعزيز الشعور بالفخر لدى المراهقات، الاستبطان وتوجيه الشخصية بدلا من التوجه الوجهى، تعزيز الشعور بالمسؤولية لدى الوالدين، تمت مراجعة المدرسين والمعلمين. وتنقسم حلول نيسيز العملية، بما فى ذلك تشجيع الفتيات المراهقات على ارتداء الحجاب، إلى قسمين: التشجيع غير المادى والتشجيع المادى، وفى التشجيع غير المادى النظر فى أن تكون قدوة للحجاب، وإظهار المودة، والتواصل الاجتماعى مع الأصدقاء والعائلات والأشخاص الملتزمين بالحجاب، والمشاركة فى التجمعات الدينية والأنشطة العلمية والثقافية والفنية فى مجال التشجيع على الحجاب، وذلك باستخدام القصص والقصص والشعر. وجاء فى القصيدة وفى التشجيع المادى إقامة حفل واجبات منزلية للفتيات المراهقات وتقديم الهدايا لهن. الكلمات المفتاحية: الحل، الحجاب، الستر، المراهقات، الدين الإسلامى

١. طالبة المستوى الثانى، حوزة الزهراء Az91422090@gmail.com

٢. أستاذ مساعد فى حوزة الزهراء دزفول، rstg93@gmail.com

تحليل أسباب الطلاق

مريم يوسفى عزت^١

خلاصة

يهدف هذا البحث إلى التعرف على أسباب الطلاق وأهمية التربية في مرحلة الطفولة وخاصة في البيئة الأسرية، وذلك باستخدام المنهج الوصفي التحليلي باعتبارها الركيزة الأساسية للمجتمع الإسلامي والبيئة الاجتماعية الأولى، تلعب الأسرة دوراً حيوياً في تكوين شخصية الناس والعلاقات الزوجية. وبحسب الآيات والروايات فإن التربية الصحيحة لأفراد الأسرة لها أهمية خاصة، كما أن ضعف التصورات المعرفية والعاطفية والنفسية قد يؤدي إلى عدم القدرة على إدارة الصراعات وخلق تصورات خاطئة عن العلاقات الزوجية. وتشير نتائج الأبحاث إلى أن، يمكن أن تؤدي التربية غير السليمة إلى خلق حلقة من العلاقات المختلة والطلاق في الأجيال اللاحقة. يعتبر الاهتمام بالأساليب التربوية الصحيحة وإدراج القيم والمعتقدات الإسلامية في العملية التعليمية مع التركيز على تنمية قوة التفكير والعقلانية من المتطلبات الأساسية لمنع حدوث المشاكل الأسرية. وبالإضافة إلى ذلك، يعتبر التعليم مدى الحياة ومسؤولية الفرد في تحسين الذات من المبادئ الأساسية للتنمية الشخصية والاجتماعية. لذلك، ومن أجل تقليل عدد حالات الطلاق وتحسين نوعية الحياة الزوجية، لا بد من اهتمام الأسر بالتربية الصحيحة للشخصيات منذ الصغر وتوفير بيئة صحية لتنمية قوة العقل والتفكير لدى أطفالهم.

الكلمات المفتاحية: الطلاق، الأسرة، المجتمع، التربية، التفكير والاستدلال



Marital bond and breaking it in the eyes of the Quran

Jafar Anvary^۱

abstract

Considering the high position of the family institution in human societies and the special consideration of the Holy Quran in this matter, it is necessary to examine it from the perspective of the Quran. Therefore, in this article, issues have been discussed in this direction; including the role of marriage in the foundation of the family, as well as the place of sexual instinct in marriage; Is it inappropriate to pay attention to this instinct, or is it necessary to pay attention to it in some cases within the framework of Sharia. The Qur'an confirms the second point of view and provides plans for the strengthening of this structure, which can be pointed out in the Qur'an's emphasis on resolving any differences in the family arena, which is one of the clearest of these cases.

The issue is that the Qur'an has explained the steps to solve this problem. Also, the issue of dowry for women is emphasized in the Qur'an, and its doubts are raised and criticized. The discussion of polygamy and temporary marriage and the answers to their doubts are among the other topics discussed; Finally, the drawing of divorce surgery (marital bond breaking) in cases of necessity is one of the topics proposed in this article.

Keywords: family institution, marriage, spouses, temporary marriage, polygamy, divorce



^۱ . Associate Professor of Quranic Sciences, Imam Khomeini Research Institute (RA) anvary@iki.ac.ir

The role of parents in the sexual education of children

Mohammad Sadiq Fazel¹

abstract

In today's world, many moral deviations threaten teenagers. In the meantime, one of the most important deviations is sexual deviation. Among various factors, parents play a significant role in the sexual education of children. Because one of the most important concerns of parents is the healthy sexual upbringing of their children. This article shows the important and fundamental role of parents in the sexual education of adolescents, both in the period before puberty and in the period after puberty. For proper sexual education, parents must observe the following before puberty: Refraining from performing sexual acts in front of children, Refraining from nakedness in front of children or exposing them, Refraining from touching the child's private parts, Refraining from kissing and hugging non-mahram children after a certain age. Separating children's beds, preventing sexual games and not playing with the child's own penis. Also, in order to properly educate their children sexually after puberty, parents must observe the following: informing about the physical changes of puberty, familiarizing them with the naturalness of the changes of youth, psychological adjustment, developing the sexual identity of adolescents, and paying attention to their sexual needs and giving them a favorable direction.

Keywords: education, child education, sexual education, sexual deviation, maturity

¹ . high level professor of seminary, Qom / m.-sfazel@yahoo.com

Investigating solutions to prevent sexual deviations in children

Maral Marvotti^۱

Shadi Hassani^۲

abstract

Man is a creature that has different aspects, if any of these aspects are not paid attention to, it will harm human life and his growth and excellence. One of these aspects is childhood, which is full of curiosities pardakhteh shod. az jomleh in ranpehkarehya mitavan bah: pushesh menasb And there are various questions, and if parents are careless about it, it causes abnormalities, one of which is sexual abnormalities. Therefore, the question is, what are the ways to prevent this damage? How can parents prevent an unfortunate incident? In this article, an attempt has been made to explain this issue by using library sources and descriptive method. Among these solutions are: suitable coverage Parents at home, taking care of how parents socialize, children's sleep on time, the type of hugging and kissing the child, proper bathing, the role of media and mass communication tools, monitoring the child's interaction with other people, informing about puberty, monitoring leisure time, etc.

Keywords: child, sexual deviations, prevention, solutions, parents.



^۱ . Sedigheh Tahira Seminary, Nowshahr, Iran /shadihassani۸۶۴@gmail.com.

^۲ . Ph.D., Siddique Tahira Seminary, Nowshahr, Iranhassanishadi۱۳۷@gmail.com.

An analysis of the moral effects of the forbidden morsel in the family's thought and behavior from the perspective of traditions

Khadija Nazari^۱

abstract

In the religion of Islam, halal food has always been emphasized as an important factor in the health and happiness of the individual and the family, and its observance is always recommended; But in the meantime, the issue of forbidden morsel, as a serious obstacle in the path of achieving happiness and health, is raised and raises questions in this field. This research was conducted with the aim of investigating the moral consequences of the forbidden morsel and its effect on the family's thinking and behavior from the perspective of the Supreme Leader. To achieve this goal, a descriptive-analytical method was used using library resources and data collection as a data collection tool. The findings of this research showed that the forbidden morsel has significant negative moral effects on the two dimensions of the family's thinking and behavior. In the dimension of thought, things like neglect, tyranny of vote and sinking into compound ignorance; And in the aspect of behavior, lack of balance in behavior, dishonesty in speech and loss of peace due to the lack of conditions for acceptance of acts of worship are mentioned as negative consequences of the effect of haram morsel on the family. Keywords: the consequences of forbidden morsel, family thought and behavior, dream teachings.

Calling children to prayer

Mohammad Hossein Bagheri^۱

Abstract

Prayer is one of the most magnificent and important divine obligations, which was introduced before other divine commands. One of the essentials for the correct and complete implementation of this divine order is the timely invitation of the obligees, especially the non-members – children and teenagers. Although it is not correct to prescribe one prescription for all obligees in a way that causes all; But after proving the importance of calling to prayer, finding a standard age can be a suitable ruler to measure the appropriate time to call to prayer in children and teenagers. In this research, the reasons for the importance of calling children to prayer from the perspective of the Qur'an, Sunnah and scholars have been examined, and the necessity of calling children to prayer for parents and those involved in education has been proven. In the second part, by examining the narrations of this chapter, according to the differences between children in different ages and places, the best age for calling to prayer is introduced when the child understands God, prayer, and his relationship with God, albeit at a very superficial level.

Keywords: boy, child or teenager, puberty, prayer



^۱ . MA /mesbah۳۱۳b@gmail.com.

Ways to encourage teenage girls to wear hijab in Islam

Zainab Alamzadeh Ansari^۱

Masoume Rostgarnasab^۲

abstract

Hijab is one of the real human needs in educational, religious, moral and cultural fields. Hijab is the bastion of happiness and salvation of women in the society, which Islam has mentioned as a necessity. Meanwhile, teenage girls are at a more sensitive stage compared to other sections of the society, because if a trend towards hijab is created at this age, its effect will certainly be deeper and people will stick to hijab more. This research is descriptive and uses library sources. The findings of the research indicate that the scientific solutions include the normalization of hijab in Islamic society, strengthening the culture of jealousy in men, strengthening the sense of pride in teenage girls, Internalism and characterism instead of facetism have been investigated to strengthen the sense of responsibility in parents, educators and teachers. Nesiz's practical solutions, including encouraging teenage girls to wear hijab, are divided into two parts: non-material encouragement and material encouragement. In non-material encouragement, consider setting a role model for hijab, showing affection, socializing with friends, families and people bound to observe hijab, participating in religious gatherings, scientific-cultural and artistic activities in the field of encouragement. Hijab, the use of stories, stories and poetry, and in material encouragement, the celebration of homework for teenage girls and giving them gifts are mentioned.

Keywords: solution, hijab, covering, teenage girls, Islamic religion

^۱ . ۲nd level student, Al-Zahra Seminary Az ۹۱۴۲۲۰۹۰@gmail.com

^۲ . Assistant Professor of Al-Zahra Seminary (S) Dezful, rstg ۹۳@gmail.com

An analysis of the causes of divorce

Maryam Yousefi Ezzat^۱

abstract

The purpose of this research is to investigate the underlying factors of divorce and the importance of education during childhood, especially in the family environment, which was done with a descriptive and analytical method. As the main pillar of the Islamic society and the first social environment, the family plays a vital role in the formation of the personality and marital relations of people. According to the verses and narrations, the correct education of family members is of particular importance and weakness in cognitive, emotional and psychological perceptions can lead to inability to manage conflicts and create false perceptions of marital relations. The research findings indicate that, Improper parenting can create a cycle of dysfunctional relationships and divorce in subsequent generations. Paying attention to the correct educational methods and including Islamic values and beliefs in the educational process with emphasis on developing the power of thinking and rationality is considered one of the basic requirements to prevent the occurrence of family problems. In addition, lifelong education and the individual's responsibility in self-improvement are also considered as the basic principles of personal and social development. therefore, In order to reduce the number of divorces and improve the quality of married life, it is necessary for families to pay attention to the correct upbringing of characters from childhood and to provide a healthy environment for the development of the power of reason and thinking of their children.

Keywords: divorce, family, society, upbringing, thinking and reasoning

^۱ . Master's student / Elementary Education / Qom

branch / Islamic Azad University / Qom / myunique.ir@gmail.com

